تن ا زدختران لیسه‌ها ، که آنها بسرعت با بچه‌ها و بطور شایدوبایدبا محصلین پوهنتون ملحق شدند ، مظاهرات را برضدحکومت که مصادف به‌دومین سالگردانقلاب ثوربود ،سر برا ه‌انداختند . ازآوان رویکارآمدن کمونیستها ،متعلمات لیسه‌های کابل به‌مخالفت خشونت آمیزخودعلیه رژیم مسلط برکشوردست اندرکارشده‌اند . به‌اصطلاح (انقلاب و عصیان بچه‌ها واطفال) به‌ازبین رفتن تقریبا پنجاه نفر از متعلمین انجامید ، که‌سی تن از آن جمله‌وابسته‌به‌طبقهٔ نسوان بود . به‌هزاران تن آنها بازداشت وتوقیف شدند و توسط وسایط نقلیهٔ بزرگ که مملوازآنها بودبه‌سرماموریت های پولیس ، وقشله‌های نظامی وپلچرخی مسیرشان رادر پیش گرفتند . ودرحدودشش تن ا ززنان جوان وابسته به مظاهره‌چیان طبق گزارش تااواخرسال ۱۹۸۳ هنوزدرزندان بودند .

یکتن ازاستادان وپروفیسورقابل احترام‌پوهنتون به‌نماینده‌گان غربی چنین اظهارداشت ، که‌اوجسدچندین تن ا زمحصلین را که دوباره به فامیل شان برگردانده شدندمشاهده‌کرده‌است . آنها درنتیجهٔ ضربهٔ مرمی وعلایم شکنجه‌واثرات بریدگی بروی جسدآنها که سوراخ، سوراخ شده‌بودندبه‌مشاهده‌میرسید ، اوچنین گفت . برای یک مدت زمان طولانی، مکاتب وموءسسات عالی آموزشی در پایتخت کشورعملا"متروک وغیرقابل استفاده‌قرار گرفته بود . طبق گفتهٔ وی(هیچیک ازانها بیش ازین به مکتب نمی روند ، به‌استثناء گروپ های خوردوکوچک‌ازمتعلمین که موردپسندحکومت کارمل است)

اوچنین افزود، بقیه‌ای آنها درجاده‌ها وبازارها علیه روسها می جنگند.

یکی ازطراحان وسازماندهندگان مظاهرات اپریل سال ۱۹۸۰ جبهه‌مقاومت شهری بنام (ساما) می باشد. که به‌نمایندگی ازمحصلین، متعلمین وسایراعضای تحصیل کرده‌چیزفهم به‌فعالیت آغازکرد، چنین می اندیشید که تجدیدبخشیدن به‌این تسلسل مظاهرات درامربه جریان انداختن تظاهرات فبروری ومارچ که‌به‌تعقیب آن دنبال خواهدشدفوق العاده‌ازاهمیت حیاتی برخوردار است. برای اینکه‌توپ بحال غلطان وحرکت درآورده‌شود، در هر یک ازاصناف وطبقه‌جهت تأمین ارتباط وپیوندباگروپ یک نماینده‌برگزیده‌شدکه‌همقطاران وهمصنفان اش رابسیج و تحرک وادارد، طوریکه‌تدارکات وآمادگی ها به‌شکل تحرک وجنبش بهم فشرده‌ترشدبقیه‌سازمانهای سیاسی باآن ملحق خواهندشد.

تاریخ سربراه‌انداختن آن بیست ویکم اپریل سال ۱۹۸۰ بود، تاریخی که‌ازطرف رژیم ببرک بخاطرافراشتن پرچم جدیدملی که‌شکل عنعنوی وسنتی آنراکه‌عبارت از سرخ وسیاه‌وسبزباشدوتعویض آن پرچم سرخ خلقی هااست، که‌حرکات واشارات دیگرپرچمی هااست جهت فرونشاندن خشم افرادوتسکین خاطرعموم مردم زمانیکه‌متعلمات لیسه‌ثریابحال مارش وحرکت بسوی پوهنتون کابل بودند مظاهرات آغازیافت. دراثنای حرکت آنها بسوی پوهنتون متعلمین سایرمکاتب وموءسسات آموزشی عالی نیزباآنها ملحق شدند. زمانیکه‌آنها به‌پوهنتون کابل مواصلت

کردند ،آنها پرچمهای کاغذی را که توسط حزب کمونیست نشرو اشاعه یافته بودپاره پاره کردندوبا ناله وفریاد (نه پرچم سرخ، ونه رنگ سرخ را می پذیریم، سیاه وسبز، صرف آزادی) مقالات سماما اعلان نمودکه (مظاهرات امروزاین حقه بازان سوشل امپریالیسم را به لرزه درخواهدآورد) نیرو های امنیتی حکومت صحن پوهنتون را محاصره وبدون ایجاد اشکالات زیادبه متفرق ساختن مظاهره چیان پرداختند.

بروز دوم، متعلمین لیسه ها دوباره بسوی پوهنتون مارش کردند. امادرین اثنا، پرچمی های مسلح، مبارزین، که بسیاری ازآنها را متعلمین مکاتب تشکیل میداد، مسیر حرکت انان را مسدودساختند. ناله وفریادهای آزادی یا مرگ وروسها بخانه های تان برگردید، مظاهره چیان در تصورآن بودندکه ازین صفوف رخنه کرده وبا بقیه متعلمین که بجانب مقابل آنها قرارداشتندملحق شوند. طبق یک شواهد، یک پرچمی با یک لودسپیکریا رافع الصوت فریاد برآورد! که شما توسط دشمنان انقلاب انحصارشده اید. آن ها یگانه کسانی اندکه شما را به تحریک واداشته اند، درین لحظه، یک محصلهء صنف یازده لیسه رابعه بلخی بنام (ناهید) خود را یکه وتنها در صف مقدم قرار داد. شما یگانه کسانی هستیدکه ازطرف روسها انحصارشده اید، که ردتهمت رژیم حاکم برکشوربود. پاسخی بوددربرابراتهامات وارده برمظاهره چیان، برای ما طوریکه شما میدانیدکه چه چیزما رابرمی انگیزد؟ میگ ۲۱ وتانکهای شوروی، بعداً" وی چنین افزود: (آزادی یا مرگ!)

مبارزین جدی وسرسخت کمونیست درجهت گرفتاری

وی گام برداشتندکه‌زدوخوردونزاع درگرفت .هلیکوپتر های شوروی بالای سرهمه‌بالای جمعیت به‌فیروشلیک آغاز کرد، تاهیدودرحدوددرجن هااز مظاهره‌چیان صرف در راه نجات کشوراز تسلط این خودفروختگان به‌مقابل بیگانه، جان شیرین خودرافداساختندوقربانی این راه‌شدند. در این گیرودارماتم ناله‌ودردونا سزاگوئی های ضدکمونیستی، مظاهره‌چیان مجبوربه‌عقب نشینی شدند. دربین اثنا متعلمات لیسه‌ها نیزبه‌هرسودرپایتخت کشوربه‌مارش پرداختند، ازمقابل افرادمسلح نظامی افغان‌ومبارزین حزبی عبورنمودند، نقاب‌های شان رابرسرآنان پرتاب نموده‌ناله‌وفریاددادند: (اینجا ... این حجاب‌ها ونقاب‌ها برای شما است! شما آدم نیستید. شما ،که‌با ماشیندار های خوددرمقابل خواهران خودکه‌صرف باکتابها مجهزاند وناله‌وفریادآزادی راسرمیدهند، به‌مخالفت برخواسته اید، برخی ازدختران سنگ‌ها رابسوی وسایط نقلیه و جیپ‌ها ئیکه‌مشاورین روسی وهمسران آنان راحمل می کردندپرتاب کردندوبااین عمل میخواستندکه‌آنها را متوقف سازندودرپشت سرآن قرارگیرندکه‌درنتیجه با چندین فیرهای ماشیندار، سه‌تن ازدختران افغانی را به‌شهادت رساندند.

آزادی یا مرگ!

روزبروزمظاهرات بشکل گسترده‌وروبه‌فزونی مینهاد مقامات مسئول سعی وتلاش نمودندکه‌درهای خروجی کلیه مکاتب ولیسه‌ها رادرامرکنترول ازمتعلمین که‌خودرا در

داخل موءسسات آموزشی وتعلیمی سازمان داده اند، از رفتن به‌خارج جلوگیری نمایند. دختران مکاتب ولیسه‌ها بدون اینکه‌به‌این دستورات قالبی تن دردهند، از طریق دیوارها خودرا به سرکهای شهرسرازیرمی ساختندومتعلمین لیسهٔ حبیبیه‌که‌درنزدیکی سفارت شوروی قرارداشت در حرکت بسوی سفارت شوروی موءفق شد، تا اینکه‌درنزدیکی سفارت از طرف افراد مسلح ومضطرب شوروی وپولیس جلو آنها قرارگرفت، وازان پیشترحرکت کرده‌نتوانستند، معلمین ناله‌وفریادسردادند: (ای خرس ها! خاک پاک ما راترک گوئید! مردم افغان شما را نمی خواهند!). فیر ها شلیک شدکه‌درنتیجهٔ آن شش تن ازمتعلمین جان شان را درین امرمقدس نجات کشورازدست دادند. یکتن ازمقتو لین، که‌سن آن دربین شانزده‌بود، کفن سفیدرا بر تن نموده‌بود، تا چنین وانمودکندکه‌ازمرگ وکشتن درین راه هراسی ندارد، وبه‌تعدادزیادی توقیف وزندانی شدند.

بتاریخ بیست وهشتم اپریل، محصلین ومتعلمین درضمن یک گردهم آئی بزرگ هفت میل راه‌رادرشهروجاده های آن پیمودند. پولیس افغان آنان را همراهی میکرد، امامداخله‌نکردند. درجریان رفتارمظاهره‌چیان باآنان گفت وشنودمیکردند، وبه‌آنان چنین خاطرنشان میساختند که‌آنها درراه‌آزادی کشور، ومبارزه‌برادریکدیگر اند، با ما جنگ نکنید، بلکه‌با روس ها بجنگید، استدلال متعلمین ودانش آموزان چنین بود. زمانیکه‌قوای ژاندارم در برابر مظاهره‌چیان کدام عکس العمل خصمانهٔ نشان ندادند، طبق احکام واوامرمقامات عالی ج دخا، مبارزین

سرسخت مسلح حزبی بروی صحنه‌ظاهرشدند ، به‌مجرد ظاهر شدن آنها را بروی صحنه ، بروی مظاهره‌چیان فیرنمودند ، که‌درین بازهم چندین تن ازمتعلمین بشهادت رسیدند و بسیاری ازآنها مجروح وبصدها تن آنها روانهٔ زندان شدند .

با متفرق شدن متعلمین بحال سراسیمه‌گی ودرهم و برهمی، بسیاری ازمتعلمین درمنازل وخانه‌های اطراف ومجاورآن که‌ناظرین باعاطفهٔ این صحنه‌بودند ، پناه داده‌شدند . به‌گفته‌یکتن ازمتعلمین سابق لیسه‌استقلال که‌وی نیزشاهداین صحنه‌بود (من توسط یک جیپ توسط پرچمی برداشته‌شدم) اما یک دسته‌ازرفقای ماکه‌ازنزدیکی وسایط عبورمیکردنداین وسیلهٔ نقلیه‌را موردهجوم قرار دادندومراازچنگ آن رها ساختند .

لحظاتی بعد ، کلیهٔ ما زندانی وتوسط یک بس به پلچرخی منتقل شدیم . اما باآنهم ماازورای پنجره های بس شعارهای سرمیدادیم (روسها ، کشورما را ترک کنید !)و (آزادی یا مرگ) درتمام مسیربس بسوی زندان این شعار ها را سرمیدادیم .

منابع مقاومت ملی چنین خاطرنشان میسازد که تقریبا برخی ازمتعلمین زندانی تحت شکنجه‌قرارگرفتند ویا به‌عبارهٔ‌دیگروحشی ازآنها ساخته‌شده‌بود . بنابران علی الرغم ازبین بردن مظاهره‌چیان درنتیجهٔ شلیک مقامات پرچمی چنین می نمودکه‌تلاش ومساعی آنها بگونهٔ بودکه‌نبایدبه‌عملی که‌ازطرف خلقی ها مرتکب شده‌متوسل شوند . مبارزین حزبی سعی می نمودندکه‌با متعلمین به

بحث ومذاکره آغاز کنند ، و از آنها می خواستند هر آن چیزی را که آنها مطالبه می کنند آزادانه با آنها مطرح کنند .
طبق گفتهٔ شاگرد پیشین لیسه استقلال، زمانیکه متعلمین فریادهای آزادی سرمیدادند ، یکی از پرچمی ها درپاسخ چنین اظهار داشت : (چه کسی آزادی را از شما گرفته است ؟) روسها از طریق مستخدمین ونوکران (افغانی) آنها ،چنین بود پاسخ آنها روسها بخاطر ساختمان و اعمار کشور ما درجهت کمک به کشور ما آمده اند ، اصرار یکتن از مبارزین پرچمی بود . اعمار ؟ منظور شما از بمبارا ن هرات ،بامیان درهٔ صوف ، کنر ، پکتیا ، نورستان وپنجشیر .... اعمار ؟ متعلمین ندا سردادند ، کمک ؟ کدام نوع کمک ؟ کمک در امر قلع وقمع ونابودی افغانها ؟ از روی خشم وغضب متعلمین آنرا درردیف خائنان محسوبش کردند ، مبارزین پرچمی اطاق را ترک کرد ، دوهفته بعد ، شاگرد لیسه استقلال وبیست وچهار تن از رفقای وی از محبس رها شدند .
درمراسم گردهم آئی وانجمن متعلمین در کابل ، صرف هفته ها بعد از طغیان وانقلاب ، بچه ها واطفال ،ببرک اعتراف نمود ، آنهائیکه با رژیم سرمخالفت داشتند ودارند وتاحدی درامر پیشبرد فعالیت های تخریبی شان ،به پیروزی های دست یافته اند ، اما وی علاوه نمود که دستیابی به این پیروزی برای آنها یک پدیدهٔ موقتی است .

مخالفت های مسلحانه شهری

در اوایل تابستان سال ۱۹۸۰ ، مقاومت ها درمناطق شهری به پیمانهٔ گسترده سازماندهی میشد گرچه با آنهم زدو

خوردودرگیری ها خارج ازپایتخت کشورمنحصرومحدودماند،
(باشندگان شهراین فیرهای شبانه را به‌حیث یکی از صدا
های معمول وعادی شهرمی پندارند)نوعی ازصداهائیکه
بالعموم ازان غافل اندتااینکه‌ناظرین ومبصرین توجهٔ
مردم رابدانسوجلب میکنند، گزارشگرواشنگتن پوست (
ستوارت اویربا خ) درآگست سال ۱۹۸۰، دراثنا ئیکه‌شهر
کابل رابا ویزه‌سیاح بازدیدنمود، یادآوری میکندتما-
ویررهبران چریکی درجریان شب روی دیوارهای منازل
سرش میشد، درحالیکه‌شب‌نامه‌هم باآن یکجا انتشار می
یافت. رادیوکابل لست‌های مسئول عملیات ضدانقلابیون
راگزارش داده‌است. بنا به‌قول رادیوکابل این آدمکشان
واوباشان، شفاخانه‌ها، مکاتب، پلها، انبارخانه‌ها و
ساختمان های عمومی راازبین برده‌اند، سرکها وخطوط
مواصلات را مختل ساخته‌اند. موترهای باربری را به‌تصرف
خوددرآورده‌اند..... مواد غذائی را به‌ولایات مختلفه
کشورانتقال میدهند.

مگرباآنهم مظاهرات دسته‌جمعی وکتلوی در برابر
رژیم درواقعیت امردرجریان دومین سال اشغال کشور
به‌گونهٔ خاتمه‌یافته‌بود. تاکتیک های خیلی تندو خشن
امنیتی، خصوصا توسط (خاد) وتهدیدهای حکومت در امر
مسدودساختن هریک ازفروشگاه‌ویا مغازه‌ها ویاکارو بار
ومشاغل که‌درمظاهرات اشتراک کرده‌بودنددرجهت ملایم
ساختن بسیاری ازمخالفت‌های عمومی ازعهدهٔ آن کار
بدرمی شده‌است. شب وروز، گماشتگان(خاد) افراد
مشکوک وابسته‌به‌گروه‌مقاومت راتوقیف می نمود، بعضا "

تحت ضرب وشتم قرار میداد ویا برعکس در مقابل اعضای خانواده با زداشت شدگان را تحقیروتوهین می نمود ، قبل ازانکه جهت را به مراکز بازداشت گاهای بدنام عوض کند .

تقاضاها به واسطهٔ گروه مقاومت برای مردم در امر سربراه انداختن مظاهرات درجاده ها گرچه دارای پی آمد های ناچیزی بوده است ، امادرواقع برای چنین کاری نیاز به یک مردمتهورویا متهورترین آنها ازجملهٔ طبقهٔ اناث است که خودشان را بخاطرمنافع عامه درتحت فشار و شکنجهٔ خیلی وحشیانه وسبعانه حکومت قرار دهند و همهٔ این گونه وحشت ها را متحمل شوند . هنوزچنین تجویزها پشتیبانی قاطبهٔ مردم را درامرمقاومت تا اندازهٔ ازبین برده است .

برای امروز ، مکاتب وموٴسسات عالی آموزشی، هنوزبه مثابهٔ یک عرصهٔ انفجارنیرومندپنداشته می شود . تشویش ونگرانی ثابتی دررابطه با موضوع وجوددارد که نا آرامی متعلمین به آسانی میتوانددوباره به شکل انفجاری اش درآیدو به سایرسکتورها انتشارپیدا کند . مردان وزنان جوان غالبا هنوزدردرس خانه ها شعارهای (مرگ برروس ها) و (مرگ برپرچمی ها) سرمیدهند ، درحالیکه چندین روزنامه ها به نشرات وتوزیع آن ادامه میدهند .

برای رژیم شورچهارمین سالگرددراپریل سال ۱۹۸۲ سازمان استخباراتی واطلاعاتی (خاد) بازرنگی ومهارت هرچه بیشترکلیه رهبران نامورمحصلین ومتعلمین را عزل نمودوتمام لیسه ها وموٴسسات آموزشی عالی را برای چند روزبحال بسته نگهداشت ، حال طبق معمول درجریان سر

براه انداختن کلیه سرگرمی های مهم حکومتی با اشتیاق وحرارت جنبش های ضدکمونیستی ممکن بروزکند. بالنتیجه هیچگونه رویداد ضدحکومتی به رسم گذشت سالیانه آسیب و صدمه نرساندکه عساکر افغانی، محصلین پوهنتون، پولیس ومبارزین حزبی با پرچم های سرخ وسه رنگ بسان بلاک شرقی گذشتند، درحالیکه طیارات میگ وهلیکوپترها از بالای سربه غرش درآمدند امنیت فوق العاده شدید بود و هیئت های نمایندگی اتحاد شوروی، کیوبا، یمن جنوبی، منگولیا وسایرکشورهای کمونیستی ازجمعیت های متراکم وانبوه بدورنگهداشته شده بودند.

شلوغ وازدحام درکابل

علی الرغم مساعی وتلاشهای حکومت درامر مصور ساختن حیات درپایتخت کشوربه مثابهٔ یک شکل عادی بآن هم پرتو جنگ درهمه جا حاضربه نظرمیخورد، گرچه قبل از تجاوزبرکشور، نفوس پایتخت افغانستان درنتیجه مهاجرت های داخلی مردم درامریافتن سرپناه، مصئونیت و کاروبار ومشاغل که به شکل متورم درآمده بود، باآغاز سال ۱۹۸۴، نفوس شهرازهفتصدهزارکه قبل ازتجاوزواشغال کشوراست به دوملیون افزایش یافت که تقریبا سه چندنفوس سابق میشود. چه بسا ازین پناهندگان ازسایرشهرک های ولایات کشوربودندکه بخاطرشدت زدوخوردوعدم اطمینان در تهیهٔ موادغذائی به این شهرسرازیرشده بودند.

حملات چریکها دربرابر وسایط نقلیهٔ اکمالات واعاشه بگونهٔ پیدا ریک سلسله ممانعت های راازنگاه موادغذایی

می باشند.

گرچه شایعات وهنگامه های این کشتارهای تلافی جویانه از آغاز انقلاب ثور تقریباً دربین مردم پخش شده بود و (کیرالی) نخستین راپوروگزارش مفصلی بود توسط تامه نگاران غربی (گرچه نه ماه بعدتر) نخستین محاسبه و آمار در نشرات پاکستان، دوهفته بعداً ووقوع حادثه نادیده گرفته شد) که برمبنای شواهد عینی برخی از پنجاه تن از افراد یکه از این حادثه کشتار دسته جمعی جان سالم بدربرده بودند می باشد.

(کیرالی) نخستین شواهد عینی وپوست کنده است که دخالت نظامی شوروی ومشاورین سیاسی آنرا در چنین عملیات طراحی شده جهت حمایه وپشتیبانی از دکتاتوری خلقی ها وانمود میکند، واز ان ببعد به صدها وهزاران تن از کشتارها چه در دوران تره کی، امین وچه ببرک ونجیب اعمال شده است وموردتائید دانش پژوهان جهان مترقی قرار گرفته است، که تسلسل آن از خفه کردن سیصدهزار ه در شمال که در ردیف کشتار دسته جمعی محبوسین سیاسی درحومه واطراف کابل صورت گرفت، می باشد.

هیچکس حتی چیزی درباره افغانها که یکدام پیمانه درنتیجهٔ بمباردمان، حملات ویورشهای نظامی، اعدام و کشتارها درمحابس وزندانها وسایراشکال وشیوه های شکنجه وفشار از آوان رویکار آمدن این نظام کمونیستی درافغانستان از سال ۱۹۷۹ ضایعات وتلفات داشته است، چیزی نمی داند. ارقام موثوق وقابل باوربه چندین صد هزار قربانیان را وانمود میکند که با اعمال شکنجه وفشار برحیات

ومحروقات موجب میشدبنابران روسها را بران واداشت که اشیای متذکره‌فوق رااز اتحادشوروی واردنمایند.پشت سرهم ایستادن ومنتظرنوبت بودن بخاطرمواد غذایی در جریان زمستان ۱۹۸۱-۱۹۸۲ کاملاً یک منظرهٔ معمول وعادی تبارزمی نمود، درقیمت های کچالو، برنج، گوشت و چوب خیلی ها افزایش به عمل آمدصرف گندم، شکروپترول از اتحادشوروی واردمیشدکه‌قیمت آن ثابت بود. با فرا رسیدن بهار سال ۱۹۸۲ بخش های گسترده‌ای از کابل بخاطر تخریبکاری ازداخل ویا حملات مستقیم چریکها برتاسیسات نیروی برق وشبکه‌های آن به‌کمبودی آب وقطع جریان‌برق مواجه‌بودند. مردم ازچراغهائیکه‌با شحم وچربی از آن استفاده میشودمتوسل شدندوبرای آشامیدنی وموارداحتیاج ازچاهای سابق استفاده‌به‌عمل می آمد. علی الرغم اعلان حالت غیرعادی ازساعت ده‌بجهٔ بعدازظهر، سینما ها آخرین نمایش شان را درشش بجه‌آغاز میکردندوبسیاری ازتکسی ها بین ساعت هشت بجهٔ بعدازظهردورترازجاده‌ها قرارمی گرفتند. باوجودگزمه‌های حکومتی با مجاهدین، برخی از مردم بعدازساعات به‌یک کارمخاطره‌آمیزدست میزدند.

بخش قابل تذکری ازافرادبی جاشده‌عبارت اند از خانواده‌های حامیان وجانبداران ج،د،ج،ا اما اکثریت قاطع مردم، گرچه‌اعضای حقیقی گروه‌مقاومت هم نباشند اگرهرچنداززرژیم جانبداری وحمایه‌هم کنند، باز هم کمترجلوه‌میکنند.(مقاومت تا اخیرادامه‌خواهدیافت) موضوع رایکتن ازتاجران باشندهٔ کابل اظهارداشت، که اوهمسرواطفالش رادریک روستای شمال که‌دردست چریکها

است ، هرزمانیکه‌خواسته‌باشندمیتوانندازآنها بازدید نمایند. ما باید خانواده‌های خودرا تغذی نمائیم ، کدام کاروبا روشغلی درروستا ها وجودندارد ، بنابرا ن جزاینکه به‌شهرها روآوریم چارهٔ دیگری وجودندارد.). مبلغ های ارسالی بواسطه‌آنهائیکه‌درشهرها به‌کاروبا رمشغول اند بیانگریک منبع مهم درآمدنه‌تنها برای وابستگان ما محسوب میشودبلکه‌برای مجاهدین نیزازان استفاده به عمل می آید. مگربه‌کمال تأسف ، بسیاری ازخانواده‌ها ئیکه‌با فرزندانشان با چریکها درنبردوزدوخوردا ندناگزیر شده‌اندکه‌استخدام یک پسریا دخترش را توسط دستگاه استخباراتی واطلاعاتی(خاد) یا نیروی ملیشیا افرادشبه نظامی درمقابل حمایه‌وکمک پولی بپذیرند. .

سرازیرشدن نفوس امکانات موجودرا خیلی مشکل ساخته‌است . با اعماروساختمان منازل به‌پیمانه‌نا چیز واندک به‌معنی کمبودی شدیدمسایل خانه‌وتورم مالی می باشد. چه‌بسیاری ازافرادوخانواده‌های جدیدالورود در خانه‌های گلی وسنگی که‌خارج ازشهرمیباشدزندگی می کنند، درحالیکه‌بقیهٔ آنها با پول بیشترکه‌مرکب ازدوسه فامیل باشددریک اطاق خودرا انباشته‌اند. کرایه‌خانه‌ها ازدوهزارافغانی بسال ۱۹۷۸ به‌ده‌هزارافغانی در سال ۱۹۸۴ قوس سعودی اش را پیموده‌است . .

قشون سرخ ازنگاه‌نظامی مکلفیت دارد ، امادالر امریکائی بخشی ازپول رائج ومعمول دادوستدمحلی به حیث افغانی، با نرخ آزادبازارتقریبا دوچندنرخ رسمی ازان کارگرفته‌میشود. مگربا آنهم ربل روسی، نایاب

است به مثابهٔ یک شکل پول حقیرانه قابل تبادله است . . قوماندانی اعلی شوروی به افراد نظامی خود اکیداً استفاده از آن را خارج از حریم نظامی ممنوع قرار داده است .گرچه نرخهای مال و دارائی پیوند و رابطهٔ نزدیک با پول رایج هانکانگ دارد، تبادلهٔ دالر اساس برمبنای اموال واجناس استهلاکی که از پاکستان، ایران وخصوصاً از کشور های منطقهٔ خلیج به پایتخت کشور سرازیر میشود، تعیین میشود. بالنتیجه، بازارهای شهر دارای ذخایر خوبی از اجناس که سلسلهٔ آن از سگرت های امریکائی گرفته به سیت های تلویزیون ورادیو جاپانی خاتمه می یابد، وترقی ورونق بازارسیاه اگر از طرف مقامات ذیصلاح تشویق و ترغیب نشود آزادانه تحمیل میشود. .

بنابران، چنین مال التجاره صرف برای آنهائی قابل میسر است که پول نقد در اختیار دارند .گرچه به طور کلی با میزان تورم سالانه، که بطور رسمی بین بیست الی بیست وپنج فیصد تخمین شده است، که بگونهٔ شگفت آور با درنظر داشت شرایط و اوضاع جنگ باز هم ناچیز جلوه می کند، که بسیاری از باشندگان کابل انجام ونهایت این کار را مواجه به یک سلسله اشکالات زیادی می پندارند ،خصوصاً درجریان ماه های زمستان که مواد غذائی ومحروقات به ندرت در دسترس مردم قرار می گیرد، کمبودی حاد این گونه اجناس اولیه معمولاً به کندی واردات از اتحادشوروی ذخیره ویا درگیری ها درولایات پنداشته میشود ،اما اشکالات زیادی نیز برای آن وجود دارد که با خودداری وامتناع بسیاری از زارعین در امر فروش تولیدات شان به مقامات حکومتی

منشأ می گیرد. قیمت ونرخ گوشت ، زمانیکه قابل حصول باشد، یعنی دردسترس مردم قرارگیرد، بشکل انباشته و متراکم بیش ازحداست وآن به نسبت ازبین رفتن احشام وچارپایان اهلی بواسطهٔ بمباردمان ومهاجرت پناهندگان با احشام ومواشی آن ها به پاکستان می باشد.

انقلاب، مقاومت ووفاداری مردمان محلی

درافغانستان که توسط شوروی ها اشغال شده کلماتی چون(انقلاب ودیموکراسی) (عصریت) (ترقی وپیشرفت) توسط بسیاری ازافغانهای روستائی با ناسازگاری واکراه تلقی میشود. گرچه سه واژهٔ اخیرالذکرانگیزهٔ برنامه های انکشافی جهان غرب بعدازجنگ عمومی دوم جهانی میباشند، چه بسا ازانها این واژه ها رادرجریان سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بخاطرمفاهیم ضمنی دست چپی، ناسازگارونامطبوع تلقی کردند. ازان به بعد، کمونیستها تاحدی ازمفاهیم آن سوءاستفاده ها کردندکه برای امروزمترادف یا فشار و اعمال قوه می باشد..

به مثابهٔ یک چنین مقاومت ملی، مجاهدین در امر تحرک بخشیدن به اندیشه ها ودسپلین که یگانه خصلت سایر جنبشها وسازمانهای آزادیبخش درسراسرجهان بگونه خیلی مغلق وپیچیده دست اندرکاروفعالیت اند، توجه کمتری مبذول داشته اندوحتی چنین شعوروانگیزهٔ دربین رهبران آن تبارزنکرده است. جبهات چریکی، که بسیاری ازآنها حتی هنوزهم با درنظرداشت اندیشه های محافظه کارانهٔ قبیلوی ونژادی وقومی مسلط برجریان اموراست ، شیوه

ها ی را که‌درنتیجه‌آ ن حکومتها ی ا نقلاب ثوریکی بعددیگر درا مرعصری سا ختن ا فغا نستا ن دورا ن فیودا لی درپیش گرفته‌ا ست.نفی می کنند. ا ما جبها ت مقا ومت نسبت به ا ینکه‌صرف منطقهٔ خودشا ن را دفا ع کند . .

بطورمتوسط‌یکسلسله‌اصلاحا ت وبهبودیها ی را درجریا ن‌نظم‌و نسق ا موررویکا رآ وردنده‌ا ند .صرف عده‌انگشت شماری ازآ نها هسته‌ها ی دفاعی‌وبنیادی‌شان که‌مشا به‌بسا زما نها ی گروها ی مقاومت ملی(یونیتا)درا نگولاویا (ا ی،پ ،ا ل،ا ف)درارتیریا با شدبا فعا ل سا ختن مکا تب ،با سربرا ه‌انداختن‌تنوبرادهان وپروگرامهای سوادآموزی،بیمارستانها وکمکهای ا دویه‌وتسهیلات زراعتی ازمجرای بدست آوردن کمک بآن رونق خاصی بخشیده‌ا ند.

حکومت درمنا طق قبا یلی دردورا ن صلح آ نقدرها ا ز نفوذوسلطه‌فرا وا نی برخوردا رنبوده‌ا ست . فروریختگی وا زهم پا شیدگی کلی حکومت درحومه‌ها ی دوردست ا زمنا ـ طق شهری جمعیت ها را بدا ن تشویق نمودکه‌دوبا ره به سا زما نها ی عنعنوی با ستا نی شا ن روآ ورند . ا فرا دیکه تصا میم وقرا رها را صا درمیکردندچون شورا ی دها ت یا کلی جرگه ، که‌تحت سرپرستی رئیس‌قبیله‌یا (چه‌دربسا موا رد مکلفیت ومسئولیت مقا ومت محلی ودرا مرتدا رک وسا زما ن دهی ا زپیش آ مدها ی ا حتما لی، چون به‌گردش ا ندا ختن مجا هدین محل بمنظورتجس وموا ظبت ونگهبا نی را ه‌ها ی دخول را نیزبعهده میگرفتند . درچها رچوب حیا ت ا جتما عی ا فغا نها ، هرکس خودرا به‌نحوی ا زا نحا وا بسته‌ومربوط به طا یفه‌وقوم که‌زندگی ا جتما عی ا زا ن منشأ می گیرد، می دا نند، که‌آ ن یک قریه‌ویا دهکده‌با شد، با یک سلسله

تعهدات ومکلفیت های سنتی وعنعنوی افتخاروانتقام گیری ازخون که این فوقیت ها به عداوت وخصومتهای سیاسی کشانده است . که چنین تابعیت ووفاداری باعث یک سلسله شک وتردید مشخصی بین حکومت وگروه های مقاومت را فراهم ساخته است . .

دریک موردما میتوانیم از (اولی ویررای) یک کار شناس ومتخصص فرانسوی درر ابطه با مطالعات افغانستان چندین بار ازدوران تجاوزکشور ، به افغانستان مسافرت نموده نقل قول نمائیم ، تلاشها ومساعی یک مجاهد جهت ازبین بردن وکشتن یک همکار نا موردرولایت غربی در نتیجهٔ وفاداری به مسایل محلی ومنطقوی وقومی ، این پلان خنثی ساخته شد . .

(زمانیکه گروه مقاومت تلاش به کشتن آن نمود ،قوم وقبیله ای وی این موضوع را خاطرنشان ساختندکه مرگ وی درجریان مبارزه ودرگیری به مثابهٔ جرم پنداشته نخواهد شد ، اما قتل وی درنزدیکی خانه وسرزمین ووطن برعکس حس انتقام جوئی وعداوت وخصومت خانوادگی منتهی خواهد شدکه گروه مقاومت به تمام قیمت سعی وتلاش می نمایدکه ازان خودداری نماید ، شخص تا حال آزاداست)

دربسا موارد ، اتکا بیش ازحدبه موءسسات اجتماعی عنعنوی به گونهٔ خطرناک گروه مقاومت را تصفیه نموده است صرف بصورت تدریجی جبهات اهمیت توسعه دادن چیزی را که ماورای سازمان های نظامی با شدبا تقبل مسئولیت های اقتصادی ، سیاسی واجتماعی بطورکلی میتوانند درک کنند . چه بسا ازین جمله هنوزفاقدآل اندیشی ویا مهارت

ها وکارشناسی های سازمانی میباشند. واکنشهای ضعیف، نیز، دربین کشورهای غربی ومسلمانها درامرکمک ومعاونت به‌پیمانه‌گسترده‌نیزبه‌شکل مانع شدیدوطاقت فرسا درآمده‌است . .

ماهی درآب

پیش‌آمدهای احتمالی، جهت‌گیری ها وگرایش های دوران معاصروا سلامی قوماندان مجاهدچون مسعودخموشانه به‌سازوبرگ دادن انقلاب خودشان دربین جوامع روستائی سرگرم است، انقلابی که‌آغازآن درامرانتشار و پخش انقلاب درسایرجبهات گروه‌های مقاومت بوده‌است .شوروی ها به‌نوبه‌ٔ خود، درامرتشخیص ولکه‌دارساختن این گونه مجاهدین به‌مثابه‌ٔ یک فئودال‌ووابسته‌به‌عناصرارتجاعی پالیسی شانرا تعقیب می کنند، اما درظاهرامرشوروی ها تلاشها ومساعی شانرا جهت (بلشویک) ساختن مردم روستا ها ترک داده‌اند، درمقابل جهت نام نویسی کردن وحمایه ازآنها ویا بیطرف ساختن عناصرا صلی که‌آنها ،سران قبیله وطائفهٔ عنعنوی وسنتی، زمین داران وملاهای شانرا به باداتهام ومحکومیت قرارمیدهند، می باشد .

جبهات خیلی پیشرفته (پنجشیر، نیمروز، هرات و مزارشریف، وردک وغیره) تلاش وسعی آنها را با پاره‌ٔ از پیروزی توأم است، آمیزش عناصردیموکراسی واصلاحات اجتماعی یا عنعنات ورسوم محلی. .

شوراهای مقاومت نه‌تنها درامرتوأمیت وهماهنگ ساختن سران دهکده‌ها وقراتشکیل یافته، بلکه‌سازوبرگ

های نظامی، سیاسی، اقتصادی، قضائی، اجتماعی ونمایندگان اطلاعات مجاهدین نیزانسجام وتوأمیت پیداکرده درپنجشیر، جائیکه بنیهٔ ساختمانی درامرخدمت به مثابهٔ یک نمونه مقاومت سراتا سرصفحات شمال افغانستان تبارز کرده است، سران شورای سیاسی ونظامی شخصا ازطرف مسعودبا درنظرداشت لیاقت وکاردانی آنها برگزیده شده اند. هرقریه، برعکس، نمایندگان قضائی ومالی شانرا برمی گزینند. (ریش ماش وبرنج) که به مثابهٔ پدروریش سفید عنعنوی وسنتی این وادی میباشد، هنوزدرامرکارو باروماسایل ازنفوذوصلاحیت بیشتری برخورداراست، یک مانورماهرانه وزیرکانهٔ است ازطرف مجاهدین درامر برقراری ازامضاء وتصدیق محل، گرچه این موضوع بیشتر از آن چیزیکه باشدچنین می نماید، که خونهای جوانان چون مسعودمیتواندبعنوان یک فردمسلط که زادهٔ نبرد و د ر گیری است برمسندش قرارگیرد، وآنها با درپیش گرفتن یک چنین موضعگیری اشتباهی درامرنفی والغاء سازوبرگ عنعنوی شان مرتکب نشده اند.

با تعقیب ازدستورات (ماهی درآب) مائو، مسعود سعی وتلاش درامراثبات این موضوع ازینکه مقاومت نه تنها قادربدفاع ازین منطقه میباشد، بلکه مهیا ساختن امکانات خوبتروبهتردرآینده را نیزبه آنان با محک عملش ثابت خواهدساخت. ازآوان نخستین مرحلهٔ اشغال کشور، مقاومت درین وادی توأم با خطوط ونصب العین یک دولت نیمه خودمختارمسیرش را درپیش گرفته است. علی الرغم ناموزونی ها ونشیب وفرازهای جنگ، اودارای مکاتب

شخصی نیز میباشد (بیست وهشت موءسسات آموزشی وتعلیمی، که توسط صدتن از مربیان ومعلمین درخود وادی پنجشیر و به کنارهای وادی به پیش برده میشود) شفاخانه ها ،محابس موءسسات اداری، وگماشتگان آن درپشاوردرامر نظارت و وارسی از ارتباط با جمعیت ومتیقن شدن از همآهنگی و تشریک مساعی درامر ایجاد تسهیلات درامر خطوط تدارکاتی. پنجشیر همچنین مساعی وتلاشهای درامر جلب کمک ها ومساعدت های مالی کشورهای دوست (درنتیجهء فرستادن واعزام هیئت های درشرق میانه ، اروپا وایالات متحده امریکا) درجریان سالهای پرمشقت ودشوار نیز سربراه انداخته است . .

هم مسعود وهم سایر قوماندانهای باهوش و زیرک منطقه موضوع را چنین ارزیابی کرده اند که مبارزه ومقاومت آنها سالها به درازا خواهد کشید . موءثریت مقاومت در سالهای که درپیش رواست بستگی بدان خواهد داشت طوریکه درجریان سال ۱۹۸۲ حملات وتجاوز کمونیستها درپنجشیر نشان داد ، توانائی درازمدت جبهات درامر متقاعد ساختن بقای نفوس محل ومنطقه درجریان دورانهای خیلی دشوار درگیری ونبرد وفراهم ساختن غذای کافی، پوشاک وکمکهای طبی دردسترس آنها ، مقدار کمکها ومعاونت های که توسط دنیای خارج میشود نقش قاطع وتعیین کننده خواهد داشت . اما ازآنجائیکه شوروی ها حملات شانرا در برا برنفوس غیرنظامی ومردمان بیدفاع تشدید میبخشند ، چریکها این موضوع را خیلی دشوار خواهند دید که مردم را از گریز باز دارند . بقای درازمدت مبارزه ومقاومت همچنین به

عوارض طبیعی وفزیکی نیزوابسته است . ازآنجائیکه مناطق کوهستانی ازامکانات زراعتی بخورونمیری برخوردارانـد، این مسئلـه آسان وسهل ترجلوه میکندکه دیپوهای موادغذایی رابخاطربرخورداری آن ازموقعیت ستروا‌خفای بهترونقاط خیلی مهم ازنگاه سیستم استحکامات دفاعی، تهاجمی وتسخیر، درآنجاها منتقل ساخت . در میدان‌های که مقاومت درآن مسلط وحکمفرما است اطراف وجوانب مزارشریف برعکس، جائیکه شوروی ها برای یک مدت درازی دراندیشهٔ آن بودندکه زردک رادرزمینه بکاربرندتاچوب باتخریب نکردن وثابت نگهداشتن تسهیلات وشبکه های زراعتی، اراضی که ازنگاه زراعتی خیلی زرخیزو دارای آب فراوان است ، امابا آنهم ازامکانات دفاعی چندی نیزبرخوردار است . .

دراوایل سال ۱۹۸۴ درجریان عملیات نظامی گسترده شوروی تعدادبی شماری ازین، صفحات شمال کشوررانا ـ گزیربه‌ترک دیارشان نمودوبسوی پاکستان سرازیرشدند .

زکواة ویامحافظهٔ پول

چه‌بسیاری ازمردم روستاها ودهات کاملا" در این موضوع قناعت دارندکه مجاهدین بایدازآنها دفاع کنند وبه‌سازوبرگ حیات وزندگی شان بپردازند، وبا چنین وضع بتوانندبودجه‌ها وتخصیصیه‌های برای شان سراغ گردد وبدان وسیلـه به‌اکمالات خودبپردازند، اما همچنین خودرا دربرابرمقامات کابل به‌مثابهٔ محتاج ودرمانده قرار دهند، روی این منظورجبهات متعددی رادرامرروی کار

آنها خاتمه‌داده‌شده‌است . .

چه‌به‌تعقیب حمله‌ٔ شوروی وبا رویکار آمدن ببرک کارمل ، دریک تلاشی که‌جهت بی اعتبارساختن رژیم‌پیشین خلقی ها باشد ، چنین ادعا نمودکه‌درحدودیک ونیم‌ملیون تن از افرادکشوردردوران تره‌کی وامین بقتل رسیده‌اند که‌تعداد آن برای امروزبا رویکار آمدن نجیب به‌دوچندآن میرسد . .

آوردن سیستم مالیاتی خودشان پا بعرصهٔ وجودگذاشته‌اند گرچه‌که‌به‌همانگونه‌تعدادزیادافرادخانه‌وکاشانهٔ شانرا ترک می گویند، منابع مورداحتیاج کمتری دردسترس این مردم باقی مانده‌قرارمی گیرد. بادرنظر داشت پیوستگی وپیوندآنها به‌مسایل مغلق وپیچیده‌ودرضمن قابلیت وتوانائی سازمانی، جبهات گاهی به‌جمع آوری ومالیات برمی آیندکه‌ازکمک هائیکه‌ازمجرای تنظیمهای پشاوربه‌آنها میرسد، نیزبیشتراست..

حتی قبل ازحملات شوروی، گروپهای مشخصی نقاط اساسی قابل کنترول ومواظبت رابه‌امتدادشاهراه‌ها در امرجمع آوری حق العبورویابطورساده‌ضبط ومصادره‌اموال واجناس وسایط باربری مشکوک حکومتی، سازوبرگ داده بودند. درامرمراقبت وکنترول سرکها، گروپهای مخصوص بافارم های مخصوص مالیه‌باخانه‌های خالی که‌اسم موتروان یادرایوربه‌آن تعلق می گیرد، وغیره‌ثبت وسایط نقلیه، ومقداریپولیکه‌تحصیل شده، معمولاً"درهمه‌جابین پنجاه‌وصدافغانی صرف برای یک دفعه‌حق العبور تعیین شده‌است..

شاهراه‌کابل، جلال آباد وخیبرطبق گزارش از سود هنگفت وفراوانی برخوردار است واین شاهراه‌نسبتا" به خاطرترافیک سنگین مال التجارهٔ که‌بین پشاور و مرکز افغانستان جریان دارد، میباشد..

درختم سال ۱۹۸۰ مجاهدین درجهت تحصیل مالیات درکلیه‌نقاط آزادشدهٔ کشور، دست اندرکارشدندتا جران بایدبین ده‌الی بیست فیصدجنس باارزش که‌بران مالیات

برعایدات بسته‌شده بپردازند، واین زمانی است که به حمل ونقل ویا صادرات چوب، گوشت، احجار نیمه قیمتی وسایر تولیدات محلی اشتغال داشته باشند.

دروادی پنجشیر طبق بررسی همان سال کمیته مالی جبهه پنج فیصد مالیات بردرآمد روی معاشات مامورین تثبیت نمود، چه این مامورین درکابل معاش خوراند ویا دروادی پنجشیر، که دهقانان وزارعین مالیات بردرآمد آنها ده فیصد تعیین شده زمانیکه محصولات زراعتی آنها به فروش برسد درحالیکه تولیدات زراعتی بخاطر بروز جنگ و درگیری آسیب فراوانی دیده، پنجشیری ها هم درتلاش آن افتاده اندکه درمعادن سنگ به ذخیره کردن زمرد از کوه های مجاور به یک سلسله تشبثات بپردازندکه دوباره در اثنای مراجعت به بازارهای پاکستان جهت فروش توسط کاروانها انتقال داده میشود، که این امر به مثابهٔ یک منبع درآمد موزون وباقاعده درجهت ادامهٔ مقاومت ملی کمک موءثر و مثبتی محسوب میشود.

پاره ای ازگروپهای مقاومت، مخصوصاً آنهائیکه در کابل وسایر نقاط شهری به عملیات مشغول اند، بخاطر محافظه ازدارائی آنانیکه درخدمت دولت استخدام شده اند واین دارائی آنها تحت اشغال وتصرف گروه های مقاومت چریکی قرار دارد، نیز به جمع آوری مالیات می پردازند. واین جمع آوری مالیات صرف اموال ودارائی مستخدمین دولتی را از دستبرد وغارت نجات میدهد. چریکهای مقاومت ملی چنین معتقداندکه برخی ازمقامات رسمی پرچمی و اعضای برجستهٔ آن ها دربیروی سیاسی عضوفعال آن شناخته

میشوندچون غلام دستگیرپنجشیری گرچه‌درظاهرامردرین موردبی‌میلی ازخودنشان میدهدامادرین رابطه‌سهم‌گیری منظمی داشته‌است . .

جبهات بخصوص ، خصوصاً آن استانهای مرزی چون نورستان، سازوبرگهای جمع آوری مالیات را در بین وابستگان شان درکمپ های مهاجرین ویامسافرینی که‌از سرزمین ومحدوده‌ٔ کنترول آن ها عبورومرورمیکنند، سر برا ه‌انداخته‌اند . که‌این امرغالباً بشکل(زکواة) که مطابق میل ورضا ورغبت افراد، جهت سهمگیری آن ها در امورخیریه‌که‌مقدارآن درسال به‌دونیم فیصدازدرآمد مردم حساب شده‌است، میباشد. واین عضویت ویابعبارهٔ دیگراعضای حزب مقاومت ملی یک منبع درآمددیگری در این موردمیباشد. .

درهریک ازاوضاع واحوال چون بدینگونه‌اجراات ثبات ونیرومندی سازمان ازان تبارزمیکند، همچنین درمواردخاص یک سلسله‌دستبردها واستفاده‌های نامطلوب قابل ملاحظهٔ درامرجمع آوری پول برای گروهای مقاومت چریکی، نیزبوقوع پیوسته‌است . .

گاهی‌چنین اتفاق افتاده‌است که‌اعضای حزب با دارائی وپول تنظیم یاگروپ راه‌فراررا برقرار ترجیح داده‌اندونام ونشانی ازآنها سراغ نمیشود، وعده ای نیزبعدازچندسال بطورمخفی ازگوشهٔ سربدرمی آورند . یکی ازآنها راکه‌بخودنویسندهٔ کتاب هم معلوم است فعلاً" درایالات متحده‌امریکا زندگی بسرمیبرد .درارابطه باموضوع یک سلسله‌فسادها وکلاه‌برداری ها درچهار چوب

تنظیمهای مستقردرپشاور به مشاهده می رسد، برخی از رهبران بگونهٔ دست پاچگی وسرگیچی لانه های شانرا با پروبال، پول ودارائی حزب وتنظیم ویا از مجرای نفوذ وموقفشان آرایش میدهند. .

گذشته از مجاهدین، همچنان شبه نظامیان حکومتی و یا رهزنان عنعنوی به مثابهٔ پارتیزانها درمی آیند که پناه گزینانرا که بسوی پاکستان سرازیر میشوند، با تقاضا ومطالبهٔ پول گزاف از برای حق العبور از گذرگاهها وکوه های تحت مواظبت وکنترول آنها، ویا به گونهٔ یک رهزن، به فعالیتهای غیرانسانی دست زده اند. بخشی از دعوه و نزاع مستمربین جبهات مختلف مقاومت ملی، مجاهدین مسلح که از مناطق تنظیم رقیب آنها عبورمیکنند، بعضا" چنین واقع میشودکه سلاح، تجهیزات وپول شانرا باید تسلیم گروپ رقیب نمایند. .

دریک سفر، یک قوماندان کاروان از من تقاضا نمود (منظور از مؤلف کتاب) که حساب وکتاب مالی وذخایر واندوختهٔ یک گروپ را زمانیکه ما از قریه وروستای یک حزب رقیب عبورمیکردیم با خودحمل کنم. (مرا ......). او بزبان فرانسوی که سکته در افاده کلمات آن به مشاهده می رسیدچنین گفت: (شایدبخاطریک سلسله پرابلم ها شما ژورنالیست ـ شما بی طرف میباشید.).

ماشین تحریر، تیپ ریکاردرها، وکامره ها

گرچه افغانهای روستائی غالبا نسبت به برادران تحصیلکردهٔ شهری خودمحتاطانه گام برمیدارند، همچنین

دربین گروه‌ها ی مقا ومت جنبهٔ سیا سی سا ختن ویا رنـــگ سیا سی دا دن موضوعا ت روزمرهٔ آنـها درحا ل ا وج گیـــر ی است . عملا" هریک ا زدها ت وقراء ویا با زا ری که‌وا بسته‌به گروهها ی مقا ومت چریکی است دا را ی دفا تروسا زوبرگها ی ادا ری تنظیمها ی مشخص می با شد . برخی ا زآنـها دا رای د و ویا سه‌دفتردرمنطقه‌که‌متعلق‌به‌آنـها است که‌ا ین موضـــوع ا رتبا ط می گیردبه‌نیرووتوا نا ئی هریک ا زسا زما نـهـا و تنظیم درمنطقه‌که‌تا کدا م ا ندا زه‌ا زنیرووتوا نا ئی بـــر خوردا را ست . گسترش وتوسعهٔ وا رونه‌جلوه‌دا دن حقا یـــق وتخریب کا ری شبکهٔ ا طلاعا تی(خا د) یک سلسله‌جبها ت ر ا روی یک ضرورت مبرم وخا ص خودشا ن درا مرحما یه‌وپشتیبـا نی همگا نی ا زطریق رویکا رآوردن سا زما نـها وتشکیلات د ر ا مرمبا رزه‌با دستگا ه‌پروپا گندی حکومت ترغیب نموده‌است، روی ا ین منظورجلسا ت سیا سی مخصوصا ا زطرف مجا هدیـــن جوا ن وکا درها ی تحصیلکرده‌به‌سرعت هرچه‌بیشتربخشی ا ز حیا ت روزمره‌دربین جبها ت بخصوص می با شد .(ما سعـی و تلاش مینما ئیم که‌به‌مردم درس تا ریخ بیا موزیم‌که‌در پی آمدسلطهٔ کمونیزم وا شغا ل کشورا فغا نستا ن توسط روسهـا طورشا یدوبا یدنظریا ت وا ندیشه‌ها ی دموکرا سی و ا نقلا ب ا سلامی را نیزبا یدتوضیح دهیم) . ا ظها را ت برا درمسعو د محمدیحی، محصل وترنری ودا م پزشکی سرپرست وشخـــص مسئول کمیتهٔ سیا سی پنجشیرمیبا شد . قا بلیت وتوا نا ئی مقا ومت میتوا ندبا مغلقیت وپیچیدگی تخنیک های اطلاعاتی بگونهٔ فزا ینده‌قا بل سنجش وا ندا زه‌گیری با شد . جبها ت پیشرفته‌نه‌تنها با دا شتن تجهیزا ت وموشکها ی ضد طیا ره ،

خمپاره اندازها وکلاشینکوف های شان مباهات وافتخار نمایند، بلکه با ماشینهای نسخه برداری ویا دونسخه ساختن آن، ماشین تحریریا تیپ را یتروکمره ها را نیز مورد استعمال واستفاده خودقرار دهند. برخی ازگروپها، خصوصا آندسته ازگروپهای مقاومت که درمرزهای ولایات غربی کشورمشغول عملیات اندچنین می نمایدکه استفاده ازچنین وسایل ازجانب ایران به آسانی دردسترس آن ها قرار می گیرد.

گروه های مقاومت نصر، ویا به مفهوم افغانی آن پاسداران محافظین انقلاب ایرانی که هردوی آنها ازطرف ایرانیها تعلیم وآموزش دیده اند، که بگونهء نیرومند و موءثرتکتیک های پروپاگندی راکه ازروی مهارت وظرافت توسط انقلاب اسلامی سربراه انداخته شده منعکس می سازد، بشمول بیشترکردن تولیدتیپ ریکاردرها بمنظورتقسیم و توزیع وپخش ونشرخبر، درروستا وبازارها، چه بساازمناطق نشریه واخبارخودشان را به چاپ میرسانند،وبطورمنظم و با قاعده با سازمانها وتنظیمهای پشاورسهم گیری وتبادله اطلاعات دارند، که به نوبهء خودرساله ها ونشرات تبلیغاتی شانرا به شکل مجله به زبانهای فارسی، پشتو، عربی و انگلیسی به چاپ میرسانند، گذشته ازان، مجاهدین نیز ازروی مهارت یک چیزساده ما خیلی کاری وموءثراقدام به سرویس نیوزکم ـ پوستل داد. نامه ها وخطوط ارسالی ازیک بخش یک مملکت به حصهء دیگران فرستاده می شود. ارسال ومرسول نامه ها، ازیکجا بجای دیگر، تا آنجائیکه آن نامه محرمانه وسربسته نباشد، آن نامه ها راباآ و از

بلند درضمن جلسات ونشست های دهات ویا چای خانه ها ئیکه درمسیرسرک با شدبه مردم قرائت میکنند . چه درنتیجهٔ آن قوماندان های مجلی آن چیزرا که لازم ببینند درا ن نامه علاوه میکنند وپیغام رسان به سفرش ادامه میدهد . طوریکه با بسیاری ا زجمعیت بی سوادها ، صرف پیغام شفاهی به مثابهٔ یک عنعنهٔ باستانی آنها درامرافهام وتفهیم می باشد . افغانها مردمانی اندکه به موزیک وشاعری علاقهٔ زیاددارند ، بیشترافغانها ، هزاره ها ، تاجیکها ،پشتون ها ، بگونهٔ مشتاقانه به ساز وآوازمی پردازند ویا داستان های دوران گذشته وزمان حال راحکایت ویا دآوری میکنند که با لنتیجه به رویکارآمدن یک ادبیات نوین بطور کلی دربارهٔ تجارب مجاهد ، منتهی میشود .

هویت اجباری والزامی تنظیم ها ، تنظیمها وسازمانهای سیاسی تقویم ویا جنتری های جیبی راکه محتوای آن با آیات کلام الهی ، عکاسی ها ومقالات سیاسی مزین شده است به نشرمیرسانند ، درحالیکه موجودیت روزنامه نگاران خارجی را به یک نقطهٔ مهم که متصورکردن آن از نگاه مشاهده با شدجلب کرده است . یا به عبارهٔ دیگرنمایاندن آن شی ازنگاه مشاهده درجریان مبارزه ازاهمیت ویژه ای برخورداراست که توجه روزنامه نگاران خارجی را بخود معطوف ساخته است .

دربسا موارد ، مجاهدین مشابهتی به اطفال دارند که آنها به ایجادوکشف یک طرح یا افزاری برآمده اند که بطورکلی دردینامیک پدیدهٔ نوین محسوب میشود ، که اگر با مهارت موردا ستعمال قرارگیرد ، بطورکلی حیات آنها

را دگرگون خوا هدساخت . این یک پدیدهٔ غیرمعمول وعادی نمی توا ندبا شدکه مجاهدین با آن برمیخورندوآن عبارت ازانتقال وحمل سی وپنج ملی متری خودشان وکامره های عکاسی سوپرهشت است . پاره‌ٔازاجنسی ها ویانمایندگی های عکاسی وکمپنی های تلویزیونی مجاهدین رابآرزوی بدست آوردن وحصول نبردهای دراماتیکی بهاینگونه‌فلم ها ووسایل مجهزساخته‌اند .

جمعیت اسلامی، که‌دارای کمیتهٔ تبلیغاتی واطلاعاتی ویژه‌است ، دارای یک تیم عکاسی وفلم منحصربه خوداست که‌مجاهدین رادرامرجها دیاری میرسانند ، ودرهر جا با مجاهدین یکجا سفرمیکند . دراوقات مساعدوبهتر ، مسعودجلسات آموزشی نظامی را با فلم گیری از (پیشرو) که‌توسط یک پروجکتوریکه‌به‌واسطه‌یک جنریترقابل حمل نیرومی گیردبه‌شکل مصوربه‌نمایش می گذارد .

گروه انگشت شماری نیزدرافغانستان غربی دارای ویدیوریکاردرمی باشند . شکل دیگرپروپاگندوتبلیغات ویاجنگ روانی، کاربردواستفاده‌ازدستگاه‌که‌باصدای بلند خوش آمدیدوسلام میگوید . هرگروپ عملیاتی معمولا"یک یا دوتاازین دستگاه‌را با همراهان خودانتقال میدهند .

بخشی ازافرادنظامی شوروی که شعوروتوازن عقلی شان راازدست داده‌اندبانعره‌های(اللهاکبر) یاخدا بزرگ است ویادیگرفریادهائیکه‌سربراه‌می اندازند، مورد سرزنش قرارمیدهند ، پارتیزانها یاچریکها درامربرقراری پیغام وتأمین ارتباط بجانب مقابل هموطنانش رامورد مخاطب قرارمیدهد . صرف قشله‌ها واستحکامات حکومتی که

درمحاصره مجاهدین قرارگرفته اند درنتیجه ارسال ومرسول پیامها توسط دستگاه های مخصوص مخابراتی سرانجام صفوف خودشانرا ترک داده وبه صفوف مجاهدین ملحق میشوند . چرا برای آن روسهای سگ وملحد می جنگید؟ آنها از طریق میکافون ها ودستگاه های رافع الصوف ندا سرمیدهند . (شما مسلمان هستید ، به برادران مسلمان خودجائیکه پیوندوارتباط شما با آنها است ، بیائید) برای یک چنین قشله وپادگان، شنیدن چنین نعره ها وصداهای بلند که به امتداد کوهها ووادی ها انعکاس میکنند درواقع بجانب مقابل خیلی ها ناراحت کننده تلقی میشود .درصورت نبودن سیت رادیوی دوطرفه ، که به تدریج دربین مجاهدین رونق پیدا کرده است ، میگافون نیزدرامرانتقال خبربجانب مقابل وافهام وتفهیم درجریان نبردازان استفاده به عمل می آید .

اخبار از طریق امواج هوا

افغانستان هنوزیک کشوری است که دربحث های رسمی وشوخی ها به منظورسرگرمی وتفریح خیلی نقش عمده دارد . درسراسرمناطق تحت اشغال گروه مقاومت ،چایخانه ها وسماوارها درجریان شب هم مملوازمسافرین می باشد ، که درین ضمن مجاهدین ودهقانان محل پیرامون اوضاع جنگ به بحث وگفتگومی پردازند . بعداً این دسته خاموش میشودویکی ازانها دایل یاسوچ رادیوبزرگ موج کوتاه جاپانی راعیارمیکند ، که به مثابهٔ یک پروگرام تمثیلی برای بسیاری ازمردمانیکه درچای خانه یاسماوار خانه

جمع شده‌اند و چه بسا از اهالی محل و منطقه یک سرگرمی محسوب میشود. صدای امریکا بخش دری آن سرلوحهٔ خبر ها را تکرار میکند، وزمانیکه بقول منابع دپلوماتیک از کابل، که گزارشات اخیر و اصله از جنگ و درگیری را حکایت میکند، همه با تعجب و شگفت زمزمه های میکنند.

صرف یک ساعت قبل از آن، رادیو کابل پیروزی کوبنده و خورد کننده را بر باندیت ها در صفحات شمال کشور اعلان نمود. اما مجاهدین که بعداز ظهر از آن روستاها و دهات گذشته و راهی پاکستان بودند چنین ادعا نمودند که نبرد و درگیری هنوز به اوج شدتش در جریان است و کمونیست ها متحمل خسارات زیادی شده‌اند حالا صدای امریکا چنین اظهار نظر میکند که نیروهای چریکی به هیچ وسیلهٔ شکست نه خورده‌اند. به تعقیب صدای امریکا، فوری در همان زمان توسط یک افغان دکمه و سوچ دیگری زده شد که پروگرام بی، بی، سی بخش فارسی آن عین برنامه گزارشی را تکرار کرد. برای یک ناظر خارجی، مصیبتی را که افغانها هم در داخل کشورشان و هم خارج تعقیب میکنند در واقع یک پدیده تکان دهنده است.

به پارهٔ از ژورنالیستها و دکتوران فرانسوی وعده ای از نامه رسان ها از تنظیم های پشاور، ستیشن‌های موج کوتاه رادیو، صدای امریکا، بی بی سی، صدای آلمان وحتی رادیوی ماسکو، اولین ارتباط آنها را با جهان خارج برقرار میسازد. هم صدای امریکا و هم پروگرامهای بی بی سی، تلاشهای زیادی درامر بهتر ساختن برنامه های شان برای افغانستان، بگونهٔ مثال روی کار آوردن پروگرام

نخستین شکنجه وفشار

درحالیکه نخستین عملیهٔ زجروشکنجه وفشار خلقی ها متوجه جناح پرچم بود، رژیم تره کی وامین با شتاب زدگی هرچه بیشتر توجه شانرا جهت تفرقه افگنی بین عناصر غیر کمونیستی معطوف ساختند. زمانیکه وحشت خلقی ها برای مرحله نخست شهرها را تحت تأثیرخود قرارداد، درتابستان سال ۱۹۷۸ بصورت تدریجی دراستان ها وولایات کشورپخش می شد، که مردم با عنعنهٔ آسیائی درصدد مخالفت با حکومت برخاستند. با بی تفاوتی وبی اعتنائی نسبت به جریان اموربسیاری ازافغانها تا زمانیکه صدمهٔ مستقیم ازطرف خلقی ها متوجه آنان نبودبحال خودباقی ماندند. درجریان یک هفته بعدازسلطهٔ قدرت توسط خلقیها درکشور، کمونیستها احکام توقیف ودستگیری روحانیون و زمین داران مقتدررا درولایات شرقی کشورصادرنمود. برخی از آنها توسط پولیس دراثنائیکه آنها مشغول نماز خواندن درمساجدبودندگرفتارشدند. وپاره ٔ ازآنها به وضع حقارت آمیزدرچهاررا هی دهات تحت ضرب وشتم قرارگرفتند. این گونه بی حرمتی ها ودست درازی ها صرف بمنظورنشان دادن دهقانان بودازینکه آنها بیش ازین نمی تواننددرسایهٔ

ها بزبان پشتو ویا برنامه های بیشترکه مخصوص وقایع و رویدادهای افغانستان را دربرمی گیرد، نموده اند.

بدون شک وتردید، سرویسهای موج کوتاه جهان غرب دارای یک سلسله خلاهای می باشند. چه بدست آوردن اطلاعات موثوق پیرامون رویدادهائیکه درداخل افغانستان می گذرد امری است مشکل، چه اطلاعات، هدایات وتوصیه های قبلی توسط سفارتخانه های غربی دراسلام آباد و یا دردهلی بطورمنظم (که روی یک سلسله مشاهدات از دپلوماتهای که درکابل بوده اند استوار است) گرچه، غالبا کسانیکه بطورکلی دارای اطلاعات جامع درزمینهٔ موضوع باشند، قابل پرسش قرارمی گیردویا ناقض میباشد، خصوصا درارتباط با رویدادهای که خارج ازپایتخت افغانستان به وقوع می پیوندد که غربی ها نمی توانند دران مناطق به سیروسیاحت بپردازند. رادیوستیشن ها این گزارش ها را پخش میکنند وافغانها درارتباط با موضوع ازروی فهم ودانش زمزمه های سرمیدهند، زمانیکه آنها بشنوند که ازطرف نیرو های امنیتی قلع وقمع شده اند، درحالیکه آنها در واقع چای می نوشند.

برعکس، شبکه های موج کوتاه تعادل مهم را با نقل قول ازاخبارهای تازه واصل شده ازژورنالیست های غربی ویا مصاحبه های راکه با دکتوران فرانسوی وسیاحین بازگشته به عمل می آورند، تهیه میکنند.

بی بی سی درچندین موارد گزارشهای بسیارخوبی را ازژورنالیستهای موظف که بداخل به سیروسیاحت میپردازند، پخش میکنند، وقایع ثبت شدهٔ آنها به پاکستان

توسط چاپاروپاقاصددرداخل یک عصاچوب قرن نوزدهم که دارای شکاف وترک است ، با دست دوبار ه منتقل میشود .

بعدفاصله ودورافتادگی این منطقه جغرافیائی دست ناخورده به بسیاری ازمردمان غرب چنان معلوم خواهد شد ، چه رویدادی درهرگوشهٔ جهان به وقوع می پیونددمایهٔ تشویش ونگرانی خیلی عمیق برای افغانها گردیده است تهیه اخبار یک امرلازمی جلوه میکند .

هرافغان بطورمتوسط برای امروزواقعیت را چنین دریافته است که سرنوشت کشورش نه تنها منحصرومحدود به میدانهای کارزار افغانستان قابل فیصله وحل می باشد ، بلکه همچنین کارش به واشنگتن، ماسکو، جنیوا ، وارسا و ماناگوا نیزمی کشد . علی الرغم تسهیلات خطوط مواصلاتی وارتباطی درایالات متحده امریکا ، این طعنه زدن است که یک دهقان پشتوزبان بی سوادونا خوان ازمناطق پکتیا چنین خواهدنمودکه بطورنسبی پیرامون رویدادهای جهان نسبت به بسا ازیک امریکائی دارای معلومات بهتری می باشد .

برای یک خارجی بگونهٔ دقیق ازطرف سران روستا ها ویا مجاهدین درباره مسائل بین المللی اگرپرسش بعمل آیدیک پدیدهٔ غیرمعمول نمی توا ندباشد . زمانی، در آستانه نخستین سالهای نبرد ، سه تن ازروزنامه نگاران غربی وخودم یک کمپ صحرائی راکه به تعدادزیادی ازپارتیزانها دران جابجا شده بودندکه درجنوب ولایت هلمند قراردارد ، که با کمیته های مقاومت محل طعام تناول کردیم ، که بطورکلی همهٔ ما بیست نفرمی شدیم ، برای سه

ساعت مکمل، سران محل وضابطان صبورانه موقف شانرابرای ما توضیح دادند. بعداً قوماندان افغانی بسوی ما روی خودرا دورداده وچنین گفت: (ازینکه شما ازما سوال های نمودید، فعلاً بما اجازه دهید که به سوالات ما پاسخ گوئید.) او به تفصیل پیرامون انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا ازما سوالاتی نمود که مایهٔ تعجب ما گردید. شخص دیگری دررابطه با پرسش کلیه رویدادهای جهانی را از ما پرسید. آیا رابطهٔ آلمان غربی با اتحادشوروی بکدام محوری دورمیزند؟ آیا این واقعیت داردکه حزب کمونیست فرانسه به پیمانهٔ گسترده تری درآمده یا به عبارهٔ دیگر که فرانسه دارای یک حزب کمونیست به پیمانهٔ گسترده تری است؟

نقش ایالات متحده امریکا پیرامون سلطه جوئی ونفوذ شوروی درشاخهٔ افریقا چگونه است؟ اعتراف باید نمود که بسیاری ازسوالات که پیرامون اتحادشوروی که ازماسوال میشدویا روی آن به بحث وگفتگوبودیم، پاسخ های مختلف ما رانپذیرفتند. درجریان یک سفراخیر، بنده نظرات خودرا به اهالی ساده وعادی روستاها پیرامون دخالت امریکائی ها درامریکای مرکزی، رابطه بریتانیا باارجنتاین که بعداً زنبردفالکلیند، وقایع پولند، پیمان اتلانتیک شمالی یاناتو ومفهوم بیطرفی سویس توضیح میدادم. گاهی چنین اتفاق می افتادکه علاقه ودلچسپی آنها نسبت به این موضوعات ساده وموٴثرانه به گونهٔ تعصب جلوه مینمود، امابعدها چنین معلوم شدکه آنها پیرامون مسایل جهانی مردمان کنجکاو می باشند.

دستگاه های فرستنده مخفی: رادیوکابل آزاد

این موضوع بیش از هزار کلاشینکوف ارزش فراوانی برخوردار است ویا به عبارهٔ دیگر ارزش آن از هزار میل کلاشینکوف هم بیشتر است، تبصرهٔ یکتن از قوماندانان چریکی (صافی) میباشد. زمانیکه دستگاه فرستندهٔ چهل واته (رادیوکابل آزاد) برای مرحلهٔ نخستین به شب بیست وچهارم آگست سال ۱۹۸۱ در درهٔ پیچ ولایت کنر فعال ساخته شد، این نخستین سعی وتلاش، در زمره کمکها ومعاونت هائیکه از طرف فعالین حقوق بشر اروپائی ونا ـ راضیان ومبارزین شوروی بحال تبعید، در امر ایجاد دو رویکار آوردن پخش شبکهٔ اخبار محرمانه در سطح گسترده دولت که عجالتا برای گروه های مقاومت افغان با اندیشهٔ فراهم ساختن امکانات در امر مبارزه ومخالفت با اشغال کشورشان محسوب میشود. تا آن زمان دو یا سه دستگاه های فرستنده بنام مجاهد در داخل کشور افغانستان فعال بوده اند، اما پیمانهٔ فعالیت آنها به مقیاس محدود بوده است. داشتن وسایل مبارزه رادیو تلویزیون که در اختیار ودسترس اشغالگران است خیلی مهم وحیاتی میباشد، تبصره ای است از طرف (ماد پروین علی) یکتن از پروفیسوران پو ـ هنتون کابل که فعلاً" بحال پناهنده در پاریس میباشد.

برای پارهٔ از دانشمندان وروشنفکران اروپائی رعایت اصول اخلاقی ارسال سلاح بدون این که خود، در آن نقش فعال داشته باشند ناراحت وسرگیچ کننده می باشد. (آر، اف، ک) یا رادیوکابل آزاد یک وسیله خوب در امر

حمایه‌وپشتیبانی ازگروپ مقاومت ملی نقش‌سازنده‌ٔ به عهده‌گرفته‌است .(آر، اف، ک) ازان به‌بعدتوسط سایر سازمانهای چون(خانه‌ٔ آزادی درنیویورک) وکمک امریکائیها برای افغانها در (پورت لیند، اوریگان)نیزمعاونت شده‌است .(. شایداین یکی ازاشکال مبارزه‌ومخالفت فوق العاده‌محسوب گردد) این باکلمات به‌کارزارونبرد مشغول است نه‌باتفنگ واسلحه (یادآوری) ماریک هیلتر یک نویسنده‌ٔ که‌درپولیندمتولدشده‌وعضوحقوق بشرفرانسوی که‌این شبکه‌راانجام می بخشند، می باشد.(. درجریان جنگ عمومی دوم جهانی، این رادیولندن بود که برای اروپائیها روحیه‌ٔ واقعی مقاومت رامنعکس میساخت) به گونه‌ٔ بسیارفشرده‌وخلاصه‌وباسهولت قابل نقل وانتقال است وبخاطرضرورت برای تغییردادن موقعیت ومحل ثابت درامرجلوگیری ازکشف آن میباشد، وهمچنین دستگاههای فرستنده‌دیگری نیزبه‌ظرفیت چهاراعشاریه‌پنج کیلوگرام مشابه‌به‌آن دستگاه‌فرستنده‌ای که‌درکنرنصب شده‌دربین یک شعاع پنجاه‌میلی کابل میباشد. .

تجارب شانرادرامرفعال ساختن رادیوستیشن های مخفی(اف ام) درایتالیاوفرانسه، اروپائیهادرامرنصب یازده‌دستگاه‌فرستنده‌کمک ومعاونت نمودند (ده‌اف ام و یک موج کوتاه) دراواخرسال ۱۹۸۲ به‌مثابه‌ٔ بخشی ازیک پلان درامرجابجاساختن سی وشش ستیشن درسراسرکشور باارزش تخمینی یک برچهارم حصه‌ٔ یک ملیون دالر، نه‌تنها اهالی کابل پروگرامهای(اف ام) رابلندوصاف میتوانند بگیرند، امابقول یک منبع فرانسوی مبنی براینکه او

سگنل ها ویا علایم موج کوتاه را به امتداد مرز شوروی در صفحات شمال افغانستان استماع می نمود .

استیشن ها با کامیابی وموفقیت های متنوع و مختلفی فعال بوده اند ، پاره ای از آنها به پرابلمهای تخنیکی ثابت فعال بودند وفعالیت آنها صرف بر مبنای تصادفی وضمنی بود ، درحالیکه سایردستگاه ها ، چون پنجشیر که بخش خبری آن برای چندین ماه ها تا زمان فعالیت نظامی شوروی ها دراطراف وجوانب آن که آنها را ناگزیرساخت که از طرف دشمن تخریب ومنفجرشود .

تکنیشن های داوطلب فرانسوی درامرنصب وجابجا ساختن دستگاه های فرستنده وپرسونل های فنی آن کمک و معاونت نمودند ، اما جنگ وکارزار همهٔ آنها را به نابودی کشاند . یک رادیوستیشن سه تن از تکنیشن های افغان را از دست داد که دوتن آن کشته شدند ویکی از آنها در اثنای تهاجم شوروی گرفتار شد . برخی درنتیجهٔ این پیش آمد تا پدید شدند ویا درجهت حفظ ومراقبت از دستگاه عاجزآمدند ودراواخرسال ۱۹۸۴ چه بسا از ستیشن ها تا دیری نتوانستند فعال باشند ، یعنی از فعالیت باز ماندند .

فلهذا ، درجریان موجودیت وفعالیت متناوب (آر ، اف ، ک) وپخش خبرهای آن با عکس العمل های فراوانی از طرف قاطبهٔ مردم افغانستان مواجه گردیده است ،خصوصا آنهائیکه به اطراف وحواشی پایتخت زندگی دارند .زمانی که مخصوصا این دستگاه فعال بود (آر ،اف ، ک) یا رادیوی (کابل آزاد) دستگاه فرستندهٔ شبانه اش را فعال میساز د (که مستقیما بعدازاخبار بی بی سی وصدای امریکا) می باشد با تبلهٔ زدن الزامی مشابه به رفت وآمدهای زیاد و

با شدبا تبله‌زدن الزامی مشابه‌به‌رفت و آمدهای زیاد و دیدوبازدیدزیادکردن حرف (وی) برای پیروزی، وطبل های دوران جنگ بی بی سی . واین هم زمان با اعلام اخبارفارسی وپستوبود. اینجا رادیوی آزادکابل مجاهدین افغان است ، بعدا با تلاوت یک آیات ازکلام الهی با ترجمهٔ آن تحلیل سیاسی، تبصره‌روزنامه‌ها ، نغمات انقلابی، اشعاروسازوبرگ دادن اخباروتاسیس آن وحجم پروگرام .

یکی ازبخشهای بسیاردلچسپ ستیشن (آر،اف ، ک) عبارت بوداز (صندوق پوستی) آن سوالات پانزده دقیقه ای وجلسهٔ پاسخ گوی با نامه‌های ازشنوندگان درپایتخت کشور، مناطق تحت اشغالی چریکهای مبارزوکمپ های مهاجرین بود. این نامه‌ها بخودی خودگاهی توسط یکعده دوستان ورفقا ئیکه‌ویا خویشاوندان که‌ازیکدیگردیدوباز دیدمی کردند، آورده‌میشود .(. بخشی ازپاسخ به‌پرسش های آن، ماهمچنین سعی وتلاش درامرتوضیح اشارات و توجیهات کوتاه‌مدت وطویل المدت دخالت شوروی درافغانستان می پردازیم ودرضمن به‌این موضوع که‌چرا جنگ لازمی جلوه‌میکنند، طبق اندیشه‌ونظراسحاق، یک محصل انجنیری سابق ومدیراطلاعات برای پنجشیر (آر،اف،ک) همچنان با دستگاه‌های فرستنده‌نشرات وپخش اخبارش را به‌نیروهای اشغالی شوروی نیزمتوجه‌میسازد. تیپ های پیش ازپیش تهیه‌شده‌توسط ناراضیان شوروی درحال‌تبعید نیزشامل بخش خبری است ، درین زمره‌ازنویسندگان چون (ولادیمیربوکوفسکی)و (ولادیمیرکلسیموف) ریاضی دان

(لیونیدپلیوتچ) ومارشال (گری گورینکو) زمانی ازپیشاهنگان به‌مثابهٔ (قهرمان ستالین گراد) ازان یادآوری میشد. باکاربردنغمهٔ روسی که‌موردپسندهمگان است مربوط دوران جنگ عمومی دوم جهانی هربخش خبری افتتاح میشود، آنها درتلاش وجستجوی آن برمی آیندکه جنگ افغانستان رابا اشغال بخشهای غربی اتحاد شوروی ازطرف آلمان نازی مقایسه‌نمایند. ازینکه‌مجرمین جنگ نازی طبق یک احکام ودستورات متهم ومحکوم شناخته شدندما به‌حیث عسکرباقی ماندیم، توضیح بوکوفسکی در زمینه‌میباشد. مگربا آنهم ناراضیان شوروی، ازینکه افرادعساکرشوروی رادرامرترک وظیفهٔ شان تا زمان معلوم شدن سرنوشت که‌تضمین پناهندگی مصئون آنها را بخارج بنمایدمخاطب قراردهندبی میلی نشان میدهند.

چنین مدعی اندکه (آر، اف، ک)بکمک ومعاونت سی آی ای یاسازمان سیاه‌پی ریزی شد. روسها بطورعلنی باموجودیت ناراضیان شوروی درسرویس اخبار دستگاه فرستندهٔ مخفی افغان ها مضطرب ودست وپاچه‌شده‌اند. زمانیکه‌یک برنامه‌خبری تلویزیونی به‌زبان فرانسوی درضمن یکی ازگزارشهای (آر، اف، ک) نشرشد،سفارت شوروی درپاریس یک احتجاج رسمی علیه‌دولت فرانسه نمودواخطارنمودکه‌درنتیجهٔ آن روابط بین کشورهای فرانسه‌واتحادشوروی جریحه‌دارخواهدشد..

بخشی ازبمباردمان هائیکه‌توسط حکومت و حملات هلیکوپترهای آن که‌درصدداز بین بردن وانهدام این دستگاه‌های فرستنده‌بود، نشرات کمونیستها بگونهٔ پی

گیرومصرانه شبکه مجاهدرا به مثابهٔ توهین برای اتحاد شوروی وحکومت افغانستان موردحمله قرارمیداد. هدف ومنظورازینگونه عملیات تخریبی درارابطه با اینگونه پخش خبرها ، تحت تاثیرقراردادن نفوس افغانستان از نگاه اندیشه وعقیده میباشد ، ثبات ونیروبخشیدن به عناصرضدانقلابی، لکه دارساختن کمکها ومعاونتهای سیاسی اتحادشوروی برای مردم افغانستان، طبق تبصره ایزویستیا ارگان نشراتی حزب کمونیست اتحادشوروی به سال ۱۹۸۲ است . طبق نظریه هیلتر ، استیشن های دستگاههای فرستنده بگونهٔ است که روسها آنرا نمی دانند. این دستگاه ها به گونه بی بی سی ویاصدای امریکا نیست که آنها مورد حمله قرارمیدهند ، بلکه رادیوخودمردم افغانها میباشد .

رقابت های سیاسی و وحدت

به یک مقیاس گسترده ، یکی اززیان آور ترین و خطرناکترین خلای تنظیمهای مستقردرپشاوربا ارتباط آن به مسایل بین المللی همانا فقدان توانائی وکفایت آنها درامرسازوبرگ دادن یک وحدت بهم فشردهٔ سیاسی بوده است ، حکومت بحالهٔ تبعیدقابل تذکرنیست .

برعکس سازمان آزادی بخش فلسطین (پ ، ال،او) یا سازمان توده ای جنوب غربی افریقا ، گروپ مقاومت افغان ازداشتن نمایندگی واحدبرخوردارنبوده است ،و یا حتی بحیث یک موقف ناظر ، درسازمان ملل متحد را نیزنداشته است . یک استدلالی که غالبا ازطرف کشورهای غربی درارابطه باعدم ارسال کمکهای مزیدبه پیش کشیده

شده‌هما نا عدم وحدت این تنظیم ها می باشد .

با درنظرداشت اختلافات وتفاوتهای نژادی،قبیلوی ومذهبی درافغانستان وسوابق هرکدام آنها اندیشه ٔ وحدت سیاسی با این عجله امرغیرواقعی جلوه میکند .

جنبشهای مقاومت ملی اروپایی درجریان جنگ عمومی دوم جهانی با اینگونه تفاوتها مواجه نبوده اند . بگونهٔ مثال دریوگوسلاویا برخوردونزاع بین شاه پرستان وحامیان تیتوغالبا نابودی وتلفات آن به مراتب بیشتر ازمبارزهٔ آنها برضدنازیها بوده است . درفرانسه جائیکه رقابت بین قشون محرمانهٔ وطن پرستان فرانسوی در جریان جنگ عمومی دوم جهانی درسرزمین فرانسه بمقابل المان ها می جنگیدند پیمانهٔ رقابت ودرگیری آن ها آنقدروسعت وگسترش داشت بگونه‌ای که درافغانستان امروز وجودداردکه ایالات متحدهٔ امریکانیزهنوزحتی بعدازروز سری ورمزی که‌مصادف (به‌ششم ماه‌جون سال ۱۹۴۴ بود که درآنروزعساکرامریکائی وبرتانوی درشمال فرانسه‌پیاده شدندکه‌مصادف به‌دوران جنگ عمومی دوم جهان است یا به عبارهٔ دیگردی، دی روزنامعلوم که‌عملیات تهاجمی باید آغازگردد) وحتی بعدازحملات وتهاجم روزنامعلوم که رهبران گروه‌مقاومت ، بشمول شارل دگول که‌باید‌حمایه شود ، درنظرگرفته‌شده‌بود ، درهیچیک ازکشورهای اروپائی که‌تحت اشغال درنیامده‌بودنمی توانستندکمیته های رهائی بخش ملی ادعای بیشتری داشته‌باشندتا یک همکاری ضعیف دربین احزاب مختلف وجبهات گروه‌مقاومت ویا به‌عبارهٔ دیگرکمیته‌های رهائی بخش ملی درهریک از

ترحم وعاطفهٔ (استثمارگران ارتجاعی) شان قرارگیرند، که این گروه به پیمانهٔ گسترده متشکل از صاحب منصبان نظامی ومعلمین که اصل آنها روستائی بوددررأس آن قرار داشتند. همچنین متعلمین بی کاروم‌حروم لیسه ها و موسسات آموزشی، افراطی های بی سروپا، اپورچونیست ها وجنایتکاران منحرف ومقصر.

گروه خلقی ها که با یک دانش ومعلومات سطحی از مارکسیزم، لیننیسم مجهزوتحقیروا هانت برای هرآن چیزیکه نمایندگی وتمثیل از گذشته را میکند، بودکلیهٔ آنرا با هم متحدساخته بود.

برخوردرژیم چنین بودکه مردم می بایستی از وضع زندگی فلاکتبارشان رهائی یابند، حتی اگر دستور و احکام نوین درامرتطبیق وکاربردآن سرازتنه زدن را هم مجازقراردهد. بنا به گفتهٔ یکتن ازدپلوماتهای عالی مقام پرچمی دراواخرسال ۱۹۸۳، شیوهٔ برخوردخلقی ها دارای هردوخصلت نکوهش پذیروفجیع بود، آنها به شخصیت افرادهیچگونه احترامی قایل نبودند- آنها انقلاب را ویران وتخریب کردندوبخاطرآنها است که امروز ما به بسا ازمشکلات ونارسائی ها مواجه می باشیم.

درجهت تحقق به این مرام، نیروی مسلح کشور و پولیس ازآنها حمایه وپشتیبانی می نمود، مبارزین و جنگ جویان به استانها وولایات کشوردرامرکاربردواعمال آنچه که حزب آنرا تبلیغ میکردفرستاده شدند. بگونه منحرف آنها چنین می پنداشتندکه درنتیجهٔ ازبین بردن طبقهٔ زمیندارو فیودالها، آنها خواهندتوانست حمایه وپشتیبانی

کشورهای اروپائی که تحت اشغال درنیامده بودنمیتوا ـ نست جزادعای بیش از یک همکاری وتعاون ازهم شا ـ زیسد وضعیف احزاب متفاوت وجبهات گروه مقاومت چیزی داشته باشند .

تخریبکاری های سیاسی ازسایرسازوبرگها نیز همچنین مکرراز پا درآوردن وخسته کردن تلاش وسعی آنها درا مروحدت افغانها نقش داشته است . رخنه گری وایجاد درزدربین اجتماع پناهندگان با دست داشتن رژیم کابل درجریان اوضاع بطوریقینی نمی تواندبدون کدام نقش موء ثرپنداشته شود . نه جهان غرب ونه جهان سوم ، خصوصا " کشورهای غربی، حمایه وپشتیبانی شانرا درجهت پیش کشیدن، موضوع افغانها بطورمنظم با محکوم قراردادن تجاوزشوروی به این کشوردراجلاس عمومی موء سسه ملل متحدابرازداشته اند . بخاطرباید داشت که گروه مقاومت به رسمیت شناخته نشده است .

کشورمیزبان مخصوصا آنقدراشتیاق چندان زیادی درامروحدت جنبش مقاومت که بخاطرتولیدیک سلسله اشکا ـ لات درامرکنترول آن احساس میکرد ، نداشته است .بصورت عموم ، حکومت اسلام آباددررابطه با موضوع طرق دپلوماسی را برگزیده است ، جنگ را برای افغانها گذاشته است . مذاکرات صلح سازمان ملل متحدپیرامون مسئله افغا ـ نستان بطورمثال، احزاب گروه مقاومت ازموء سسه ملل متحدخارج مانده است . .

لویه‌جرگه - اتحاد ، انشعاب

نخستین تلاشهای متین درامر وحدت کلی در جریان چندماه اول اشغال کشور رویکار گردید. کلیه احزاب، به استثنای حزب حکمتیار، درامر الحاق بیک (وحدت اسلامی) سست وضعیف با برگزیدن عبدالرسول سیاف به مثابه رئیس که روی مصلحت به آن رأی داده شده، موافقه بعمل آمد.

عبدالرسول سیاف مرد چهل وپنج ساله آموزگار ومربی درکابل، دردوران حکومت خلقی زندانی شد وبعداً در جنوری سال ۱۹۸۰ دراثنای اعلان بخشایش عمومی در دوران حکومت پرچم اززندان رهائی یافت. این موضوع دراواخر بهار با برگذاری یک لویه‌جرگه نمایشی درپشاور وبه منظور فراهم ساختن زمینه وشالوده برای یک حکومت موءقتی احتمالی افغانها تعقیب شد. که ریاست لویه‌جرگه‌را عمر ببرکزی بعهده داشت؟ چهل ساله قاضی دیوان عالی، تقریباً در حدود دهزار تن ازافراد قبایل، کوچی ها وپیشوایان مذهبی قوماندان های چریکی، شخصیت های سیاسی وعده‌ای از مهاجرین که به نمایندگی ازکلیه ایالات افغانستان که به این شهر سرحدی سرازیر شده اند، در آن اشتراک داشتند.

این گردهم آئی اقشار وسیع که با یک آرمان عالی که سرانجام مسیرش را درامر وحدت واقعی تعقیب خواهد کرد، که طبق آن شصت وهشت تن به شورای انقلابی برگزیده شدند. دربین چندهفته لویه‌جرگه شیرازهٔ آن ازهم پاشیده شد که بخش بزرگ شاملین این جرگه ترغیب شدند که بحمایه وپشتیبانی جبهه ملی گیلانی برایند. وحدت از بحران

مشی بەبحران مشی دیگرازهم متلاشی شد. استدلال مستمر یکەدررابطەبا موضوع وجوددارد همانا ازهم متلاشی شدن وتجزیەء احزاب بەگروەویا دستەهوا خواهان بنیادگرا و اعتدالیون بود. دراپریل سان ۱۹۸۱، این نخستین اتحادآنها بطوررسمی منحل گردید. دوماەبعدتراز این مسئلە، اعتدالیون ویا احزاب میانەروبعنوان (وحدت اسلامی مجاهدین افغان) تشکیل وسازمان شانرا اعلان نمودند. بعدادرماه اکتوبر، آنها ازبرگذاری یک لویە جرگەء دومی پشتیبانی نمودند، البتەدرین اثنادایر کردن جلسەدرکویتەدرنظرگرفتەشد. چندین هزار تن از افرادسرشناس درین جلسەشرکت داشتند، اما گروەبنیاد گرایان ازپشتیبانی این جلسەسرباززدندواعضای شان را ازاشتراک درین جلسەبازداشتند. بنابرآن، یکتعداد حزب (هردواحزاب) وقوماندانهای مجاهدجمعیت دران شرکت جستند، چنین می رساندکەگرایش های فزایندەبین جبهات مربوط بداخل دربین خودشان درامرایجاد یک وحدت مغایرآنچەدرپشاورعملی شد، دست اندرکارشوند.

گرچەلویەجرگەدرامورروی کارآوردن یک شورای بزرگ وباشکوەنیزتجویزگرفت، این موضوع هنوزرضایت و توافق رقبای شانرادرامرپیروزی آن نیازداشتند. اما این موضوع اتفاق نیفتاد. درماەمی ۱۹۸۲، بعداز یک سلسلەجزوبحث های شدید، کەدرین اثنابەشمول حزب حکمتیار، بنیادگرایان اتحاداسلامی خودشانراپی ریزی کردند. این سازمان وتشکیلات بهم فشردەرابەمثابەء یک (آمیزش وترکیب کلی) احزاب شان وانمودکردند، امادر

عمل کاروبار آنها مشابه به‌نقش قدم وحدت میانه‌روهابوده است . .

رهبران هردوحزب وهواخواهان آنها به‌وحدت های مشخص خودشان به‌مثابهٔ (وحدت) خودرا منسوب میساختند ، بلکه میانه‌روها هستندکه‌پیوندوترکیب آنها تا اندازه‌به گونهٔ دموکراتیک واقعی خودرا تبارزداده است .تشویش و نگرانی آنها دررابطه‌باگرفتارشدن آنها درنتیجهٔ یک گرایش بسوی یک وحدت بزرگ دربین جبهات پارتیزانی هردواتحاددرامرامکان ادغام والحاق مدرک وپذیرندهٔ آن بودند. بنابران احزاب بنیادگراشک وتردیدعمیقی نسبت به‌گرایش های شاه‌پرستان دربین احزاب سیاسی رقیب شان درخودمی پرورانیدند، میانه‌روها ، درمقابل چنین احساس کردند ، گرچه‌آنها شایدبارباني وخالص بتوانندازدرسازش وآشتي پیش آینده حکمتیار قابل سازش واعتمادنمی تواندباشد.

بادرگذشت برژنیف صدرهیئت شورای عالی اتحاد شوروی درماه‌نومبرسال ۱۹۸۲ ، کلیه‌رهبران حزبی به استثنای حکمتیارآمادگی شانرادرامرمذاکره‌جهت حل مسالمت آمیزباماسکو ، اگرحکومت ماسکوخواهان آن باشد اعلان نمودند. مگربا آنهم ، حکمتیارچنین اعلان نمودکه حزب وی نمی تواندرامرمنافع وآرمان های اسلام‌رسوائی وخیانت راپذیردوتاآخرین مرحله‌به‌جهادش ادامه‌خواهد داد. ودرآگست سال ۱۹۸۳ ، دریک تلاش دیگرجهت یک وحدت کلی ، میانه‌روها به‌سازماندهي وپی ریزی جبهه‌متحدبرای نجات افغانستان ، بعدازیک سلسله‌گفت وشنودها با شاه

سابق ظاهرشاه، پرداختند.

عامل ظاهرشاه

زمانیکه برای نخستین بار شوروی ها افغانستان را موردتجاوزقرار دادند، پاره‌ٔ ازناظرین ومبصرین جریان امورچنین می اندیشیدندکه‌شانس سیاسی برگشت دوباره شاه‌سابق ظاهرشاه‌آنچه‌ازانظارپوشیده‌ودورافتاده‌تصور میشد، بیشترشده‌است. پس منظربدست آوردن مکررتاج و تخت سلطنتی خیلی جزئی وناچیزمحسوب میشود، اما موجودیت وی درصحنه، اقلا"بطورموءقت، به‌مثابه‌ٔ یک زعامت فاقدکفایت گروه‌مقاومت، دارای یک نقش مهمی درامرمتحدساختن مجاهدین، به‌شمارخواهدآمد. علی الرغم مخالفتهای چشم گیردربرابرشاه‌سابق، خصوصا دربین دسته‌های غیرقبائلی که‌آنها این اقدام وتشبث رابمثابه یک تلاش درجهت ادعای مکررسلطهٔ پستونها وانمود میکنند، مگربا آنهم چنین می نمایدکه به‌پیمانهٔ فزاینده وگسترده برگشت وی راگرامی خواهندداشت. درتابستان سال۱۹۸۴ یک دسته‌ازنمایندگان گروه‌مقاومت افغان درامربه‌محک آزمایش قراردادن این اندیشه‌به‌پشاورمواصلت نمود. ملاقات ها وگفت وشنودها، بعضا بگونهٔ محرمانهٔ با بسا از قوماندانهای چریکی ازداخل ورهبران پناهندگان، چنین نتیجه‌گیری شدکه‌عکس العمل های محلی دربرابرآنچه را که‌آنها متوقع بودند، خیلی بدوربوده‌است.

خنثی سازی این موضوع توأم با مجادله‌وپرخاش و عدم کفایت احزاب وتنظیمهای سیاسی آنقدرزیرکانه و

ما هرا نه‌روبه‌فزونی نها دکه‌حتی برخی ا زگروه‌بنیا دگرا یا ن این موضوع را به‌صراحت اظها ردا شتندکه‌اگرموجودیت شاه‌سابق درا مرمبا رزه‌ومقا ومت ملی سودمندوا قع گرددما درجهت حما یه‌وپشتیبا نی ا زا ن آ ما دگی دا ریم.

مردم افغا نستا ن به‌یک زعا مت نیا زدا رند. هرکس ظا هرشا ه‌را میخوا هدبخا طرا ینکه‌همه‌چیزها ئیکه‌ما دا ریم دروجودا وهم سرا غ میشود. رهبرا ن پشا ورچنین می اندیشندبخا طرا ینکه‌آ نها ما را به‌نا کا می وسیا ه‌روزی کشا نده‌ا ند، گفته‌ٔ یکتن ا زا عضا ی وا بسته‌به‌حزب ا سلامی (تنظیم حکمتیا ر) که‌قوما ندا ن ولایت ننگرها را ست می با شد. درحا لیکه‌شرا یط بطورعموم بسوی ظا هرشا ه (مسا عدت ومیلان دا رد) بحیث یک زعا مت سمبولیک مسا عدت و میلان دا رد، برخی ا زا فغا نها برگه‌ٔ ا عتما دویا ا عتما د نا مه‌ها ی مقا ومت ومبا رزا ت شا ه‌سا بق را موردپرسش قرا ر دا دند. ا وبه‌دردورنج با ما یکجا نبوده‌ا ست. اگرا وشریک دردورنج با ما شده‌با شد، شا یدبعدا زین من با وی می توا نم روی توا فق نشا ن دهم اظها رنظریکتن دیگر ا ز بنیا دگرا ی قبا یلی ا ست.

وحدت در داخل

درحا لیکه‌ا بتکا رظا هرشا ه‌یک دگرگونی درا ما تیک نوینی را پیرا مون مسئله‌وحدت‌گروها ی مقا ومت مستقر درپشا وربه‌میا ن کشید، به‌ا متدا دمرزدر ا فغا نستا ن دا ستا ن دیگری جریا ن دا شته‌ا ست. بعدا زسا ل ۱۹۸۱، بی تا بی ا وج گیرنده‌با ا حزا ب، تمثیل وتبا رزا زمنا فع آ ن

ها چه‌بسا ازافغانها را درهرجا بگونهٔ سمارق جهت تحقق بخشیدن به‌این مرام لیدرشیپی وزعامت کشانده است ، خصوصا دربین قوماندانهای منطقوی دربین جبهات داخل کشورروحیهٔ وحدت واقعی آغازوروبه‌تکامل نهاده است .

با دومین سال اشغال کشورتوسط شوروی، چه‌بسا از جبهات مناطق واراضی تحت‌اشغال هرکدام شانرا آزاد گذاشتندودرامرتحقق وپیاده‌کردن پیوندهای همکاریهای دوستانه‌ودوشادوش باگروپهای مجاوررا درپیش گرفتند ، برعکس آن شقاق وشگافتگی سیاسی که‌دربین گروه های مستقردرپشاوروجوددارد ، این یک امرغیرعادی جلوه‌نمی کندکه‌منسوبین واعضای وابسته‌به‌گروه‌های بنیادگرا و میانه‌روبرخوردی نداشته‌باشندودرپهلوی آن با دشمن نیزمی جنگند . عین موضوع درراابطه‌با اعضاوگروهای دو رقبای اصلی وعمده‌بنیادگرا جمعیت وحزب حکمتیارنیز صدق میکند .

درجریان سفروسیاحتم درولایت کنردراواسط سال ۱۹۸۴ ، من با چندین قوماندان هائیکه‌تحت پرچم مخصوص بخودبه‌اجرای عملیات نظامی اشتغال داشتندوهنوز به گونهٔ ساکت وآرام بایکدیگرطوریکه‌وابسته‌به‌یک حزب باشندبایکدیگرهمکاری متقابله‌داشتند (کلیهٔ ما مسلمان هستیم) توضیح یک قوماندان بود .

درهرکجا ، مساعی مشترکهٔ نظامی دربسیاری‌جبهات مجاهدین روبه‌توسعه‌وگسترش نهاده‌است . امابعدازپنج سال اشغال کشورتوسط شوروی، به‌همان سان باقیمانده است . مساعی مشترکه ، مگربا آنهم ، درصفحات شمال کشور

همکاری وتعاون بین جبهات مختلف چنین می نماید به آنچه که به سرعت ثبات واستحکام خودرا تبارزخواهد داد، همانا ادامه وحدت منطقوی میباشد. از اوایل روزهای جنگ فرمانده مسعود متدرجا درامرسازوبرگ دهی باارزش شبکه های ارتباطی باقوماندان های چریکی سلحشوروممبارزدر سایرنقاط کشوربوده است. به جانبداری ازتبادله نظریات نیروی انسانی ومنابع آن، اودرواقع کلیه قوماندان های بزرگ وعمده چریکی صفحات شمال کشوررا، به شمول اسماعیل خان درهرات که به گوشهٔ غربی کشورموقعیت دارد، درامرهمکاری با تحقق بخشیدن طرح هایش ترغیب نموده است زعامت پنجشیرهمچنین پیوندوارتباطش را با سرگروپهای چریکها چون امین وردک بطرف جنوب کابل وعبدالحق(حزب اسلامی مولانا خالص) درمنطقه کابل برقرارساخته است. اوحتی با چندتن ازقوماندانان مخالف وبدبین با یکدیگردوران پیشین چون حزب (حکمت یار) وطورشایدوبایدباسیدمنصور، سرگروپ فرقه اسماعیلیه درافغانستان، که حامیان وی با معاش حکومت کابل بحیث نیروی ملیشیا وشبه نظامیان شامل وظیفه بودند، مصالحه وآشتی نمود. درحالیکه پشتون ها چنین معتقداند که آنها هرگزتحت قیادت فرمانده مسعودکارنخواهندکرد، عده ای ازقوماندانهای نظامی چنین خاطرنشان ساخته اند که آنها بیش ازحدلازم درآرزوی آن اندکه بر مبنای مساوات با وی همکاری نمایند. برای شوروی ها ،این امر حتمی ومسلم است که پیشرفت وارتقا چریکها بسوی یک وحدت عام وتام نظامی، ومحتملا" یک شورای مقاومت

ملی که به مماثلت ونماینده‌گی کامل ازفیصله‌نامه‌ها و تصامیم لویه‌جرگه، بطورکلی یک بعدتازه‌ای رادر امر برخوردوتصادم به‌میان خواهدآورد.

هزاره‌جات یک مسئله منحصربه فرد

مسلما دربین پدیده‌های خیلی مغلق وپیچیده گروه مقاومت ازسال ۱۹۷۸ بعدازاشغال کشورازطرف کمونیست ها ودنباله‌روان آن باشدهمانا تحول وانکشاف هزاره‌جات است که‌اهل تشیع دران ازسلطهٔ خاصی برخوردارند. که به‌شیوهٔ کاملا" ازهم متفاوت ازبقیه‌حصص افغانستان تبارزکرده‌است. این منطقه‌سطح مرتفع مرکزی نه‌تنها درامرانزوای خودش ازحکومت به‌پیروزی های دست یافته است، بلکه‌همچنین ازسایرسازوبرگ ها وتنظیم های گروه مقاومت نیزمنزوی شده‌است.

طبق ادعای پارهٔ ازمردم منطقه‌هزاره‌جات، انقلاب ثور به‌مثابهٔ یک فال نیک درامردگرگونی های سیاسی و اجتماعی به‌نفع آنها بوده‌است. مگربا آنهم‌کدام جریان مخالفی که‌مایهٔ نا امیدی آنان گرددهرگزبه‌وقوع نه پیوسته‌است. خلقی ها به‌مثابهٔ یک زیربنا درامرسلطهٔ پشتون ها قرارگرفت ــ درحالیکه‌رژیم موجوده‌بحیث یک رژیمی پنداشته‌میشودکه‌حمایه‌وپشتیبانی آن ازطرف دستگاه‌حاکم ملحدین(بیرونی) صورت می گیردغیر قابل قبول جلوه میکند. با درنظرداشت آن به‌گروه مقاومت، جبهات مشخص هزاره‌چون به‌مثابهٔ حرکت اسلامی(نباید با حرکت انقلاب اسلامی اهل سنت اشتباه‌شود) باسایرجنبش

های چریکی آماده همکاری وتعاون میباشند.

اما چه بسا ازهزاره ها ازهمکاری خودبا تنظیمها و احزاب سیاسی پشاوربخاطرنفوذنیرومندپشتونها محتاطانه برخوردمی نمایند.

علی الرغم پرابلم های سیاسی داخلی قابل ملاحظه خودشان، مردم هزاره چنین احساس میکنند، که با رویکار آوردن یک دولت (مستقل) که اموراداری ونظامی آن وابسته بخودشان باشدآنها درامرتحقق آرمانهای ملی، مذهبی، هویت ومشخصات نژادی طورشایدوباید علیه ستمگران عنعنوی شان به پیروزی های دست یافته اند.

شوری

تقریبا دراثنای نخستین قیام دراوایل سال ۱۹۷۹ ازطرف مردم هزاره جات دربرابرخلقی ها، چه بساازجوامع روستائی به طیب خاطربه تشکل وسازوبرگ دهی کمیته های مجاهدخودشان گامهای عملی برداشتند. بعدازآن درتابستان همان سال، اهالی جاغوری که درحدودیکصدوسی و پنج میلی جنوب شرقی کابل موقعیت دارددرامرسرهم بندی کردن ومتشکل کردن کلیه نمایندگان مناطق(آزاد) هزاره جهت تشریک مساعی درامرمبارزه برمبنای منطقوی ابتکارعمل رابدست خودگرفتند. بنابرآن، درسپتمبر سال ۱۹۷۹، درحدودچهارصدالی پنجصدتن ازسران به نمایندگی ازمردم هزاره جات، که اکثریت آنراملاها، میرها (که معادل تقریبی آن شامل زمیندارها می باشد) قوماندان های چریکی وروحانیون جوان دریک شهرک خور د

دهقانان وکتله‌های وسیع مردم را بخودجلب نمایند. در واقعیت امرآنچه‌که آنها انجام می دادندحمله وتحقیربه سخن گویان واشخاص صاحب رسوخ عنعنوی روستاها ودهکده ها بودزمانیکه، درختم مراسم توزیع اراضی، مقامات رسمی حکومتی دهقانان رادرامرتحقیروتوهین به زمینداران که‌سلب مالکیت شده‌اندفرا می خوانند، بسیاری از آنها ازحضوردران اباء ورزیدند..

زمانیکه‌دهقانان دربرابرتقاضای خلقی ها بمخالفت برمی خواستند، حتی تحت فشاروشکنجه، عملا"موردیورش وحمله‌قرارمی گرفتندوبعضی اوقات بقتل می رسیدند. گذشته‌ازان که‌مجروحین راتحقیرواهانت میکردندبامبارزین وجنگجویان، دستاوردها وعنعنات مذهبی واجتماعی درنتیجه‌سوزاندن کتب مذهبی، پاره‌کردن نقاب های زنان، وموردا ستهزاء قراردادن روستائیان دراثنای نماز خواندن می خواستندآنان رالکه‌داروبدنام سازند..

خلقی ها نه‌پیغمبررا می پذیرندونه‌خدا را! این موضوع راباخشم وغضب وبااظهارتأسف یکتن ازدهقانان ولایت کنر، که‌درپاکستان پناهنده‌است اظهارمی کرد. (شماخودمیدانیددراثنائیکه‌مارا درنمازخواندن مشاهده می کردندچه‌چیزهای نبودکه‌آنها دربرابرما استعمال نمی کردند: (آیا شما سپورت می کنید؟) این مردم به گونه‌ء مستبدانه‌وظالمانه‌بالای ما فرمانروائی می کردند..

(ورس) که‌درجنوب غربی ولایت بامیان موقعیت دارد ،در جهت تحقق بخشیدن وپی ریزی به‌آرمانهای(شورای انقلابی اتفاق اسلامی افغانستان) دست اندرکارشدند . که درین ضمن سیدعلی بهشتی رابه‌حیث رئیس وسید محمد حسین بابه‌عباره‌ٔ دیگربنام سیدجگرن راکه‌بعدها بمقام جنرالی ترفیع نمودبحیث قوماندان نظامی برگزیدند نمایندگان چنین اعلام داشتندکه‌این شورا به‌مثابه‌ٔ یک سمبول واساس‌درامروحدت اهل‌تشیع درافغانستان‌درخواهد آمدکه‌نه‌تنها دربرابرتجاوزوحملات شوروی قیام خواهد نمودهمچنین دربرابر ...حیه‌ٔ بادارمنشانه‌وعظمت طلبانهٔ پستون ها نیزبه‌مبارزه‌برخواهدخواست آنچه‌راکه‌در سر داشتنددرقالب عمل ریختندکه‌مفادآن عبارت ازحق خود مختاری محلی یابهره‌مندی ازتساوی نمایندگی درحکومت های غیرکمونیستی آینده‌نه‌به‌شکل آزادمطلق بود، مردم هزاره‌عجالتا (شهرک ورس)رابه‌مثابه‌(مرکزوحدت)تلقی کردند (یگانه‌دشمن‌ماشورویها میباشند ،یکتن‌ازقوماندانهای هزاره چنین‌اظهارداشت :مانه‌تنهابرای آزادی منطقهٔ خود مبارزه اقدام کرده‌ایم مابرای نجات وآزادی سراسر گیتی مبارزه‌می کنیم... اگرمادرامرنجات خودبه‌پیروزی های دست‌یافتیم، البته‌درین موضوع هیچ شک وتردیدی وجود نخواهدداشت که‌هیچ کسی درآینده‌برما مسلط نخواهدشد)

باروبکارآوردن یک شیوهٔ اداری غیرنظامی(ملکی) برخلاف آنچه‌در (رژیم پیشین) کابل جریان داشت شورا این منطقه‌رابه‌نه‌ولایت تقسیم‌کرد، که‌هریک از ولایات توسط والیان منتخب اداره‌خواهندشد (بحث آمراداری)

منطقه محسوب میشود، چه والیان سیدیا شدیا ملا، که توسط قوماندان امنیه باوی جهت پیشبرد کارهمکاری به عمل خواهد آمد. ایالاتی چون جاغوری وناورکه در نزدیکی مناطق کارزار وجنگ قرار دارند تحت اداره واحکام مستقیم نظامی درخواهد آمد. شورا همچنین روستای بلدی را در شهرستانهای کوچک برگزیده ما اهالی قرا وروستا ها در امر انتخاب وگزینش شوراهای شان مخیراند.

برای یک مدت طویل، رژیم کابل به این دژ سطح مرتفع عجالتاً به خاطر فقدان ارزشهای ستراتیژیکی چندان اعتنائی به این منطقه نکرد، عملیات نظامی آنها محدود به بمباردمان های هوائی، تصادفاً با عملیات زمینی در این سطح مرتفع بود، خلقی ها ترجیح دادند که با اعمال بلاکید ویا محاصرهٔ اقتصادی به فقدان غذائی خواروبار ومواد غذائی تحت فشار قرار دهند.

بعد از تجاوز شوروی، شوروی ها تلاشهای قاطعانهٔ در امر به زانو در آوردن این مردم نمودند. در اواخر تابستان سال ۱۹۸۰، آنها محصولات زراعتی را طعمهٔ حریق ساختند و بازارهای پنجاب، یکاولنگ وسایر روستا ها وقصبات را در اطراف وجوانب هزاره جات شمالی به آتش کشیدند. در اواسط ماه دسمبر سال ۱۹۸۰، آنها به یک عملیات سنگین دست زدند، طوریکه یک داکتر اتریشی در یادداشتش چنین می نویسد:

(بطوریکه پوست کنده چنین باید گفت که یکماه بعد از تجاوز شوروی ها، من با یکصد و پنجاه تن از افراد این منطقه در پیشاور ملاقات نمودم بعد از اینکه آنها بیست روز را

پیا ه‌ا زپنا هگا ه‌ها ی کوهستا نی شا ن که‌مملوو پوشیده ا ز برف ا ست درتلاش غذا وا سلحه‌به‌پا کستا ن آ مده‌بودند . د ر ا مربقا وموجودیت شا ن درمقا بل سرما ی شدیدمنا طق کو ـ هستا نی، پا رتیزا ن ها خوا روبا رموا دغذا ئی سه‌ما هـــــه زمستا ن را با خودگرفتند ، ا ما حالا سه‌ما ه‌آ نها به‌سررسید ه ا ست . ما درینجا به‌کمک ومعا ونت نیا زمندیم ، محمدحسین نا صری، یکتن ا زقوما ندا نها ی مربوط به‌منطقه‌درا شنا ی که‌نا مبرده‌صبورا نه‌وبا حوصله‌با پا ره‌ٔا زا فرا ددریک صحن دریکی ا زتنظیمها ی سیا سی مستقردرپشا ورچنین ا ظهـــا ر دا شت :

(ما میخوا هیم که‌بجنگیم ، ا ما نیا زبیشتربه سلا ح وخوا روبا روموا دغذا ئی دا ریم) علی ا لرغم تلاشها ومساعی پا ره‌ٔا زتنظیمها ی سیا سی طبق ا دعا ی آ نها که‌هزا ره‌ها ا ز خودآ ن ها می با شند ، نا صری مکررا ا زموقف شورا یا د آ ور شدا زینکه‌منظورآ مدن آ نها درپشا وربه‌منظورمشا هده‌و بر ـ رسی ا زا وضا ع کلیه‌ا حزا ب دررا بطه‌با موضوع جها دمیبا شد، وا زهریک ا زا حزا ب که‌خوا ها ن ا عطا ی کمک وهمکا ری درین ا مرا دا مه‌ٔ جها دومبا رزه‌ٔ مقا ومت ملی با شندمی پذیریم ، ا ما بدون کدا م قیدوشرط . ا ما ا زینکه‌کمک ها ومعا ونـــت ها ی نا چیزا زپشا وربدست آ مدجا ی تعجب با قی نما ند .

رویکار آوردن شبه نظامیان یا نیروی ملیشه به شیوهٔ سویس

برخلاف بسیاری از جنبش های گروه مقاومت، شورا بگونهٔ غیرمعمول ونسبتاً سیستم دفاع موءثروسودمند که مرکب از بیست الی سی هزار افراد نظامی که تمام اوقات یا ساعت پرمشغول کار باشند به تشکل وسازماندهی آن پرداخته اند. کلیه افرادیکه بسن قانونی بیست ودو رسیده اند یکسال وقت خودرا درامرآموزش جنگ درخدمت مقاومت ملی صرف کند. که مشابه به سیستم ملیشه ویا شبه نظامیان کشور کوچک سویس میباشد، همان افرادهزاره ایکه قادربه انجام چنین خدمتی نباشند، خصوصاً آنهای راکه در کشور ایران بکاراشتغال دارند، چنین تصورمیرودکه در اذای خدمت نظامی بایدمالیات بپردازند. گذشته از ان هر دستهٔ ده فامیلی به منظوراداموونگهداری از آن یکفرد را درامرادامهٔ خدمت به شمول جیره بندی هائیکه شامل گندم وجیب خرچ میشودنیزمتقبلٔ شده اند، درحالیکه بسیاری از افرادونفوس آن سرباز گیری را پذیرفته اند، پارهٔ از ناظرین چنین می اندیشندکه تقبل وبرداشت درامرحمایه ونگهبانی از یک فردنظامی یک پدیدهٔ موردپسند همگان نیست.

آموزش نظامی معمولاً" بعدازیکماه تطبیقات عملی تحت نظارت وسرپرستی صاحب منصبان نظامی پیشین افغان سربراه انداخته میشود، وشامل ورزش وسپورت، واستعمال وکاربردسلاح وتجهیزات وتاکتیک های جریکی می باشد.

این سربازان استخدام شده بعداز آن به جبهات گروپ مقاومت درمیدان کارزار فرستاده میشوندکه بنام (جبهه) ازان یادمیکنند، معمولاً" مشرف به کوه ها که حاکمیت بر مسیرویا خط السیراساسی به منطقه را دارا می باشند ، آن ها دران مناطق کاملا" بگونهء کتمان واخفا درکمینگاههای سنگلاخی برای مدت یازده ماه به عملیات نظامی می پردازند وتعلیمات سیاسی اسلامی را فرا می گیرند .

دربین جبهات گروه مقاومت به ندرت میتوان با ین گونه موارداستثنائی برخورد ، که مردم هزاره خطوط ارتباط منظم تلفون رابین (ورس) که به مثابهء مقرفرماندهی نظامی شورا بحساب میرودوبقیه شش شهرک های هزاره بر- قرارساخته اند .

پنجشیردرحالات اضطراری وعاجل یک لاین ویا خط تلفونی که دریک کمینگاه کوهستانی وصل بود، دارا بود، که برحسب تصادف ازان استفاده به عمل می آمد .یک ارتباط آزادکه هرکس میتواندبه آن گوش فرادهد، شبکهء خطوط مواصلاتی وارتباطی مردم هزاره به اندازهء کافی وظایف انتقال پیغام رابه بخشهای دوردست منطقه میرساندو در جریان برخوردهای شدیدسال ۱۹۸۰، ۱۹۸۱ شورا یک قوما- ندهء نظامی راکه تاحداستثنائی کنترول بروسایل لوژ- ستیکی راحایزبود، ازمجرای این خطوط ارتباطی صادر کرد .

دریک برخوردماه دسمبرسال ۱۹۸۰، درجریان یک حمله شوروی درحومهء غزنی مردم هزاره قابلیت گسیل نیرو های کمکی وتقویتی را با سرعت شگفت آوری ازخود تبارز دادند . چپاول وغارت با حرارت چریکها برای یک درگیری

هنوزتوسط مردم پیاده‌روها ازبخشها ومناطق دوردست بعد ازینکه‌نبردخاتمه‌یافت ، مواصلت می نمود .

شورای مجاهدین عمدتا به‌عملیات ناچیزخارج ازمرز های هزاره‌جات نیزپرداخته‌اند ، بیشترآنها دفاع مناطق خودشان راترجیح میدهند .

درجریان سالهای ۱۹۸۰و۱۹۸۲ حملات شوروی درمقابل پنجشیرمبارزین وجنگجویان حرکت با مردمان تاجیک اهل جمعیت اسلامی تعاون مشترکه انجام دادند .

واقعیت این موضوع ازینکه‌مردم هزاره توانائی وکفایت آنراپیدا کرده‌اندکه‌مناطق (آزاد) رادر داخل مرزهای عنعنوی خودشان بوجودآرندوجریان نظم و نسق اداری خودشان رادران مناطق یکارانداز‌ند‌دربین سایر همرزمان افغانی ازاحترام خاصی برخوردارانـد .توانائی آنهادرامرسربراه‌انداختن جنگ ، آنان راازمدح وتمجید خاصی بهره‌مندساخته‌است ، درحالیکه‌حرکت یگانه‌جبهه اصلی اهل تشیع که‌روزنهٔ آن برای افرادغیرهزاره نیز باز است ، که‌شامل کوچی هاکه‌معمولاً" دربین دامنه‌کوهستان هاومیدان های ولایت پکتیا وغزنی به‌گردش وسیاحت مشغول اند ، طبق میل واراده‌خودشان، خودراتحت اداره قوماندانی هزاره‌درآورده‌اند ، یک حرکت غیرعادی برای پشتونها محسوب میشودکه‌ازنگاه‌عنعنوی رویه‌وبرخوردآنان دربرابرمردم هزاره‌به‌مثابهٔ مردمان حقیرپنداشته‌میشد. مردم هزاره... مردم شیعه‌بطورعموم پیشرفت و ترقی شایانی نموده‌اند . از یکطرف آنهادرامرمبارزه‌مسلحانه جهت نجات منطقه‌خودشان دربرابرقشون سرخ ورژیم‌کمونیستی

که تمام مناطق شامل آن میشود، ازنقطهٔ صفرآغاز کرده اند، وازجانب دیگرآنها درامرورویکارآوردن یک سازمان بخصوص سیاسی که نسبتا دارای مشخصات واحددموکراسی است دست اندرکارشده اند.

میرها- مائوئیست ها وخمینست ها

مگربا آنهم شرایط واوضاع درداخل منطقهٔ هزاره جات بطورکلی با خوش بینی توأم نبوده است. ازینکه اکثریت شورا توسط روحانیون وسادات که دررأس آن ها بهشتی قرارداشت، مسلط برجریان اموربود، شورا می بایستی درامربرخوردش با دوجناح سیاسی متضاد ،که عامل تجزیهٔ اساسی صلاحیت شورا بودپیروزمندانه سربدر آورد. ازیکسودستهٔ ازافرادغیرروحانی وعامی که شامل(میرها) وروحانیون دست چپی، چه بسا ازمائوئیست های سابق وابسته به شعلهٔ جاوید، وازجانب دیگربگونهٔ فزاینده حزب نیرومندومقتدرافراطی هواخواه خمینی که متشکل از (شیخ هاوروحانیون وپیشوایان مذهبی که درمراکزواماکن مقدس چون قم درایران ویا نجف درعراق تعلیم وآموزش دیده بودند) می باشد.

برای یک مدت طولانی، افرادورهبران وابسته به میانه روها واعتدالیون شوراتوانائی آن راداشته که یک حزب راعلیه دیگری بکاربرند. امادرتابستان سال ۱۹۸۲، عناصرافراطی اسلامی خودرا باهواخواهان ایرانی نصردرامرمبارزه کسب قدرت برضدبهشتی متحدشدند. برخوردهای شدیدوخونینی بین آنها بوقوع پیوست وچندین

متا رکه‌بطورنسبی که‌صلح وسازشی دران منطقه برقرار سازد، صورت‌گرفت. طبق گفته‌ٔ چندتن ازمسافران وسیاحین غربی، کمترازیک سوم حصه‌ٔ منطقه‌تحت کنترول ومواظبت مستقیم شوراقراردارد.

فلهذا اکثریت قاطع نفوس، که‌بطورکلی درتلاشها ومساعی هواخواهان خمینی که‌دراثرتحمیل اندیشه‌ها بشان برخواسته‌بودندا ظهاربی علاقگی کردند، وهنوزهم خودرا وابسته‌به‌شوراوبخشی ازان میدانند. بادرنظرداشت این واقعیت که‌مسئولیت نخستین باطرح ریزی وسازوبرگ دهی یک روحیه‌ٔ خودمختاری منطقوی وهویت مذهبی مشخص در هزاره‌جات، زعامت سادات دراتباط باشورادراندیشه‌ٔ کسب احساس مشروعیت استواربودکه‌سایراحزاب ازان بهره‌ورنبودند.

چه‌برای بسااز مردم هزاره، تبارزیک نظام اداری ویک اردوی سازمان داده‌شده‌یا افتخاربیانگرو ممثل تائید (کشورداری) هزاره‌جات می باشد.

هنوزانتشاروپخش تدریجی (انقلاب فرهنگی) به‌شیوهٔ ایرانی توسط هواخواهان خمینی تنها تاثیرژرف وعمیقی به‌دوران مستقبل وآینده‌مردم هزارجات خواهدداشت.

هواداران خمینی مردم تعلیم یافته‌بادسپلین وبیش ازحددارای قاطعیت اندیشه‌وعقیده‌میباشند، هواخواهان خمینی درامربسیج ومتشکل ساختن حامیان خود در بین ده‌ها هزارهزاره‌های جوانیکه‌درایران زندگی میکنندبه‌مشکلی برنمی خورند.

گرچه‌این موضوع رابحال خودمی گذاریم که‌چه‌وقت

وزمانی مردم هزاره این (انقلاب) نوین را خواهند پذیرفت باید دیده شود، این موضوع جانبداران ودنباله روان خمینی را از تاسیس مکتب، کتابخانه ها، وسازمان دهی جلسات سیاسی، جائیکه جوامع غربی روبزوال وایالات متحده امریکا وشوروی بطورپیگیر محکوم قرارداده میشوند، روی این منظورهزاره ها پیوسته جهت تلقین والهام به ایران چشم دوخته اند، درحالیکه ده الی چهارده پانزده سال قبل، بازارودکان وسماوارخانه های آنها باتصاویر وفوتوهای شاه، چشمان فتان وگیرای آیت الله خمینی که درین اواخرازسلطه ونفوذ فراوانی برخوردار است، مزین شده بودند.

باپاره ٔ ازدنباله روان خمینی، باآنهم کمک برای مردم هزاره خیسانده است وحتی بعدازرویکارآمدن پاسداران، نفوذآن بیشترشده است. چه بسا ازتجهیزات وتخصیصیه ها برای مردم هزاره ازطریق ایران می گذرد تا پاکستان. گروه نصر، که معمولاً" ازدسته های مسلط وابسته به هواخواهان خمینی پنداشته میشوندتقرب ومقام ومنزلت اش رابخاطرحمایه وجانبداری شدیدازجنبش انقلاب افغانی ازدست داده است. گروه سپاه پاسداران که بطور کلی از طرف پاسداران انقلابی تهران ازانها مواظبت و کنترول میشودتاسرحدی که حتی ادغام ساختن آن درداخل یک دولت بزرگ ایران بامتانت هرچه بیشتربه یک سازمان نیرومندوبهترسازمان یافته جبهات هزاره انکشاف وتکامل کرده است.

بعدازجابجاساختن خودشان دربین هزاره ها، هوا

خوا ها ن ا ندیشه‌خمینی درا مرگسترش هرچه‌بیشترپا یه ها ی نیروی خودشا ن متمرکزسا خته‌ا ندتا ترغیب وتشویق مردم درا مرا دا مه‌نبردبا روسها . گا هی چنین ا تفا ق نیزا فتاده ا ست ، که‌یگا نه‌جبههٔ مردم هزا ره‌که‌دربرا برا شغال‌شوروی بگونهٔ فعا لانه‌دست وپنجه‌نرم میکند (درپهلوی سیدجگرن) حرکت ا سلامی نیز دارین کا رپیشقدم بوده‌ا ست .رویهمرفته عا مل ا یرا نی درموازنه‌وبرقرا ری تعا دل ا فغا نستا ن، با موقف پا کستا ن به‌مثا بهٔ یک دولت (مقدم جبهه) که‌توجه بیشتری را بخودجلب میکند، موضوع ضمنی به‌حسا ب میرود.

شوروی ها روی ا ین موضوع بطورنسبی با عدم توسل هزا ره‌ها به‌ستیزه‌جوئی قا نع وراضی بنظرمیخورند و در نتیجه‌آ نچه‌درتوا ن داردرا مرتشویق ودلگرمی دا دن آ ن از مجرا ی رخنه‌گری ونفوذ (خا د) وحزب تودهٔ ا یران،کا ری راا نجا م دا ده‌ا ست . ا ما وضع به‌گونهٔ موٴ ثرتغیرخوا هد یا فت . چه‌بسا ا زتحلیلگرا ن مطلع ا زجریا ن ا مور چنین ا حسا س می کنندکه‌ا یرا ن میل دیگری جزدخیل سا ختن خودش درمسئله‌ندا ردچه‌با درپیش گرفتن تشبث عجو لا نه‌یا با گذشت زما ن، وا ین موضوع بیشتربه‌حا صله‌وپی آ مد ها ی جنگ ا یرا ن وعرا ق خوا هدداشت وآ ینده‌نا مطمئن رژیم گذشته‌خمینی، ا گرموقف ضدشوروی درا یرا ن آ نچه هست ا دا مه‌پیدا کندکه‌بطورفزا ینده مسیرتجا وزکا را نه‌ومتجا سرا نه‌ا ست، ا ین ا مربیا نگرآ یندهٔ روشن درا مرا یجاد یک نقش فعا ل توسط هوا خوا ها ن مجا هدین خمینی دربرابرحکومت کا بل میبا شد ، ا گرچنین شودوچه‌زما ن ا یرا ن به‌وعده ها یش ا عترا ف میکند ، ا لبته‌درین موضوع هیچ سا ن شک و

اصلاحات ارضی منحرف وگمراه کن

تسلط خلقی ها برجریان امورکشورنه تنها بگونه کلی عدم آشنائی آنها را به واقعیتهای میکانیسم اقتصادی و اجتماعی مسلط برکشوربرملاوآشکار ساخت ، بلکه از عدم توانائی وقابلیت آنها دراً مردرک ازخصلت غامض سیستم اجاره داری وتصرف زمین نیزپرده برداشت . طبق پاره ء ازتحلیلگران، دراثنائیکه کمونیست ها زمام امور رادر کشوربدست گرفتند افغانستان بخاطرغیاب زمیندارا ن که به مثابه ء یک پرابلم عمده وبزرگ پنداشته شودو مردم را مواجه به مشکلات سازد ، هیچگونه احساس دردورنج از آن نداشتندویا به عباره ء دیگربا روی کارآمدن نظام کمو- نیستی درکشورمشکلات ودردورنج مردم افغانستان ازجهت غیاب زمیندارا ن به مثابه ء یک پرابلم عمده وبزرگ تلقی نمی شد . فلهذا ، آنها چنین خاطرنشان ساختند ، سیستم تصرف عنعنوی یک سلسله بی مبالاتی ها واستفاده های سوء راکه می بایستی درنتیجه ء اصلاحات مقتضی ومناسب چاره سازی وبه اصلاح آن پرداخته می شد ، بلکه آنرا تسریع بخشید .

واقعا تولیدات زراعتی به فکتورهای پنج گانه

وفا خپاره کړي دي

ګڼه	دکتاب نوم	مؤلف	مترجم
۱	دځناورو فارم	جارج ارول	پروفیسور رسول امین
۲	روسهای عظمت طلب و تیوری نظام نوین	پروفیسر تیواری	شفق ستانیزي
۳	د روس فاسده ټولنه، په دوو جلدو کې	کانستنتین سیمس	محمد آصف اکرام
٤	د کې، جي، بي دننه، په دوه جلده کې	الکسي مایګوف	اختر محمد
۵	کمپهای مرګ کولیما	رابرت کانکویست	ز، ع ممتاز
٦	دروغهای جدید بخاطر دروغهای قدیم جلد اول	اناتولي ګالیستن	سید فقیر علوي
۷	شوروي اتحاد او دارا چونه	رابرتا ګورین	محمد آصف اکرام
۸	تلاش های روس برای اشغال افغانستان	عبدالکریم محب	.
۹	دکیمیاوي زهرجنو موادو په برخه کې لومړني لارښوونې	داکتر تاج الدین متقل	.
۱۰	طبقهٔ نوین	میلوان جیلاس	ج، ح ابراهیمي
۱۱	دروغ ها جدید بخاطر دروغ ها قدیم جلد دوم		سید فقیر علوي
۱۲	انتقاد ماتریالیزم دیالکتیک	ابوالوفا «افغاني»	
۱۳	په آسیا کې د روس د پراختیا غوښتنو پالیسي	جوزوف پدولسکي	موسی خان جلالزی
۱٤	ماده و معنی	ابوالوفا «افغاني»	.
۱۵	په روسیه کې مخالفین	ریبودولف ل تونګر	عبدالکریم محب

Series No. 21

AFGHANISTAN-SOVIET WAR

Edited by :
EDWARD GERARDET

Translated into Dari Language
by :
J. H. IBRAHIM

Published by :
WRITERS UNION OF FREE AFGHANISTAN

(WUFA)

COPIES - 2000

تردیدی درمیان نخواهدبودکه مسلما بطورکلی اعتبار و اهمیت امروزی پاکستان را تحت الشعاع قرارخواهدداد.

ختم

بستگی دارند: زمین، آب، تخم یا دانه، حیوان یا نیروی میکانیکی ونیروی کار انسانی. وهرکسیکه از زنگاه تیوری به هریک ازین عناصروفکتورها سهیم ودخیل است یک بر پنج حصه محصولات زراعتی از ان شخص وی محسوب می شود . دربسا موارد، این زمیندار بودکه او همه چیز را فقط بخاطر بمشقت انداختن انسان تدارک می دید. گرچه ملک یا قریدار محل ویا کلان دهکده از موقف خودگاهی بهره برداری واستفاده نموده است، که غصب غیرعادلانه وغیرموء جه سهمیه های بیش ازحدوی ازاهالی قریه ودهکده اش می باشد. طبق بررسی وارزیابی (لوئیزدوپری) یک بشرشناس و محقق امریکائی که نویسنده ٔ باکفایت وباصلاحیت درراطبه با افغانستان می باشد، به موضوع چنین روشنی می افگند:

(کلیه زمینداران نباید به مثابه ٔ مستبدین و غاصبین اجیرومزدور، کلیشه ٔ لکه ٔ بدنامی بروی آنها زده شود. اگرموضوع ازنگاه فرهنگ درونی که فاقدصفات بعدی ومجاورت وپیوندا جتماعی است موردبررسی ومشاهده قرار گیرد، زمیندار به مثابه ٔ یک عامل سازمان دهٔ واداره چی بزرگ تجارت قرار می گیرد، با تردستی وشیادی فعالیت های گسترده را بعهده گرفته وسرمایه ٔ هنگفتی را اندوخته است ..... اما رابطه بین زمیندار ومستأجر، زمیندار و مباشر ناظرومباشرومستأجردرین گیرودار، دادوگرفت بی حدوبی شماری بین آنها ردوبدل می شود. چه بسا از زمینداران درافغانستان نقش قدم منافع آبائی شان را درارابطه با دهقانان درپیش می گیرندمقامات ذیصلاح کابل همواره آنها را به مثابه ٔ افغانهای دهاتی با بی اعتنائی

نگریسته اند، روی این ملحوظات آنها دربسا احوال وموارد اززمینداران محلی خوددرا مرتمثیل ونمایندگی ازمنافع آنها درشهربزرگ وازینکه به مثابهٔ یک حایل درمقابل خواسته های حکومت درخدمت آنها قراردا شتندکاملا" راضی به نظرمی آمدند. به مثابهٔ بخشی ازبرنامهٔ توزیع و تقسیم دوباره از طرف رژیم جدید، خلقی ها چنین احکامی صادرنمودندکه مالکیت خصوصی به شش هکتار زمین قابل زرع شصت هکتار زمین للمی، بی آب محدود ساخته شده است. اما فقط بگونهٔ سادهٔ تسلیم زمین به دهقانان نه تنها بمثابهٔ یک جواب قانع کننده می باشد بلکه دهقانان وکسانیکه مالکیت مصادره شده را پذیرفته اند چنین دریافتندکه کدام سبک وطرز خاص که دررابطه با آن به کاروبار وفعالیت آغاز کردوجودندارد. نه تخم ونه دانه وجودداردونه ماشین و کودکیمیاوی ونه کریدت ها ونه حق آبی حقابه. با این بی جرئتی، آنها به سرعت چنین دریافتندکه درواقعیت امر هیچ سان دگرگونی وتحولی به میان نه آمده است باز هم، همان زمیندار عنعنوی بودکه با مقامات ذیصلاح کابل معاملهٔ جهت تهیه وتدارک نیازهای مبرم ولازمی زراعتی درازای محصولات دردسترس آنها قرارمیداد.

ششماه بعدازحملات وتجاوزشوروی به کشور، بنده (منظورازنویسندهٔ کتاب) بایک واسطهٔ نقلیه، پیکاپ به ارتفاعات چارغای درولایت هلمندبایکعده ازقبایل بلوچ که درجنوب کشورموقعیت دارد به سیاحت پرداختم درآنجا، من به یک کمین گاه مخفی کیمپ صحرائی مجاهدین که به جنوب دریای هلمندموقعیت داشت منتقل شدم قوماندان

چریکها که مرا نزد خود پذیرفت قبل از مصادره وضبط مالکیت اش درساحهٔ نیمه‌لمیزرع وبایرا ما منطقهٔ حاصل خیز زراعتی که سه ساعت فاصله را با سواری جیپ دربرمی گرفت، یکتن از اربابان مالک زمین محسوب می شد و چندصدتن از مجاهدین که با وی مشغول خدمت بودند کلیهٔ آنها دهقانان مستأجر ویا اجاره‌داران زمین روستا هائیکه قبلاً "درتحت کنترول ارباب قرار داشت ، بودند . طوریکه ما با وی در اثنای صرف چای صحبت های زیادی نمودیم ، خصوصاً " در مهمانخانه ای که ساختمان آن از گل خشک ونی بود ، ومن شاهد یک صحنهٔ بودم که محتملاً "درجریان قرن اخیر صورت گرفته باشد .

یک گروهی از جاهدین ثابت قدم ووفادار روی جهت مشوره با ارباب داخل چپری شدند . او که یک شخص شریف ودارای چهرهٔ زیبا وآراسته بود وسن وسال آن به پنجاه می رسید وبا ریش اصلاح کرده ، که به پرابلم ها ومسایل آنها یکا یک گوش میداد ونصایح سلیمانی را به آنها گوشزد می نمود . یک دهقان ازوی جهت پی بردن به اصل مطلب خواهان آن بود که کدام زمان برای وی مناسب خواهد بود که فامیلش را به پاکستان منتقل سازد . دیگری ازوی کسب اجازه می نمود که جهت خرید آذوقه ومایحتاج به (دالبندین) به امتداد مرز روانهٔ آنجا گردد وطبق توضیح وی تراکتور شکسته است وکدام پرزهٔ اصلی آن هم درینجا سراغ نمی شود . یک پدری از فرزندش تقاضا می نمود که در حملات آینده دربرابر خلقی ها که بسا از افغانها رژیم ببرک را مخاطب قرار میدادند شرکت جوید . درختم هریک از مذاکره ومناظره

حامیان به‌شیوهٔ احترام قامت شانرا خم کرده‌ودست ارباب را می بوسیدند. دراخیرموٴلف کتاب ازیکتن از افراد قبیله‌می پرسدآیا حکومت درامرتقسیم وتوزیع زمین‌ارباب شان کدام سعی وتلاش نه‌نموده‌است. یکتن ازآنها پاسخ مثبت داده‌گفت چنین بوده‌است. آیا اوازینکه دو باره زمین دردسترس وی قرارگیردخوشنودنشده‌است ؟! وبا تعجب به‌این موضوع می نگریست. (بله‌اما این به‌معنی دزدی و سرقت بردن خواهدبود. دراسلام، یک کس ازدیگری بسرقت ودزدی نمی پردازد.

نخستین طغیان وانقلاب درمقابل حکومت

درجریان چندماه‌زمام امورخلقی ها خصوصا درمراحل نخستین، چنان می نمودکه‌ازهرآن شی ممکن درامربدبین ساختن نفوس عامه‌افغانستان دست اندرکارخواهند شد. آنها تقریبا مبتکروبنیانگذاریک مشی تلافی و انتقام جویانه‌نسبت به‌کسانیکه‌باآنها ازدرمخالفت پیش میآیند، بودند. بگونهٔ مثال دراواخرسال ۱۹۷۸، قوای امنیتی روستای سلیمان خیل رادرولایت کنربخاطراینکه‌کمینگاه مبارزین وجنگجویان حزب اسلامی است طعمهٔ حریق ساختند. چنین عملیات صرف به‌مثابهٔ مشتعل ساختن وبرانگیختن هرچه‌بیشتراحساسات اجتماع وافرادمحلی قرارگرفت. زمانیکه‌روستائیان واهالی محل به‌آشیانه‌وکاشانه‌ویران شدهٔ شان که‌بحال سوختن ودودکردن بودبرگشتند، به‌مبارزین که‌دراثنای چوروچپاول مخفی مانده‌بودند، چنین گفتند:

بسم الله الرحمن الرحیم

ماسک یا نقاب کمونست ها - فشار و کنترول

(درزمره تمام افراد کشور اگر یک ملیون تن از افراد کمونیست اگر هم زنده بمانند برای ما کافی است و بقیه ای آن ها مورد ضرورت ما نیست ـ ما کلیهٔ آن را تحت انقیاد خود درخواهیم آورد) گفتار فوق یکی از نمونه های گفتار شدید اللحن سید عبدالله قوماندان سابق محبس پلچرخی درکابل وابسته به جناح خلق میباشد . .

کلیهٔ آن چیزهائیکه باقی می ماند عبارت است از سه تپهٔ خاکی نمایان و مشخص در اراضی که اجساددر آن با کاربرد و توسل به بیرحمانه ترین وضع غیرانسانی وفشار ناشی از آن درزیرخاک مدفون اند .

بگونه مثال کیرالی ـ یک روستائیکه تقریبا بطور کلی غیرقابل مسکون است . اکثریت قاطع اززنان ،اطفال ودوصدتن از افراد سکنهٔ آن که ازجنگ تیرباران دشمن جان بسلامت بردند وفرار بسوی پاکستان را نسبت به قرار در خانه های خودترجیح دادند . از آن به بعدده ها هزار ،شاید صدها هزار تن از افراددر افغانستان از بین رفته اند ، و کیرالی صرف به مثابهٔ سرآغاز این داستان تراژیدی در

ما از حزب شما جانبداری نمی کنیم. ما نمی دانیم که شما چه می کنید. اما ما فقط شما را در مقابل حکومت کافر وملحد حمایه وپشتیبانی می کنیم. درا واسط تابستان سال ۱۹۷۸ نخستین قیام مسلحانه درمقابل خلقی ها درنورستان سازوبرگ گرفت، مردم آن منطقه کوهستانی با وادی های عمیق، سرزمین سیلابها ئیکه با ضربات سخت ومحکم ازلابلای درختان وجنگلات انبوه کاج وبلوط که اجتماع صدهزار تن از باشندگان ومردمان محل درنیمهٔ اخیرقرن نوزدهم بدین اسلام مشرف شدند. وبطورکلی کمی بعدتر، دهقانان واهالی روستا دربرابر برمقامات حکومتی درپنجشیربه مخالفت برخواستند. کیفرومجازات دربرابر برمردم با سرعت هرچه بیشترکینه توزانه وشریرانه بود. برای روزهای متوالی هواپیماهای میک ۱۷ وهلیکوپترهای توپدار ۸ به سرزنش وتوبیخ وسوختاندن محل سکونت مردم دست اندرکار شدند. درنورستان والی جدیدالمنتسب کمونیست ولایت کنراحکامی مبنی بربستن درهای کلیه مساجدو تحریم ازبرگزاری مراسم ماه رمضان المبارک صادرکرد، که چنین اقدامات وتشبثات حکومت موردپسندمردم نورستان واقع نشد. سومین نسل وسلسله ازپیروان محمدی که مراسم مذهبی را با شوروهلهلهٔ فراوانی به انجام میرسانند. به تعقیب یک ناآرامی وقیام درمرکزمنطقه درکامدیش آنها حکمران منطقه را موردتعقیب قراردادندومقرپولیس محل وجبه خانه های آنها راآتش زدند.

درسپتمبرسال ۱۹۷۸ قوای حکومتی سعی وتلاش مذبوحانهٔ نمودکه درمنطقه داخل شودامانا گزیربه عقب نشینی

گردید. خلقی ها بعداز ان به‌یک سلسله‌بمبا ردما ن هوائی مبادرت ورزیدند، که‌شامل استفاده‌وکاربرداز بمبهای آتش افروزفاسفورس وطبق پاره‌ٔ ازگزارشها، بمب های ناپالم درزمینه‌بکاررفته. که‌بدین وسیله‌بساازمنازل مسکونی که‌درنوع خودباسبک هرمعماری ممتاز و مشخص که‌ساختمان آن بایک نمای خاص روی آن کارشده‌بودکاملاً ویران شد.

بنابرآن کمونیستها باوجودبمباردمان گسترده نتوانستندا ین منطقه‌را تحت انقیادخوددرآورندوبعد از گذشت چندماه نورستان آزادی اش رااعلان کرد.

بتاریخ ۱۴ فبروری ۱۹۷۹ سفیرامریکا در کابل (ادولف دبس) یکتن از اعضای جامعه‌دیپلوماتیک مطلع جهان غرب درهوتل کابل توسط چهارتن ازافراد مسلح اعضای وابسته‌به‌ستم ملی که‌یک جناح افراطی دست‌چپی است که‌سابقا با پرچم روی همکاری داشته‌به‌گروگان گرفته شد. نه‌تنها این پیش‌آمددال برگسترش فزاینده‌ٔ عدم مصئونیت درمرکزکشوررا حکایه‌می کندبلکه‌نتایج آن یک سلسله‌فسادوتیرگی درروابط باافغانها رانشان میدهد. درا ثنای یک سعی وتلاش درامرنجات آن توسط پولیس افغان(که‌مشاورین روس نقش غامض ومبهم را بازی می کردند) سفیرنامبرده‌درجریان ردوبدل شدن رگبارها کشته‌شد، ودرجریان این شایعه‌پراگنی ها درارابطه‌با توطئه‌چه‌توسط افغانها ویا شوروی ها یا هردوی آنها جهت نا چیزجلوه‌دادن این موضوع، واشنگتن کدام سفیر دیگری بجانشینی وی نگماشت (وکارسفارت بعدازین رویدادبه شارژدافیر- چارج د- افیرز- تنزل کرد) وطرحهای کمک

شارژدافر_ چارچ دافیرز_ تنزل کرد) و طرحهای کمک های خارجی اش را به سال ۱۹۷۸ به بیست وهفت ملیون دالر میرسیدبه پنج ملیون دالرآنراکاهش داد .

گسترش واوج گیری این ناآرامی ها وطغیان

انقلاب دراین اثنا درسراسرکشوربشمول صفحات شمال، مرکزوسطوح مرتفع شرقی درحال تکوین واوج گیری بود . رژیم جهت تحکیم سلطه اش درعملیات ضدشورشی که کمتراز دوازده ولایت کشورنبودباتلاش مذبوحانه ونا امیدانه اش مشغول پیکاربود . درنتیجهٔ تحریک روحانیون، این نا_ آرامی ها وطغیان درفبروری سال ۱۹۷۹ درهزاره جات ساز وبرگ گرفت . بااستفاده وکاربرداز سلاحهای پیشین ، شمشیر ، تبر، بیلچه ها وعصا چوب های دردست داشته ،دهقا_ نان مناطق روستائی ومردم شهرک نشین توأم با یکدیگر دربرابر بردفاترخلقی ها وقشله های نظامی آنها ،درولسوالی های دره صوف ، چاغوری، ناهور ، ورس ، بهسودویکاولنگ فروریختنددرجریان سه ماه مبارزین ورزم آوران ضدحکومتی دژها وسنگرها را تصرف کردندودرنتیجهٔ آن مبارزهٔ دلیرانه مردم بخش بسیاری ازمنطقه هزاره جات به استثنای چغچران وبامیان آزادگردید .

مردم شجیع هزاره جات درماه جولای همان سال به گرفتن بامیان موءفق شدند ، که دراثنای تصرف منطقه بامیان دوصدتن مجاهدین صرف باداشتن چهل ودوتفنگ معمولی ومتداول درجریان تاریکی شب به این حمله متقا_ بل پرداختندکه درجریان این حمله وگیرودار با عساکر

نا راضی درداخل قشله‌های نظامی، مجاهدین توانستندبه داخل مخازن مهمات وسلاح خانه‌های حکومت رخنه‌کنند و بدینوسیله‌با بدست‌آوردن پنجصدمیل سلاح که‌بعدا بین پارتیزان ها ومبارزین تقسیم گردید، امکانات بهتری برای مجاهدین فراهم گردید.

حکومت بعدا زیک مدت زمان مختصربه‌تسخیراین‌شهرکـ برآمد. امادراوایل سال ۱۹۸۰ دوباره‌به‌تصرف مجاهدین وگروه‌مقاومت درآمد. درحالیکه‌تمام قطعات با میان به گروپهای چریکی تاجیک که‌کمونیست ها راازجانب شرق به وحشت می انداختند ملحق شدند. سه‌روزبعدحکومت دوباره به‌سازوبرگ نظامی اش تغیراتی رابه‌میان آوردو دراین اثنا نیروهای مشترک شوروی وافغان که‌با چهارصد عراده وسایط نقلیه‌زرهی وقوای کوهی درامرانجام این کار حمایه‌وپشتیبانی می شدندبه‌عملیات پرداختند.

ولایت کنردرمارچ سال ۱۹۷۹ به‌مثابهٔ نخستین‌قیام ضدکمونیستی درکشورمحسوب میشود. بی مبالاتی ها و بی اعتنائی ها درمقابل دین مبین اسلام وعنعنهٔ مردم از طرف حکومت برسراقتداردرکشور، عبدالروٴف قوماندان قرارگاه‌عساکرمستقرحکومتی درچهاونی آسمار، با ازبین بردن چهار تن ازصاحب منصبان وابسته‌به‌گروپ خلقی ها امورراشخصا بدست‌گرفته‌واین جنبش رابه‌شکل گسترده‌تری دربین افرادگردوپیش وعساکرتحت فرماندهی اش بسط و توسعه‌بخشید. درسایربخشها ونقاط این وادی نیزعصیانها ونا آرامی های به‌وقوع پیوست که‌سرانجام بعکس‌العمل کشتاردسته‌جمعی درکیرالی انجامید.

واقعهٔ هرات

درولایت هرات بودکه رژیم تره کی وامین با یکی از مخوفترین تهدیدها وفشارها مواجه گردید. دراواسط ماه مارچ سال ۱۹۷۹، راپورهای واصله بکابل حاکی از ناآرامی ها وعصیان دربین افراد نیروی مسلح بود، که غالبا به احتمال زیاد چنین حدس زده می شدکه این شعله درنتیجهٔ سهمگیری الزامی طبقهٔ نسوان درپروگرامها وطرحهای سواد آموزی که از طرف حکومت سربرا ه انداخته شده بود، بوده باشد. متعاقب آن اخبار واصله چنین می رساندکه خطوط ارتباط تلفنی بین هرات سومین شهربزرگ کشورو کابل قطع گردیده است، ودرحدوددوصدهزارتن ازسکنه وباشندگان آن شهردرمقابل رژیم بپا خواسته اند.

منابع اطلاعاتی وخبررسانی حکومت سعی و تلاش نمودکه ارتباط این ناآرامی ها وعصیان ها را به چهار هزارتن ازرخنه گران ایرانی که بگونهٔ محرمانه در امر ایجادناآرامی بداخل مرزرخنه کرده اند، مرتبط سازد.

برای دوروزپی درپی، جمعیت وگروه انبوه و بی شماری ازمردم که مجهزبا سلاح بودند بسوی جبهه خانه ها و انبارهای سلاح حکومت فروریختند ومقامات رسمی حکومت کمونیستی، صاحب منصبان ومشاورین روسی را درهر جائی که بچشم میخوردازپا درآوردند. تقریبا درحدودپنجاه تن ازمشاورین روسی واعضای خانواده آنها طبق اطلاعات موثوق دربین ناآرامی ها ازبین رفتند.

یکتن ازکارمندان غربی که درطرحهای انکشافی منطقه فعالیت داشت، که دارای چشمان آبی وچهره خوش

گلی بودبزعم اینکه روسی است نزدیک بودکه به کیفراعمال اش برسانند. اما با مداخلهٔ با موقع یک رفیق افغانی در بین این گروه انبوه وبی شمارمردم جان سالم بدربرد. پیمانهٔ انزجار وتنفراین گروه انبوه وبی شمارمردم نمایانگرحدودومقیاسی بودکه گوئی نفوس بی شمار از اینکه شوروی را همدست ومتحدرژیم خلقی دانستند تنفروبدبینی آنها بیشترگردید. زمانیکه حکومت تره کی نیروی هوائی را درجهت همکاری با نظام حکومتی فراخواند، صرف عده ای ناچیزی ازپیلوتهای باقی مانده که تسلیم مجاهدین نه شده بودند، حاضرشدندکه دربرابرمردم خودبه پرواز در آیند، وکسانیکه از اوامرحکومت سرباززدند درنتیجه اعدام شدند..

دراین زمان بودکه روسها با فرستادن بمب افگن های خودمحتملا" با الیوشن ازدوشنبه مرکزتاجکستان شوروی که تقریبا سه صدمیل بطرف شمال کشورموقعیت دارد، مجاهدین را تحت بمباردمان قراردادندودرجریان امورمستقیما دخالت نمودند..

بتاریخ بیستم مارچ همان سال عساکر وفادار افغانی که با تانکها وهلیکوپترهای تهاجمی وپرسونلهای نظامی شوروی حمایه وپشتیبانی می شدند، به شهرنا آرام ومغشوش داخل شدند، که با موجی ازجمعیت مواجه گردیدند، متجاوزین هرآن چیزی را که درمسیرراه شان قرارداشت با بی رحمی موردشلیک رگبارهای مسلسل خودقرارمی دادند وهمان زمان به این عصیان خاتمه داده شدودرحدودچندین هزارتن ازافرادبه شهادت رسیدندویا مجروح شدند، پاره

ا زگزا رش ها تعدا دا ین تلفا ت را به‌سی ا لی چهل هزا ر تن میرسا نند .

سازماندهی یک دولت پولیسی

با نخستین سا لگردا نقلاب ثور ، بخش وسیعی ازا فغا نستا ن درسرآ غا زجهت‌گیری که‌مبتنی بر مشخصا ت یک کشور تحت محا صره‌قرا رگرفته‌با شدرا دا شت . درا پریل سال ۱۹۷۸ حا لت ا ضطرا ری وغیرعا دی درپا یتخت کشورنا فذ گردیدکه هرگزمرتفع نشدو به‌خا رجیا ن مقیم شهریک سلسله قیو د ومحدودیت ها ی ا عما ل گردیدکه‌بیش ا زشعا ع سی و پنج میلی پا یتخت نمی توا نندبه‌گشت وگذا ربپردا زند .

درا ثنا ئیکه‌چرا غ ها ووسا یط نقلیه‌ٔ مؤ ظف حومه‌ٔ کا بل را درجریا ن شب موردبا زدیدومرا قبت قرا رمیدا دند عسا کروا فرا دنظا می کلیه‌سا ختما ن ها ی مهم وحسا س حکومت را موردبا زجوئی ونظا رت قرا رمیدا د (که‌تا سا ل ۱۹۸۴ بیشترا ین ا مرحکمفرما بود) . خدمتگا را ن صلح ا مریکا ئی نیزبه‌تعقیب حا دثه‌ٔ قتل (دبس) که‌توأ م با یک فضا ی مغشوش ومتشنج بودکشوررا ترک کردند ، ودرین حا لت مغشوش ونا بسا ما ن تکنیشن ها وکا رآ موزا ن مؤسسه ملل متحدنیزوا بستگا ن شا ن را ا زمرکزکشورخا رج سا ختند .

چنا نچه‌خا صه‌رژیمها ی تحت سلطه‌ٔ (توتا لیتا ریا ن)یا سلطه‌ٔ یک حزب معمول ا ست به‌ا ها لی ا فغا ن ا خطا ریه‌صا در شدکه‌با خا رجیا ن نمی توا نندصحبت کنند . برا ی نخستین مرحله ، را دیوکا بل چنین ا علامیه‌رسمی را که‌حا کی ا ز یک سلسله‌نا آ را می ها ووضع مغشوش که‌نا شی ا زا رتجا ع و ضد

انقلابیون وحامیان امپریالیست ها باشد، پخش نمود.

رژیم خلقی درین اثنا که بگونهٔ فزاینده به شوروی پیوندوبستگی دارد، میزبان چهارهزاروپنجصدتن ازمشاورین شوروی می باشد، که ازین جمله سه حصهٔ آنها درفعالیتهای نظامی بکاروبا راشتغال داشتند.

طبق سرویس اطلاعاتی غرب، تقریبا درحدود صد تن ازافرادمشاورین نظامی شوروی درضمن برخوردبا چریکها دراولین سال زمان قدرت کمونیستها بقتل رسیدند. در رابطه با موضوع مجازات بدون دادرسی علیه باشندگان و اهالی شوروی درهرات حیثیت یک مرهم روی جراحتی را داشت، وشک وتردیدکمتری درزمینه وجودداشت ازینکه روس ها خطرات ناشی ازیک رژیم راکه بگونهٔ مستمربا درگیری های شدیدداخلی وگسترش فزاینده خشونت وناآرامی عمومی مواجه بودورنج میبرد، درک کردند.

این موضوع نیزمشکل بودازینکه بیندیشیم که چگونه فسادوتجزیهٔ درونی افغانستان به پالیسی شوروی مفید ثابت میشود. دربسا موارد، مقامات شوروی سعی نموده اندکه خلقی ها راکمترازدکتورین های خودبهره مندسازند. خصوصا (واسیلی سافرنت چوک) یک دپلومات عالی رتبهٔ شوروی درکابل ونمایندهٔ مقیم (ک گ ب) که به تره کی رئیس کشورطبق معمول روزانه به وی مشوره میداد، ورئیس جمهوررادرامرتشکیل یک دستگاه اداری که بیشترتمثیلی باشدودرامرجلوگیری ازایجادفاصلهٔ بیشترازمردم و جمعیت واداروترغیبش می نمود. هنوزتره کی وامین (که اخیرالذکربه حیث صدراعظم منتخب شددرحالیکه تره کی به

مقام ریاست جمهوری باقی ماند) خودشان در این گیر و دار مبارزهٔ کسب قدرت درگیر افتادند و به اخطارهای شوروی کمتر توجهی مبذول می داشتند. پاره‌ای از بیانیه‌های آنها در امر فرونشاندن مظاهرات گسترده و موج آسای مردم در امر برگذاری و تجلیل میلاد النبی (ص) پیامبر اسلام بودکه درسال ۱۹۷۹ مصادف به ماه فبروری بود، وآنها از به عقب انداختن طرحهای اصلاحی سرباز زدند.

درعوض هردوی آنها جهت اعمال فشار برای فرونشانی از موج مخالفت مردم که با آن درجهت اندیشهٔ مخالف قرار داشتند، یگانه طرق مورد پسند خود قرار دادند. یا به عبارهٔ دیگر هردوی این سردمداران، تره‌کی و امین یگانه راهی را در امر ایجاد رخنه و اختلاف بین مخالفین شان برگزیدند که بتوانند از مجرای آن اعمال قدرت نمایند.

تره‌کی چنین معتقد بود (کسانی را که درتاریکی، نادانی وجهالت دربرابر ما به توطئه‌چینی ودسیسه‌بازی می پردازند درتاریکی از بین خواهند رفت) این جمله و فقرهٔ تره‌کی نه تنها به مفهوم ایجاد و رویکار آوردن یک دستگاه پولیس مخفی قسی القلب وبی عاطفه را افاده می نمود، همچنین درامر سازماندهی یک نیروی امنیتی وحفاظتی درلباس غیرنظامی که دارای انگیزه سیاسی طبقاتی (که با معاش کافی وبهتر) مشغول کار وپیکار باشد را نیز احتوا می نمود.

با گسترش روزافزون ناآرامی وعصیان درسراسرکشور، به نظامیان کمتراعتماد واطمینان محسوس می شد صرف عده ای ازعساکر با بی میلی به جبهات جنگ سوق می شدند که به

کشتار مردم اهل وطن بپردازند آنها درعوض به مثابهٔ یک دسترخوان آماده با غذا ، خودرا به مجاهدین ملحق میساختند ، وگاهی با استفاده وا غتنام ازفرصت ،صاحب منصبان خلقی وزمانی مشاورین شوروی را درین گیرودار به قتل می رسانیدند . مبارزین وجنگجویان حزبی برعکس معمولا بخاطر انقلاب به این نبردمی پرداختند .

به گونهٔ معما آمیز ، حتی روسها را نیزازشیوه ها و متودهای درپیش گرفتهٔ خلقی ها خوش شان نمی آمد ، آن ها ازطریق تدارک وفراهم ساختن کارشناسان وما هرین ما یحتیاج تخنیکی ازیک روش استبدادی ودکتاتوری حمایه وپشتیبانی می کردند .

ازاوایل سال ۱۹۵۰ آلمان غربی افرادپولیس و ژاندارم کشوررا تحت تعلیم وتربیهٔ خودگرفته بود ،زمانیکه نیروی نظامی ازداودعلیه کمونیستها حمایه نمود ، نیروی پولیس اولین دستگاهی بودکه ازطرف رژیم نوین موردپاکسازی وتصفیه قرارگرفت . تحت رهنمودهای مشاورین امنیتی اتحادشوروی وآلمان شرقی، که اخیرالذکر بعدازکودتای هفت ثورسفارتخانه اش رادرکابل کشود ، علاوه بریک سازمان پولیس غیرنظامی وملکی، خلقی ها در امرروی کارآوردن یک سازمان پولیس مخفی که بنام (اگسا) باشدنیزدست اندرکارشدند .

باروی کارآوردن وایجادمراکزشکنجه واختناق و استنطاق درطبقهٔ زیرین وتحتانی وزارتخانه های مختلف ومنازل مصادره شده درمرکزافغانستان(اگسا) به (کام) شهرت یافت ، البته دردوران امین وببرک که بنام (خاد)

افغانستان می باشدکه‌با مروروزمان ازخاطره‌ها محو و خاموش میشود . .

این داستان تراژیدی مصادف به‌بیستم اپریل ۱۹۷۹، تقریبا یکسال بعداز سپری شدن انقلاب ثورمی باشد. یک ستون ازتانک ها ونفربرزرهی حکومتی که‌به‌امتداد سرک خامه‌وتخریب شده به‌آهستگی به‌سوی یک روستای گلی وسنگی درولایت کنرکه‌درشرق افغانستان موقعیت دارددرحرکت بود، می باشد (کیرالی یک اجتماع خیلی عقب افتاده زارعین که‌درحدودپنج هزارتن ازسکنه‌ءآن که‌غالبا پشتون ها می باشندکه‌به‌فاصله‌دوازده‌میلی ازگذرگاه "راغانی" که‌به‌جهت رسیدن به‌این روستا ، یکی بایدراه‌ومسیرسابق قاطرراکه‌به‌این گذرگاه‌وکوهائیکه‌با جنگلات کاج که‌بامتداد مرزپاکستان وافغانستان موقعیت داردمی باشد)وصنوبر که‌کناره‌ها وحواشی دریای کنررا تحت نظاره‌خودقرارمی دهدبایدطی کند .

به‌جانب مقابل آن، جائیکه‌معاون دریای پیچ به امتدادرودخانه‌ءاصلی که‌ازیک وادی پهناورووسیع مزارع آبیاری شده‌گندم ودرختان مثمرمی گذرد، کیرالی موقعیت دارد .

مردم روستا به‌آرامش وسکون خاطروورودنیروی مهاجم رانظاره‌وتماشا می کردند۔ نقل وانتقال افراد نظامی یک امرغیرمعمول جلوه‌می نمود . علی الرغم حملات گسترده‌ء چریکی، حکومت هنوزخطوط تدارکاتی ومواصلاتی مهم راکه‌درامتداددریا قرارداشت ، تحت کنترول داشت. نظامیان وابسته‌به‌حکومت گاه‌گاهی به‌این دهکده‌روستائی

ازآن یاد می کردند، به‌سرعت به‌مثابهٔ یکی از ناهنجار ترین دستگاه فشار خلقی ها تبارزکرد.

بسوی یک درگیری تمام عیار

درپنج آگست سال ۱۹۷۹، عصیانگران وشورشیان، نخستین مساعی وتلاش شانرا درامرسازماندهی یک جنبش و قیام سراسری درکشوربخرچ دادند، امادرنتیجهٔ عواقب ناگوار و المناک به‌خاموشی گرائید. ازهفته‌ها قبل از شایعات یک انقلاب سروصداهای به‌اطراف واکناف پخش شده‌بود. تقریبا دوماه قبل، یک قیام وعصیان آگاهانه درکابل سردست گرفته‌شده‌بود، حینیکه‌نفوس هزاره‌درچنداول به‌جاده‌ها ریختندکه‌درنتیجهٔ آن استیشن های پولیس را موردحمله‌قرار دادند. بعدازگذشت یک ساعت نیروهای امنیتی تخمینا درحدودهفت هزارتن ازمظاهره چیان را توقیف نمودند. که‌بسیاری ازآنها تحویل زندان ومحابس شدند، که‌آثار وعلایم زنده‌بودن آنها دوباره‌شنیده نشد. چون محرومیت وخشم مردم درمقابل رژیم ریشهٔ عمیق داشت، جانب مقابل چنین احساس نمودکه‌اقدامات چندی درزمینه‌سردست گرفته‌شود. حکومت مستقرکرملین درکابل بیش ازپیش خصلت تروریستی وآدمکشی اش را برملامیساخت، فریدیکتن ازاعضای باندمقاومت وتروریست شهری ومتعلم لیسه، آن دوران را بخاطرمی آورد. قطعنامه‌ها واوراق تبلیغاتی اخطارآمیزوشدیداللحن که‌حاکی ازآمادگی مردم دربرابرانقلاب باشدتوزیع وپخش گردید. کانون وهستهٔ اینگونه عملیات وفعالیتها درقلعهٔ بالاحصار بودکه علایم

مخصوص درا مریورش وحمله را صا درمی کرد .

جبههٔ مبا رزین مجا هدین ا فغا نستا ن گرچه یک دستهٔ کوچکی بود ، ا ما یک جنبش مقا ومت خیلی پیشرفته ومترقی به حساب می آمد ، که نقش با ا رزشی را با زی میکرد ، طبق پلان، با بدست آوردن را دیوکا بل، ا نقلاب و قیا م های هم زما ن را با آن درسرا سرکشورا نسجا م می بخشید .صا حب منصبا ن برجسته درقوا ی نظا می به شمول کمونیستها ی نا ـ را ضی که دررأ س آنها دگرمن سیدگل ا حمدقرا ردا شت ،درین ا مردخیل بودند ، که برخی ا زا نها جهت سهمگیری درین امر به مشا غل ووظا ئف شا ن ا دا مه میدا دند . ا ین طرح قرا ربود درا وا سط روزصورت گیرد . مغشوش سا ختن برودکا ست ونشر ا خبا ررا دیوکا بل طبق پلان قبلی، به مثا به ٔ علایم مشخص برا ی مبا رزین ورزم آورا ن درسا یرشهرک ها وا یا لا ت و بطورمجموع درمسا جدبود ، به شما رمیرفت . بخا طر نفا ذ حکومت نظا می، کا نونها ومرا کزمذهبی یگا نه جا یگا ه مناـ سب درا مرپیشبردا ین مرا م به حسا ب می آ مدند ، ا زینکه کدا م سوء ظنی نسبت به آنها به عمل آیددرمسا جدجهت ا دا ی فرا یض دینی ومذهبی جمع میشوند .

ا جتما ع دربین جا ده ها با شعا رها ی نظیر (ما ا فغا ـ نستا ن را به قبرستا ن روسها مبدل خوا هیم سا خت ویا مرگ برسوشل ا مپریا لیسم روس) به ما رش آغا زکردند . طوریکه تظا هرا ت روبه گسترش میرفت ، چنین توقع میرفت کـــه عسا کرا فغا نی با رزم جویا ن ا سلامی درجهت توزیع سلاح ا ز سلاح خا نه ها ی دولتی ملحق میشوند . ا ما متأ سفا نه سه تن ا زا عضا ی(ا گسا)با ندا طلاعا تی(ا گسا) عمیقا نه به دا خل

صفوف مجاهدین رخنه کرده بودند. وبه مقامات مربوطه در امر احضار نیروی فوق العاده وتقویتی جهت برقراری امنیت در اطراف ومجاورستیشن رادیوکابل اخطارهای قبلی صادر کردند. مجاهدین ورزم آوران توانائی آنرا نداشتند که علایم شان را از ورای امواج رادیو پخش کنند. ویارای آنرا نداشتند که در مقابل این آرمان اصلی وهدف اساسی به اقدامی متوسل شوند. بنابران گل احمد پیشا پیش این عملیات قرار گرفت. برخورد ونبرد در بالاحصار آغاز گردید، نامبرده توأم با رزم آوران ومتمردین بسیاری از صاحب منصبان وابسته به جناح خلق ومشاورین روسی را در داخل بقتل رسانیدند. با فرا رسیدن ساعت یک بجهٔ بعد از ظهر، متمردین ورزم جویان که درین اثنا با تانکها وسلاح سنگین که از دشمن بدست آورده بودند، دران اندیشه بودند که از حریم ومحوطهٔ دژ خارج شده وبا بقیه مردم در خارج از آن ملحق شوند. اما قوای حکومتی که بطور علنی طبق قرار ورهنمودهای مشاورین نظامی شوروی دست اندرکار میشدند، درحال انتظار بسر می بردند. زمانیکه قشون تقویه شده با تانک وزرهپوش حکومت موضع اش را گرفت، هواپیما ها وهلیکوپترهای جنگی این قلعه را (بالاحصار) با حومه واطراف آن برای شش ساعت متوالی مورد بمباردمان قرار دادند، که درنتیجهٔ آن چندین هزار تن از مجاهدین به شمول مردم غیرنظامی به شهادت رسیدند. وبسیاری از صاحب منصبان که از ین بمباردمان جان سالم بدر برده بودند، توقیف شدند، واگردرهمانجا فی الفور تیرباران نشدند، روانهٔ محابس وزندانها گردیدند که درانجا تحت

شکنجه قرار گرفته و اعدام شدند .

درحالیکه در ولایات تظاهرات دسته جمعی برنامه ریزی شده بخاطر عدم وصول اطلاعات لازم هرگز به وقوع نه پیوست . علی الرغم این فاجعهٔ بزرگ و آنی، حادثه و پیش آمد بالاحصار در افغانستان فعلاً "گذشته از مفاهیم اصلی در ردیف مشابه با آن پیش آمد و حادثه ای قرار می گیرد که در (الامو) ایالات متحده رخ داد .

تصفیه و پاک سازی و بی امنیتی

در اثنای کودتای امین علیه تره کی در سپتمبر سال ۱۹۷۹ تصمیم در امر ادامه مقاومت در برابر سلطه کمونیستی در کشور شدت می گرفت . مامورین ملکی استادان پوهنتون کابل، دکتوران، متعلمین و سایر اعضاء و سازو برگهای برگزیدهٔ تحصیلکرده ، بشمول اعضای جناح پرچم ، به نحوی از انحاء خودشان را از بازار ، خانه ها و محل کار مخفی می ساختند . چه حیات بسا از آنها به خطر مواجه بود و یا اینکه حیات آینده شانرا مواجه به خطر می دیدند . راه فرار را بخارج از کشور در پیش گرفتند ، قسما به اروپای غربی و امریکای شمالی، و بقیهٔ آنها جهت ملحق شدن در گروه مقاومت پاکستان را برگزیدند . همچنین یک سلسله پرابلم های در داخل حکومت نیز وجود داشت که پاره از ان تصفیه و پاک سازی مداوم و مستمر در برابر جناح پرچم بود ، و بدینوسیله امین چه بسا از اعضای جناح خود را با حرکات دیوانه وار و شوریده و بیجا در خنه و لکه دار ساختن جناح خودش خلق، عمدتا تره کی، شک و تردید حامیان و دنباله روانش

را بخاطرانحراف سیاسی ویا توطئه‌چینی برانگیخت . ودر این اثنا شوروی نیزباشتاب هرچه‌بیشتردست اندرکار شد ودراخیردسمبر ۱۹۷۹، درداخل جناح خلق یک رخنهٔ بزرگی پدیدآمد . دردوران زمامداری سه‌ماههٔ امین، امنیت به طورکلی ازهم متلاشی شد ، مسافرت زمینی بین شهرها فوق العاده‌خطرناک جلوه‌می نمود . فعالیت وسرگرمی های مجاهدین گاهی به‌مسدودشدن ومتوقف ساختن شاهراه های عمده‌واصلی برای چندین روزمی انجامید . وسایط نقلیه که‌بین شاهراه‌هرات وقندهاردرحرکت بودند ، باوسایط نقلیه مجهزباسلاح، آن ها به‌مسافرت شان ادامه‌میدادند، وخارج ازشهربخاطرایجادخطرتازمانیکه‌مسیرآنها مصئون نمی بود ، حرکت نمی کردند . امااین حرکات محتاطانه آنها بهیچوجه‌مانع ازعملیات مبارزین ومتمردین درامر ایجادتخریب ووقفه‌دررفت وآمدوسایط نقلیه‌نمیشدگذشته ازآن یکسلسله‌اززاوضاع متشنج دیگری نیزبران افزوده شدکه‌بااستفاده‌ازاوضاع مغشوش ومتشنج برخی ازافغانها، گاهی نه‌بشکل رهزنان حرفوی ومعمولی،بلکه‌خودرادرقیافه مجاهدتمثیل میکردندوبه‌راهزنی شان ادامه‌میدادند .

چریکها درحملات شان کمتربه‌اینگونه‌موضوعات‌اعتنائی می نمودند . سابقا ، آنها وسیله‌نقلیهٔ کوچک وبزرگ را خودشان انتخاب میکردند ، خصوصا وسایطی راکه می دانستندکمونیستها راانتقال میدهد . به‌قول یکی از دیپلوماتهای اروپای غربی دراواخرسپتمبر۱۹۷۹ادرکابل که‌باموءلف این کتاب مذاکره‌نموده (حالاآنها هرآن چیز یکه‌به‌نظرشان بخوردموردهدف قرارمیدهند) واین موضوع

پاره‌ازمردم را ازآنها رنجانیده‌است . زنان واطفال نیز قربانی اینگونه پیش‌آمدهای نامناسب قرار می‌گیرد ، بدون اینکه متمردین ومبارزین بپرسندکه‌این گروه‌از چه کسانی حمایت وپشتیبانی می کنند ، به‌قتل میرسانند .

مردم ازحرکت ومسافرت دچار رعب ووحشت شده‌بودند مگربا آنهم مجاهدین به‌هدفهای خودبا اعمال فشاربالای حکومت ، عدم توانائی حکومت رادرجهت برقراری امنیت ومصئونیت ، وکنترول آن درمناطق روستائی وخارج از شهرهای عمده‌ناگزیرمی ساختند .

حتی گاهی چنین اتفاق افتاده‌که‌اتباع خارجی را نیزموردهدف قرارداده‌اند . دریک حادثه‌یک عراده‌وسیله نقلیه (میجیک بس کمپنی امستردام) یکی ازشرکتها ئیکه درین اواخربه‌اینگونه عملیات وفعالیتهای سفری ازراه زمینی ازطریق افغانستان به‌هندوستان که‌مسیرهیپی ها میباشد (هیپی ها ـ اصطلاح معمول ومتداول که‌در اواخر ۱۹۶۰ به‌افرادواشخاصی اطلاق میشودکه‌اززندگی مدنی و ماشینی ، قراردادوپیمان های اجتماعی وموءسسات اجتماعی دوران خودرا موردتکذیب ونکوهش قرارداده‌وشخصیتش رابا برتن کردن لباس های غیرمعمول ، وکاروبارمغایر موءسسات اجتماعی دوران تمثیل میکنند) ، "مترجم" دربخش جنوبی مملکت موردحمله‌قرارگرفت که‌یک تبعهٔ سویسی و کانادائی به‌قتل رسیدندویک تبعهٔ استرلیائی به شدت مجروح شد ، دراثنائیکه‌شلیک های مرمی ازسنگلاخهای مجاوربه‌کلکین های وسایط نقلیه‌اصابت کردکه‌غیرقابل رویت بود . دراوایل سپتمبر ، شش تن ازتبعهٔ المان غربی که‌درحومه‌واطراف کابل به‌سیروسیاحت برآمده‌بودند

غربی که‌درحومه‌واطراف کابل به‌سیروسیاحت برآمده‌بودند کشته‌شدند . یک نرس وقابله‌ٔ انگلیسی زبان در اثنای مواجه‌شدن با مجاهدین با چنین سرنوشت مشابهی بر خورد وبانا له‌وفریاد ، بی بی سی - بی بی سی چنین وانمود میکردکه‌وی تبعهٔ روس نیست .

جامعهٔ بین المللی درپایتخت افغانستان اتباع خودرا ازان خارج می سازندویااینکه‌درنتیجهٔ انکشاف ودگرگونی اوضاع ، تعداددپلوماتهای خودراکاهش میدهند . ایالات متحده‌امریکا نیزتقریبا برخی ازاعضای سفارتخانه وفامیل آنها رابعدازحادثهٔ قتل سفیرامریکا در کابل تخلیه‌کرده .

اتباع کانادائی، آلمان غربی وجاپان نیز وابستگان خودراازین کشورخارج ساخته‌اند ، در حالیکه بریتانوی ها بااستفاده‌ازفرصت اعضای سفارت خود را با کلیه‌کارکنان آن درپرواز عاجل، به‌انتظارانکشاف اوضاع می باشد . سفیرکانادادردارسلام آباد (دگلس سمال) که‌در عین زمان سفیرغیرمقیم درکابل نیزمی باشد ، به‌موضوع چنین اشاره‌نمود ، که‌عدم توانائی وقابلیت حکومت در امرکنترول وبررسی اوضاع مغشوش ومتشنج وبی امنیتی درکشور ، ما را واداشته‌است که‌طبق تصمیم به‌اخراج وتخلیه کارمندان سفارت کانادادرکابل، بپردازیم .

هواپیمای ملی آریانا افغان، که‌توسط پیلوتهای پان امریکن به‌فعالیت درمی آید ، چنین اظهارداشت که کلیه‌اموال ودارائی های شخصی اش رااز آن کشوربرداشته است وصرف زمانی به‌پروازاقدام خواهدنمودکه‌شرایط و

اوضاع مطلوب ومناسب برای ما فراهم گردد؟ من بیگناه ومعصوم میباشم، هروقتیکه بخواهم میتوانم ازانجاخارج شوم ، یک پیلوت زمانیکه شانه هایش را بالا می انداخت چنین اظهارداشت :

پیلوتهای امریکائی، طورشایدوبایدبگونهٔ سایر رفقای افغانی خودچنین می نمودکه درهرزمانیکه بخواهند میتوانندازان کشورخارج شوند، این گفتار پیلوت امریکائی بودکه درفرودگاه هوائی فرانکفورت به زمین نشست . جای ما را پیلوتهای روسی گرفته بود، با مواجه بودن سفربه خطر، چه بسا ازپروژه ها وپروگرامهای انکشافی موءسسه ملل متحددرکشوربحال عاطل وباطل درمانده اند (ما بسان کاغذی که اینسووآنسودرحرکت وجنبش است مشابهت داریم، ودرینجا برای ما حیثیت یک سیاه چال وجهنم است که باید ازآن خارج شویم. یکی ازانسجام دهندگان امورچنین اشاره نمود: یک متخصص وکارشناس لبنیات ، که اومعمولا"دریک ماه چندین مراتب جهت رسیدگی ونظارت ازپروژه های لبنیات در صفحات شمال کشورجهت تهیه شیر تازه، ماست وپنیربه شهرکابل، مسافرت می نمود ، روی علل خاص مسافرتش را تا اخیرماه تابستان به تعویق انداخته است . گرچه نامبرده ازطرف مردم محل یک چهره شناخته شدهٔ خوبی بود، اوچنین توضیح دادکه او بزودی فروشگاهش را به خاطریک سلسله پیشآمدها خواهدبست . .

اختناق و وحشت پولیس، تخلفات ازحقوق انسانی وکرملین

با رویکارآمدن پولیس مخفی ازسال ۱۹۷۸به اینسو،

که عمدتا مسئولیت آنرا مشاورین امنیتی آلمان شرقی به عهده داشتند ، دردوران قبل ازرژیم کمونیستی درکشور ، شبکه های مخفی اطلاعاتی ویا دستگاه ضبط احوالات کشور ، غالبا به فعالیتهائیکه با وحشت وارعاب وانتهای بیرحمی وقسی القلبی توأم بود شغل شان را به پیش می بردند ، اما با پی آمدهای خیلی محدود ، این موضوع درنتیجهٔ نفوذ ، ا س ا س ، با زماندگان گشتاپوآلمان تغییرودگرگونی درآن رونما گردید . با تخصص درامرسازمان پولیس مخفی ، ا س ا س ، تقریبا به مثابهٔ یک کاپیکاردمکمل دربین سایر دنباله روان مسکودربین جهان سوم چون حبشه ، انگولا و یمن جنوبی درهمه جا تجاربی اندوخته وعین مسئولیت و مکلفیت را درافغانستان نیزانجام میدهد .

درمرحلهٔ اول چون اگسا بنیانگذارپولیس مخفی افغانستان کمونیست اسدالله سروری که طبق رهنمودهای آن فعالیت میکرد ، یک خلقی متعصب ومنفوروبدنام ، به خاطرمتدها وشیوه های شکنجهای که وی دربرابر پرچمی ها و جناح مخالف متمردین اعمال میکردبنام (قصاب) و یا (کینگ کانگ) شهرت یافت او به سرعت به این سازمان جهت پیشبرد عملیات وحشت وارعاب اش شهرت خاصی داد . هم چنین بوی ایجنت شوروی ازوی احساس می شد ، به مجرد روی کارآمدن ، امین ، این عهده را به برادرزاده اش اسدالله امین سپردوسروری راازان بازداشت ونام سازمان امنیتی را به دکارگری استخباراتی موسسه تغییرنام داد ویا (کام) امین آنچه که بنام زیاده روی وبی اعتدالی دوران تره کی اش ازان نام بردووعده های درامرخاتمهٔ

کارآنها به مردم داد، اما نامبرده این سازمان استخباراتی را درامر اعمال فتنه انگیزی وتوبیخ وشکنجه مردم در یک ردیف قرارداد.

دراوایل خزان سال ۱۹۷۹، ناظرین حقوق بشرپنجاه هزارتن ازافراد افغانی را چنین تخمین کردندکه درزندان ومحابس خلقی ها درمرحلهٔ تجربوی قرارگرفته اندویا در زندانها می باشند. باارقامیکه موثوق ومدار اعتبارقرار نمی گیرد، درحدودبیست هزارافغان(حتی قرارپاره‌ای از محاسبات درحدودصدهزارتن) ازافراددرجریان عملیهٔ تصفیه وپاکسازی عملیات امنیتی درزندانها ازبین رفته اند، ویکسال بعدتردرسپتمبرسال ۱۹۷۹، سازمان حقوق بشرکه مقرآن درلندن است که بنام مصئونیت بین المللی ازان یادمی کنند، چنین مدعی شدکه تقریبا درحدوددوازده هزارتن ازافرادبنام زندانیان سیاسی بدون محاکمه در محبس خیلی بدنام افغانستان بحالت ضعف وکومه ازبین رفته اند.

این موٴسسه مصئونیت چنین خاطرنشان ساخت که محبوسین بدون محاکمه علی الفوراعدام شدند، وبقیه بعدازگرفتاری وزندانی شدن آنها ناپدیدشدند. چنین برمی آیدکه وسایط شکنجه درزمینه بکاربرده شده پاره‌ای از ناظرین چنین معتقداندقبل ازاینکه فشاروارعاب با دلگرمی دراوائل سال ۱۹۷۹ آغازگردد، زندانیان منظما" تیربارا ن شده اند. برخی منابع وابسته به حقوق انسانی درفرانسه، چنین نقل قول کرده اندکه درتابستان سال ۱۹۷۹ رفقای هم منزل درزندان پلچرخی به شکل دسته جمعی

سری میزدند- چه‌درهفته‌ها ی گذشته‌بین گروه‌ها ی چریکی که‌درگردونواحی کوه‌ها بحال اختفاء جا بجا شده بودند و عساکرافغانی که‌درقشله‌ها ی این وادی مستقر شده بود برخوردها ی زیادی به‌وقوع پیوسته‌بود- صرف روزما قبل آن، مجاهدین محلی به‌قرارگاه‌ها ی خلقی ها درچغسرا ی ، که‌یکی ازپایگاه‌ها ی امنیتی آنها درولایت بودمورد حمله ویورش قرارداده‌بودند . با وجودآن، امروز ،برا ی مسلمان ها ، یک روزآرامش ونیایش محسوب می شد- توافقی که حاکی ازعدم درگیری وبرخوردبین دوجانب مقابل باشد کم وبیش درایام جمعه‌مراعات می شدگرچه‌اکثریت قاطع اعضا ی حزب کمونیست درقوا ی عسکری را ملحدین تشکیل میداد ، که‌به‌ادیان سماوی معتقدنیستند ، واکثریت قاطع مجلوبین درخدمت نظام را مسلمانها ی خوب تشکیل میداد .

وسایط نقلیه‌درخودمحل واطراف وجوانب آن موقعیت گرفته‌بودودرحدوددوصدتن ازافرادپولیس ونیروها ی مسلح نظامی درمحل حاضربودند- درحالیکه‌برخی ازآنها بحال آماده‌باش به‌نزدیکی تانکها ی خودمراقب اوضاع بودند ، وقسما با سرعت هرچه‌بیشتردراطراف واکناف محل منتشر و پراگنده‌شدند . درپهلوی آنها بیست تن ازمشاورین شوروی دریونیفورم افغانی قرارداشتند .

(به‌کلیه‌افرادجهت اشتراک به‌جرگه " جلسه "که‌روی موضوعات درگیری وبرخوردباگروه‌ها ی به‌اصطلاح ضدانقلابیون، درمنطقه ، که‌عبداللطیف درزمره‌یکتن از افراد وابسته‌به‌پولیس حکومت دوران پیشین بودکه‌بعدها به

درگودالها ئیکه کنده شده بود زنده بگور شدند و بعداً توسط بلدوزرها روی آن خاک پاش داده شد، که تعداد زیادی درین سانحه حیات شان را از دست دادند بعداز کودتای امین مطابق لستی که به نشر سپرده شده بود تعداد قربانیان این زندان لعنتی را در دوران تره کی به هفده هزار تن از افراد رسانده بودند. چیزی را که او توانست روی آن تبصره نماید چیزی بود که شخصاً بسا ازین فجایع را در ان دوره مورد بازرسی قرار میداد.

به تعقیب مداخله شوروی در افغانستان، زمامدار نوین ببرک چنین اندیشید که این لکهٔ بدنامی دوران سلف را در نتیجهٔ به بادناسزا گرفتن آنها و وارد کردن اتهامات علیه آنها در امر عدول بیش از حد افراطی امین (قصاب منفور) و تمثال ننگین (پ د پ ا ی) شستشو و پاک نماید. شوروی ها در آرزو و آرمان شان روی این موضوع که با از بین بردن امین توسط عروسکها و دست نشانده های افغانی اش موجب قدردانی مردم افغان واقع شود و هم بمثابهٔ تخته پاک از آنها استفاده کند شک و تردیدی بخودراه نمی داد. گذشته از به عقب برگرداندن اصلاحات و رفورم های مشخص، مورد تکذیب قراردادن پالیسی ضد اسلامی امین، و اعلام رژیم دست نشانده مسکو به اصطلاح به پاس احترام دستآوردهای ملی و ارزشهای تاریخی، آزادی چندین هزار زندانیان سیاسی را با مصئونیت پرطمطراق که تیراژ نشراتی کشور مملو از ین موضوعات بود در جنوری سال ۱۹۸۰ دست اندرکار شد. فلهذا فشارها و بازداشت های سیاسی به گونهٔ سیستماتیک، در دوران اشغال کشور توسط شوروی،

اگرزیاده‌ترنبوده‌باز‌هم ادامه‌داشت . .

محبوسین وزندانیان که‌ازمحبس پلچرخی آزاد شده بودندچنین ادعاداشتندکه‌مشاورین آلمان شرقی وشوروی درجریان استنطاق وشکنجه‌توسط (اگساوکام) حاضر می بودندویاجلسه‌هائیکه‌روی موضوع شکنجه‌زندانیان صورت میگرفت مطلع بودند. ناراضیان حکومت وکسانیکه فرار رابرقرارترجیح دادندبه‌تائیداین موضوعات پرداخته‌اند. امّاغالباآنهارادردهلیزهای محبس می دیدیم، گفتاریک تن ازمحبوسین سیاسی هم اطاق درمحبس پلچرخی است ، که‌استادپوهنتون کابل بودکه‌درنتیجهٔ صدورفرمان عفو عمومی اززندان آزادشد. (ما معمولا"موردسوال وپرسش قرارمی گرفتیم. (البته‌توسط افغانها) بعدآنهاپارچه های جواب مارابه‌اطاق دیگریکه‌مشاورین روسی دران قرار داشتند، می بردند. ماصدای آنهارامی شنیدیم. و آنها رامی دیدیم. بعضی اوقات شبهادرسلولهای زندان سرمی زدند. بعدازمداخلهٔ شوروی درافغانستان چنین مینماید که‌کا،جی،بی واس‌اس‌دی درواقع کلیه‌فعالیتهای اطلاعاتی واستخباراتی رادراختیارداشتندوکاروبارشان با محبوسین سیاسی بود. محبوسین وزندانیان سابق نیزپیرامون موضوع مراقبت وبازرسی منظم زندان راتوسط ناظرین اروپای شرقی حکایت می نمود. .

دراوایل سال ۱۹۸۰، شرق شناس امریکائی بنام (مایکل بیری) که‌به‌زبان فارسی وپشتوبه‌روانی وفصاحت صحبت میکردودرضمن ازیک معلومات ودانش گسترده ای راجع به‌افغانستان برخورداربود، درضمن یک ماموریت

ومکلفیت از طرف فدراسیون بین المللی حقوق انسانی ، به پاکستان غربی مسافرت نمود . دراینجا نامبرده با بسا از مهاجرین وپناهندگان وکسانیکه از خدمت به حکومت سرباززده وبه این سوی مرزآمده بودندوبا جنگجویان مبارزمصاحبه های زیادومفصلی پیرامون وحشت وارعاب حکومت به عمل آورد . گزارشهای نامبرده به گونهٔ واضح وروشن به وحشت ها واختناق غیرانسانی که قبل ازاشغال شوروی ودرآستانهٔ اشغال وبعدازاشغال کشورتوسط شوروی هابا شد، اشاره می کند .

یکی ازین شخصیت ها که با وی مصاحبه به عمل آمده ، عبدالله عثمان، استاد پوهنحی طب پوهنتون کابل میباشد که نامبرده درنومبرسال ۱۹۷۹ دردوران سلطهٔ حکومت امین زندانی شدوبعداطبق فرمان عفوعمومی در دوران حکومت ببرک اززندان آزادشد . نامبرده ازاعدام ها وتیرباران های منظم محبوسین درمحبس پلچرخی صحبت نمود . دست های محبوسین بسته بود ، چشمان محبوسین با یک پارچهٔ نوارسیاه پوشیده بود ، وبااکراه وارعاب برای بالاشدن به یک وسیلهٔ نقلیهٔ باربری سوق داده می شدند، اوموضوع راچنین ارزیابی کرد .

بعدا آنها به یک اراضی درپولی گون درقسمت تحتانی تپهٔ چهارکه درحوالی مرکزپایتخت قرارداشت یک منطقهٔ که دربین افغانها بنام میدان اساسی اعدام رژیم شهرت داشت ، منتقل ودرآنجا طبق شواهدوادن گواهی،زندانیان درامرکندن وحفرگودال های بزرگ که به مثابه قبر آنها کارمیداد ، ناگزیرساخته میشدند . بدین معنی که هر

کس قبرستا ن خودش را خودحفرکندبعدا آ نها بوسیله ماشیندار ها تیربا را ن می شدند ، چه‌زنده وچه‌مرده‌به‌زیرخا ک سپرد ه می شد . زما نی ا ست که‌عثما ن ا زسلول پنجره‌ها ی زندا ن ا ش یک دسته‌ٔ دوا زده‌نفری ا زهم ا طا ق محبس خودرا که برا ی تیربا را ن شدن جمع آ وری شده‌بودندنظا رت میکند .

قبل ا زترک محبس ، دوزندا نی، با چشما ن و هر دو دست بسته ، درک کردندکه‌چیزی پیش آ مدنی ا ست .با حمایه محا فظین وآ نها ئیکه‌دروسیله‌ٔ نقلیه‌بزرگ یا لاری ، قرا ر دا شتند ، آ نها ا سترحا م وعا طفه‌ٔ ا سلامی را ا زآ نها تقا ضا دا شتندکه‌ا زجرم آ نها منصرف شوند ، وتا ا ندا زه‌ٔ مقا ومت به‌خرچ می دا دند .... برخوردآ غا زیا فت . زندا نیا ن بی دفا ع با دست ها ی خا لی دربرا برمحا فظین مسلح درآویختند با نعره‌ها ی (ا لله‌ا کبر) خدا بزرگ ا ست با ما ملحق شوید ، بما یا ری رسا نید ، ا ین یک رژیم کمونیستی ا ست ، یک رژیم غیرا نسا نی، آ نها شما را به‌مثا به‌ٔ ما خوا هند کشت ، دسته‌دسته‌همه‌ٔ شما را به‌قتل خوا هدرسا ند .

کسا نیکه‌درسلول ها ی زندا ن قرا ردا شتندنمیتوا نستندبه‌کمک ویا ری ا ین مظلوما ن بشتا بند ، ومحا فظین نیز جهت ا رعا ب آ نها شلیک ها ی هوا ئی نمودند .

ا ین کش وگیرتا حوا لی سا عت چها رصبح ا دا مه‌دا شت . بسا ا زمحبوسین که‌ا زسلول ها ی شا ن خا رج سا خته شده بودندچنین پندا شته میشدمرده‌ا ند .... پنج یا شش تن ا ز قربا نیا ن ا ین حا دثه‌ٔ رقتبا ر ، که‌کلیه‌ٔ آ ن مجروح بودندبه‌دفترقوما ندا ن منتقل شدند .... درا نجا وی با آ ن ها چنین ا ظها ردا شت :

(شما نمی توا نیدجزسگ چیزی دیگری با شید ، ما مرمی ها ی خودرا برا ی سگها ضا یع نمی سا زیم . ا وبعدا به‌ا فرا د زیر دست خودا مریه‌ٔ صا درکردکه‌با ضرب وشتم وکتک آ نها را ا ز پا درآ ورند .).

سیدعبدا لله ، قوما ندا ن بی عا طفه‌وسنگدل زندا ن پلچرخی، خودش پسا نترتوسط یک زندا نی به‌قتل رسید و روا نه‌ٔ جهنم شد ، طبق شها دت لست ونا م آ نها ئیرا که‌باید ا عدا م می شدندبر روی دیوا ر ا طا ق ها ی آن ها هموا ر ه نصب می بود . زما نیکه‌متهمین به‌وسا یطیکه‌درا نتظا رشا ن بودرهنما ئی شدند ، عبدا لله‌درین ا ثنا دریکطرف دروا ز ه رفت وآ مدمحبوسین را نظا رت میکرد ، یکتن ا زمحبوسین‌که درمقا بل پنجهزا رروپیه (۱۲۰) دا لریک خنجررا ا زمحا فظ بدست آ ورده‌بود ، زما نیکه‌ا زصف عبورمیکرد ، خا رج شده‌و با یک جست قبل ا زآ نکه‌توسط محا فظ ا زپا درآ ورده‌شودیک ضربه‌کا ری خنجربرروی‌شکمش وا ردکرد . درمقا بل. مقا ما ت چهل وچها رتن ا زهم ا طا قی ها ی وی را تیربا را ن نمودند. محبوسین درنتیجه‌ٔ ا ندا ختن آ نها به‌سیا ه‌چا ل ویا مسترا ح حیا ت شا ن را ا زدست دا دند . زما نیکه‌فرما ن عفوعمومی درجنوری سا ل ۱۹۸۰ ا علام شد ، زنا ن جهت ا حوا ل پرسی‌ا ز شوهرا ن شا ن توأ م با ا طفا ل خودبه‌زندا ن می آ مدند . زما نیکه‌آ نها نمی توا نستندآ نها را ببینندتوده‌ٔ کثا فت را به‌آ نها نشا ن میدا دند (آ نها با سوته‌چوبها ی درا ز جهت پیدا کردن ا جسا دوا بستگا ن شا ن دوروپیش مسترا ح را مورد با زجوئی قرا رمی دا دند . با فروبردن چوبها درکثا فا ت یکی ا زرفقا ی ا طا ق که‌درهما ن زما ن ا ززندا ن رها ئی

یا فته‌بودبخا طرآ ورد . (زنا ن نا له‌وفریا دبرا ه ا ندا ختــه بودند) . .

مسا یل بی شما ری، به‌شمول مصا حبه‌ها ی (بیری) در را بطه‌با قتل عا م درروستا ها چه‌قبل ا زا شغا ل کشورتوسط شوروی با شدوچه‌بعدا زا شغا ل کشورتوسط آ نـها ، وجوددا رد.

درا خیرما ه‌ا پریل، وا وا یل ما ه‌می سا ل ۱۹۷۹، بـــا خشونت ودرشتی درعین زما ن به‌مثا به‌ٔ قتل عا م و کشتا ر دسته‌جمعی(کیرا لی) درا سعدا با دمربوط ولایت کنر ،قوا ی حکومتی قرا رحسا ب درحدودپا نزده‌صدتن ا زجوا نان‌را عمدتا هزا ره‌درصفحا ت شما ل کشوروولایت سمنگا ن که‌هم مرز بـــا شوروی ا ست‌بخا طرا زبین بردن وقتل ما مورین خلقــی در نتیجه‌ٔ ا ستعما ل گا زبدریا پرتا ب شا ن کردند . . . طبــق گفته‌ٔ یکتن ا زگروپ مقا ومت هزا ره‌جا ت که‌سا بقا دا را ی پست عا لیتری دردفترفرهنگی حکومت بعهده‌دا شت ،بمو ـ ضوع چنین روشنی می ا فگند ،(دستها ی آ نـها را بستــه و چشما ن آ نـها هم بسته‌بعدا به‌دریا ی آ موآ نـها را پرتا ب مـی کردند . قبل ا زپرتا ب به‌دریا ی آ مودست ها وچشما ن آ نـهـا را می بستند . ا ما با آ نـهم ا ین نا معلوم ا ست که‌به کدا م تعدا دا فرا دا زبین رفته‌ا نداین حا دثه‌ا زجا نب دیگرمطا بق شوا هدومدا رک موردتا ئیدقرا رگرفته‌ا ست .طبق‌اظها ر و ی مشا ورین روسی‌درینگونه‌مسا ئل وپیشآ مدها حا ضربودند . .

دستگاه اطلاعات و استخبارات «خاد»

ازدوران اشغال کشور توسط شوروی، دستگاه خدمات اطلاعات دولتی یا ضبط احوالات حکومت (خاد) به مثابهٔ یک حربهٔ نیرومند و مهیب در رابطه با امنیت و مصئونیت کشور خود ساختهٔ آنها تبارز کرده است. طوریکه در بسا از رژیم های توتالیتاریان (سلطهٔ یک حزبی درکشور) معمول است، که توقیف یا ارعاب همشهریان با کاربرد و استفاده از پولیس مخفی یک شکل و یا منظرهٔ از تدبیر و یا شیوهٔ رژیم در امر سرکوب کردن مخالفین داخلی است.

فعالیت های گسترده ای (خاد) جمع آوری اطلاعات، رخنه و نفوذ کردن در بین گروه مقاومت ملی، نشر اطلاعات دروغین و کاذب، و مرور کار محبوسین سیاسی در بسا موارد در برابر چریکها طرح های آن خیلی موءثر ثابت گردیده تا یک حملهٔ نظامی بزرگ ـ بدین معنی که نسبت به یک حملهٔ نظامی بزرگ طرح های وابسته به این دستگاه موءثریت بیشتری داشته است. خصوصا رول فزایندهٔ شوروی در موءثریت تاکتیک های (مشی تفرقه بینداز و حکومت کن) خیلی زیان آور و خطرناک است.

بعد از تجاوز و اشغال روس ها در افغانستان، شوروی ها به معاونت و همکاری (ا س ا س د) سازمان استخباراتی که به (کام) و سرانجام به (خاد) تجدید سازمان یافت، دکتور نجیب الله، سفیر سابق دوران تره کی در تهران وابسته به جناح پرچم را به حیث مدیر این سازمان اطلاعاتی برگزید.

همچنین نامبرده به حیث رئیس دفتر عشایر و قبایل

وملیت ها ودرعین زمان وی عضوبرجسته وفعال کمیته مر - کزی حزب دیموکراتیک خلق افغانستان نیزبودومسایل و جریانات را مستقیما به (کی،جی،بی) گزارش میداد .

باداشتن تخصیصیه وبودجهٔ فراوان که مستقیما " از چینل کرملین صورت می گیرد ، این سازمان اطلاعاتی و استحباراتی (خاد) تقریبا درحدودپانزده الی بیست هزار نفردارای ایجنت های آموزش دیدهٔ کارتمام یا فول تایم بکارمشغول بوده اند . چه بسا ازین ایجنت ها جهت کار آموزی بیشتربه اتحادشوروی ویا بقیهٔ کشورهای بلوک شرقی، خصوصا به آلمان شرقی برای مدت نه یا ششماه فر - ستاده شده اند .

طبق گزارش های واصله ازمنابع اطلاعاتی غرب ، این کارآموزی افرادشامل تعلیم وآموزش آنها روی شیوه های استنطاق وشکنجه به محکومین می باشدوگذشته ازان در حدودصدهزاریا بیشترازان ازمردان وزنان کشورنیز از مدرک جاسوسی ومخبری معاش شانرا از (خاد) دریافت مي کنند .

طوریکه وضع قبل ازسال ۱۹۸۰ حقوق بشر ، در زمینه موضوع روشنی می افگند ، کدام تخمین وارزیابی موثوق ازتعدادزندانیان سیاسی که توسط مقامات جدید گرفتار شده اندوجودنداردویا اینکه به کمپ های مربوط در اتحاد شوروی فرستاده شده باشند ، طوریکه پاره ٔ ازگزارشها در رابطه با موضوع چنین اظهارنظرمیکنند :

نه کدام تخمین وبررسی ثابت وقانع کنندهٔ نسبت به آنها ئیکه تحت شکنجه قرارگرفته اندویا اعدام شده اند

خصوصا بعدازاشغال کشورتوسط شوروی، دردست نیست .

خیردرهردوموارد، مبصرین حقوق بشری چنین می اندیشندکه بعده ها هزارتن ازافرادزندانی شده اندویابه طورآنی وفوری ازطرف سازمان اطلاعات (خاد) وبقیه ء دستگاه های امنیتی درکشور، به حیات آنها خاتمه داده شده است . طوریکه سازمان مصئونیت بین المللی دررابطه با موضوع ضمن گزارش آن موء سسه درنومبرسال ۱۹۸۴، به تخلف ازحقوق بشری، دردوران جنگ وتکذیب مکررازدخول افرادوابسته به سازمانهای بشردوستانهء بین المللی به این کشور، وچه بسا ازنشرات جهت گردآوری اطلاعات و بررسی وتحقیق ازین ادعاها به ممانعت های برخورده اند .

شکنجه وبی اعتنائی ها

تهدیدودرهم کوبیدن دروازه ویاخم وپیچ جاده ها به مثابهء یک اظهارنگرانی وتشویش برای افغانهائیکه تحت مناطق اشغالی شوروی زندگی میکردند، باقی می ماند . باورود آمدن دستهء چریکهای شهری بسال ۱۹۸۴ـ اقدامات وتدابیرامنیتی به تدریج به شدتش می افزاید . حتی کاربجائی می کشدکه وابستگی های دوروبعید گروه مقاومت که به گمان هم درنمی آیدکه چنین باشدکافی است که درزیرخانه ها ویامنازل تحتانی سلول های زندانیان که برای استنطاق وشکنجه ازطرف شبکهء استخباراتی و اطلاعاتی خادبرای چنین امری سردست گرفته شده است برسانند . یک محصل ازلیسهء استقلال که درهمان آوان ، البته بعدازین واقعه تحصیلاتش رادرسویس ادامه می داد ،

زما نیکه می خوا ست بسوی پا کستا ن فرا ری شود ، ا ز طر ف شبه نظا میا ن کمونیست گرفتا رودرمرکزبا زدا شت وتوقیف خا نهٔ درگردیزکه برا ی چها رما ه ا زوی سوا ل و جـواب و ا ستنطا ق به عمل می آ مد ، با ضرب وشتم وشوکها ی برقی که درنا حیه خصیه ها ومتبا قی حصص حسا س وجودوی به عمل مـی آ مدکه بخشي ا زتعا مل ومشا غل آ نها پندا شته میشد ، به کا ر می بردند . .

محا کما ت محرما نه ویا علنی که با نما یش گذا شتن آ ن ها درتلویزیون وا عترا ف محکومین ووا بستگی آ نها بـه (شبکه ها ی جنا ئی سی ا ی ا ی سیا ه ویا همکا ری وتبا نی آ ن ها با) نیروها ی ضدا نقلابی ا مپریا لیستی ا ینگونه جریانات ووقا یع را روی ا نظا رمردم قرا رمیدا دندوضمنا چنین وا ـ نمودمیکردندآ نها ئی را که درمخا لفت شا ن علیه مقا ما ت دولتی ا دا مه میدهندبه چه سرنوشتی دست وپنجه نرم مـی کنند . .

درما رچ سا ل ۱۹۸۲ ، دستگا ه ا طلاعا تی (خا د) پرو ـ فیسورحسن کا کر ، یک موٴ رخ نا موروشهیرکشوروسرپرست شعبهٔ تا ریخ درپوهنتون کا بل را با زدا شت وزندا نـی نمود . هفت تن دیگرازاستادا ن بخا طرا نتشا روپخش ا ورا ق تبلیغا تی ضدحکومتی وسا زما ندهی ا ز حقوق بشری تحـت با زدا شت قرا رگرفتند . توقیف وحبس آ نها بدنبا ل یـک خشم ونفرت آ نها که بطورعلنی دربین محصلین و ا ستا دا ن پوهنتون روی گسترش فزا ینده ٔ ، شوروی سا ختن سیستم آ موزشی وسبک تعلیم وتربیه کشوربود ، صورت گرفت . ا ین موضوع شا مل آ نعده ا ز ا ستا دا نی هم می شدکه در عوض آ ن

پاکستان فراری شد آنرا بخاطر داشت.) (چه هیچیک از افراد واهالی منطقه دارای تجهیزات نظامی نبودند، زنان و کودکان در مساجد جوقه جوقه جمع شدند در آنجا آنها می توانستند همه چیز را که دور و پیش آنها اتفاق می افتاد بشنوند و ببینند).

زمانیکه تعداد بیشتری از افراد ذکور در یک محل جهت جرگه اجتماع کرده بودند، صاحب منصبان افغانی توأم با مشاورین شوروی که در عقب آنها صف آرائی کرده بودند با صدای بلند زبرای اینکه گروه های ضد انقلابیون و چریکها، شریک جرم و جنایات آنها می باشند به سرزنش آنها پرداختند طوریکه بیشتر روستا ها و دهکده ها و اطراف و نواحی آنها در این استان، و بخش معدودی از افراد ذکور این ناحیه به حیث زارعین که معمولاً" کار آنها درجریان روز بوده ، و چریکها درجریان شب به فعالیت می پرداختند (افراد نظامی وابسته به حکومت بخاطر حملات مجاهدین خیلی به ستوه آمده بودند) بنا به گفته خلیل الله، یکتن از مربیان و آموزگاران باقی مانده ذکور این کشتار دسته جمعی به این موضوع روشنی می اندازد (چه آنها این موضوع را بهتر می دانستند که ما بطور پنهانی به مجاهدین، خوراک، تجهیزات، سرپناه و مقدار پول و پیسه در دسترس آنان قرار میدهیم).

عبدالهادی یک مربی و آموزگار دیگر این موضوع را بخاطر می آورد: (آنها به خاطر اینکه استاد نداروالی کنر به این منظور که کلیهٔ ما در برابر مخالفین اسلحه بردار یم که روز گذشته احکامی در زمینه از طرف مقامات مسئول صادر شده بود و ما بگونهٔ پوست کنده از ان سرباز زدیم ، ناراض

استادان که روی علل اختناق کشوررا ترک کرده اند ویاروی عمل تصفیه وپاکسازی کشوروظایف ومکلفیت استادی از آن ها سلب شده ودراواخرسال ۱۹۸۲ چهاربرپنج حصه ازاستادان درنتیجه این طرح دولتی ازکاربرکنارشده اند وجای آن ها را مشاورین روسی ومعمولا فعالین حزبی افغان که فاقدکفایت علمی واستادی می باشند، گرفته اند. همچنین فشارهای نیزعلیه سایراستادان ومحصلین غیر وابسته به حزب کمونیست جهت الحاق به حزب دیموکراتیک خلق افغانستان وجودداشت . .

استادان به ردا ینگونه اتهامات وارده پرداختند، اما بهرحال بدون محاکمه زندانی شدند. پنج تن از این استادان به انجام شرطی ویا بنابرپیش آمدی، که بعدا " طبق گزارش های واصله به دستگاه اطلاعاتی حکومت بیانیه های که درمحضرعام به حمایه وپشتیبانی ازحکومت داده بودند، آزادگشتند. برای بیش ازیکسال کمترسخنی در باره موجودیت داکترکاکروزندانی دیگرکه به فامیل آن ها اجازه داده نمی شدکه از آنها دیدن نمایند، بگوش می رسید. بعدا دراواسط ماه تابستان سال ۱۹۸۳ آنها در اطاق خلوت ازبرای جرم شان توسط یک محکمه انقلابی محاکمه شدند. چنین پنداشته می شدکه دوتن ازاستادان به ده سال وهشت سال پی درپی زندانی شدند، در حالیکه داکترکاکربه هشت سال زندان محکوم گردید، بعدا البته به زندان پل چرخی منتقل شد. درجریان دادرسی ومحاکمه داکترکاکرعلنا هم تجاوزروسیه بخاک افغانستان و هم توأمیت وبستگی آموزگاران روسی را دربین سیستم آموزشی

عالی موردنکوهش قرارداد وبا جرئت قرائت یک بیانیه تهیه‌دیده‌شد ، وآماده‌کرده‌شده‌را برروی تلویزیون ملی موردتکذیب قرارداد ، ورژیم ببرک کارمل را به‌آنچیزیکه وی بدان اشاره‌نموده‌به‌مثابه‌ٔ یک (محکوم تاریخ) ملزم قرارداد .

مواردمخالفت آشکارا وعلنی، بگونه‌ٔ داکتر کاکر ، یک پدیده‌ٔ غیرمعمول نه‌بود ، اما شبکه‌ٔ پولیسی واستخبا-راتی (خاد) چه‌بارها با کاربردفشارهای شریرانه علیه زندانیان که‌همکاری دستگاه‌لعنتی راازززندانیان مطالبه می‌نمودکه‌درمقابل ارتشاازشکنجه، تعقیب واذیت فا- میلی آنها ووعده‌های ازقبیل آزادساختن آنها اززندان ویاکاهش مدت زندان آنها را به‌آنها وعده‌میدادوکسانیکه به‌مخالفت برمی خواستندبه‌چنین عمل وحشیانه وغیر انسانی عمال رژیم خودفروخته مواجه‌بودند .

مصئونیت بین المللی وسایرسازمانهای حقوق بشری روی این موضوع صحه‌گذاشته‌اند ، که‌این گونه‌فشاروا ذیت نه‌تنها دربرابرشهروندان که‌دخالت آنها بگونه‌ٔ فعال در زمره‌گروه‌های مقاومت پنداشته میشودمتوجه‌بودبلکه هم چنین آنهای راکه‌محضاشک وتردیدهای روی مخالفت آنها با حکومت بخاطربستگی وارتباط آنها باخویشاوندان شان بخارج ازکشوربودندنیزتحت فشارقرارمی گرفتند .تقریبا درحدودهشت مرکزاستنطاق وشکنجه‌درهمان سال درکابل در رابطه‌بااینگونه‌فعالیتها شهرت یافته‌بودند ، وگذشته‌از محبس پلچرخی، مراکززندانی وبازداشت های عمده‌وبزرگ درجلال آباد ، قندهار ، فیض آباد ، هرات ، مزارشریف و

دیگرشهرهای ولایات نیزوجودداشت .

بیشترمردم درجریان شب با شبه‌نظامیان مسلح و یا افرادمسلح عسکری منازل وکاشانه‌های آنها راکه‌ازنظر جاسوسان خادمشکوک ومظنون بودند، درحلقه‌ٔ محاصره‌قرار می دادند.

هیچگونه‌استدلالی برای توقیف آنها وجودنداشت ،و فامیل آنها نیزازینکه‌بازداشت شدگان بیکجا منتقل می شوند، نامطلع بودند. چه‌بسا ازین بازداشت شدگان د و باره‌سروصدای آنها شنیده‌نشده‌است .

مواردبی شماری وجودداردکه‌مردم برای چندین ماه بدون کدام پرسان وجویان درتوقیف خانه‌وبازداشت خانها با وضع وسلوک خیلی وحشیانه‌وظالمانه‌به‌استنطاق، آزار وشکنجه‌ٔ آنها پرداخته‌می شدوبعدا بدون کدام موجب به آزادی آنها می پرداختند. برخی ازین آزادشدگان از زندان های حکومتی به‌عنوان خبرچینان وجاسوسان آنها درازای نجات اززندان درمی آمدند، وعده‌ای نیزبگونه ای ساده‌روی اشتباهاتیکه‌مرتکب شده‌بودند، در زندان وبازداشت به‌اعتراف آن برمی آمدندکه‌به‌مثابه‌ٔ یک محک برای سایرین قرارگیرد.

بدین شیوه، سازمان اطلاعاتی واستخباراتی(خاد) به‌هزاران تن ازافرادراکه‌سلسله‌آن ازتظاهرات متعلمین مکاتب عالی گرفته‌تااعضای وابسته‌به‌جنبشهای چریکی شهری به‌گونه‌ٔ مثال سازمان چریکی(ساما) بازداشت می شدند، تحت شکنجه‌قرارمی گرفتندوبه‌قتل می رسیدند.

یکی ازین قربانیان، فریده‌احمدی، محصله‌ٔ صنف

چهارم فاکولته طب مربوط پوهنتون کابل، از برای توزیع اوراق تبلیغاتی ضدشوروی، بعداز استنطاق و اذیت و شکنجهٔ وحشیانه وغیرانسانی، تا مدت چندماه درزندانهای این عروسک های آدم صفت باقی ماند، وبعداً آزادشد.

این بانوی جوان چنین اعتراف نمودکه شش تن از همنوعانش، وابسته به اعضای حزب نسوان، که کلیه آنها تقریباً هم سن وسال یک دیگربودند، نیزبااینگونه سرنوشت استنطاق که شامل ضرب وشتم، شوکهای برقی، ومجبور ساختن آنها برای دوهفته بحال ایستاده بدون اینکه کدام حرکتی کنند (بدون کدام حرکت این سووآنسو)وانتقال آنها از مجرای سلولهای زندان جائیکه سایرقربانیان این دستگاه جاسوسی ولعنتی به شکنجه واذیت آنان میپرداخت، دست وپنجه نرم میکردند .دررابطه باسایربانوان هم اطاق،وی چنین تذکرمیدهد ،بعضی اوقات درانگشتان دستها وبازوان آنها علامت زخم وبریدن نمایان بود .دراخیروی چنین اظهار داشت ، زمانیکه زنان موءظف درامرشکنجه نمی توانستند آنهارا رام کنندویا عاجزازتطبیق مرام خودمی شدند ، شکنجه گران مردویا مسئولین شکنجه به شمول یک روسی آنان را تحت شکنجه وآزاروقرارمی دادند. زمانی چنین اتفاق می افتاد، جهت ایجاد رعب وترس آن زن، یکی از مسئولین شکنجه (شکنجه گران) شخصاً چشمان متورم را ازحدقه بیرون می آورد، اما هنوزهم زنده میبود. درمحاکمات دادرسی حقوق بشردرپاریس وجنیوا وایالات متحدهٔ امریکا ، فریده اسمای بسیاری از مسئولین وعاملین این جنایات بیر حمانه را دردسترس مسئولین حقوق بشرگذاشته است .

شرارت وفتنه انگیزی ها

دررابطه‌با موضوع قرارگزارش هائیکه‌ازشرارت و فتنه‌انگیزی های شوروی وحکومت افغان به‌ناظرین و مبصرین جهان آزادوسازمانهای وابسته‌به‌مصئونیت از حقوق بشر، به‌مطبوعات ورسانه‌های خبری جهان منعکس گردیده‌مسایل بی شماری دررابطه‌با تخلف ازحقوق انسانی وفتنه‌انگیزی هادربرابرمردم بی دفاع ازطرف عمال خود فروخته‌وباداران آنها، درافغانستان به‌مشاهده رسیده است. امانا ظرین غربی صرف توانسته‌اندکه‌این جنایات رابرروی محاسبات خیلی مستندتنظیم ومرتب نمایند، به طورمستقیم آنها رایکه‌وتنها بگذاریدکه‌ناظرچنین جنایات باشنددرآگست سال ۱۹۸۴، موءلف کتاب چنین متذکرمی شودزمانیکه‌میگ ۲۷ هواپیماهای تهاجمی شوروی دیده و دانسته‌یکدسته‌ویاگروهی ازمهاجرین رابه‌نزدیکی گذرگاه شمارکه‌درشمال شرقی افغانستان موقعیت دارد، مورد بمباران قراردادندکه‌درنتیجه‌آن دست کم چهل نفر از مردان، زنان واطفال بقتل رسیدندوبه‌صدها نفرشدیدا " زخمی شدندکه‌من شاهداین صحنهٔ دلخراش بودم. .

دوسال قبل ازان سال ۱۹۸۲، منابع سویدنی وگروه مقاومت کشته‌شدن بیش ازهزارتن ازافرادغیرنظامی وبی دفاع رادرولایت لوگرافشاساخت. متکی به‌اطلاعاتیکه‌از جانب رخنه‌گران.وجاسوسان وابسته‌به‌شبکه‌اطلاعاتی(خاد) تهیه‌شده‌چنین برمی آید، که‌کمونیستها دربرابرتشریک مساعی وهمدستی محلی بانیروهای مجاهدین که‌به‌امتداد شاهراه‌استراتیژیکی کابل وگردیزبه‌عملیات مشغول بودند

به‌عقب‌ متقابل دست اندرکارشدند . درجریان سه روزحمله وتعاجم مشترک افغان وشوروی، شش دهکده توسط هلیکوپترها وهواپیماهای جنگی میگ ، ویران وشبکه‌های زراعتی وآبیاری بطورسیستماتیک واساسی تخریب ، خانه‌ها ومنازل طعمهٔ حریق واحشام وحیوانات اهلی به قتل رسیدند . .

دراخیرهمین سال، کشتاردسته‌جمعی وقتل عام (پادخواب) که‌مربوط ولایت لوگراست ، به‌چنین سرنوشت وحشتناکی مواجه‌گردید ، که‌درنتیجه‌این رویداددرحدود یکصدوپنج نفرازمردم بیدفاع وملکی درکاریزهای زیرزمینی که‌به‌منظورآبیاری ازان استفاده‌به‌عمل می آید توسط قوای شوروی بااستعمال گازخفقان، خفه‌شدند و سوختند . که‌بخشی ازین شواهدبگونهٔ مفصل درراتبطه باگشانی است که‌ازین فاجعه‌به‌نحوی ازانجا ن سالم بدر بردند ، این رویداددرمحل واقعه‌توسط یک کمیسیون مخصوص بین المللی دفاع ازحقوق بشری که‌انسجام دهنده آن یک فرانسوی ویک کارشناس ایتالوی متخصص قانون و حقوق بین المللی است ویک نژادشناس امریکائی اعضای آنراتشکیل میدهندمی باشد) که‌ازجانب دومین دیوان محاکمات وداذگاه‌دائمی مردمی پیرامون فجایع وشرارت های ناشی ازمداخله‌شوروی درافغانستان باتبانی سرمداران خودفروخته ، دراواخرنوامبرسال ۱۹۸۲ادرپاریس موردرسیدگی وبازجوئی قرارگرفت . ماچنین استنباط گردیم که‌به‌حیث یک کمیسیون ویاهیئت ، مکلفیت و مسئولیتی راکه‌به‌عهده‌داریم لازمی است که‌اقلا" یک

پنا هنده نیز پیرامون فجایعیکه درافغانستان می گذرد اظهارنظرکند ..... ازینکه نشان دهیم آیا همان مطالب را که مهاجرین روی آن روشنی می اندازند با آنچه واقعا در افغانستان به وقوع می پیوندد مطابقت دارد، نظر یکتن از اعضای کمیسیون درراَبطه با موضوع است .

طبق شواهد و بررسی وتحقیقات کمیسیون، قوای روسی دراثنای سحرگاهان به دهکدهٔ (پادخواب) مواصلت کردند. قربانیان این فاجعه، هم از اهالی روستاها وقریه وهم پناهندگان ومهاجرین راهی پاکستان را تشکیل میداددر کاریز پناه بردند، که یک شبکهٔ آبرسانی زیرزمینی است، واین زمانی است که پناهندگان و اهالی قریه قوای شوروی را با همکاری قوای مزدورمشاهده میکنند. زمانیکه شوروی ها چنین دریافتند که یک تعداد مردم درکاریزپنها ن شده اند، آنها به دوتن ازمردمان کلان سال امریهٔ صادرکردند که آنها را برای بیرون آمدن ازکاریزفراخوانند (اما آن هائیکه بداخل کاریزپنهان بودند به کلان سالان بیرون کاریز چنین پاسخ دادند که مرگ آنها بهتر از آن خواهد بود که توسط روسها گرفتار شوند، گفتهٔ یکتن از قربانیان بنام حبیب الله هاشمی است ملک قریه درین فاجعهٔ کشتار عمومی بیست و پنج تن از اعضای خانواده اش را ازدست داد . قوای اشغالی کانال زیرزمینی را به شکل بند درآوردند که درنتیجه فشار درمخرج کانال آب از آن بالارود . آب انبار یا مخزن، که غالبا حامل پطرول بود که دریکوسیلهٔ نقلیه جابجا شده بود به نزدیکی مخرج کاریز و یک لوله آب پاشی به یکی ازمدخل سیستم آبیاری، مدخل کاریز فرو

برده‌شد. وسیلهٔ نقلیه‌دومی با یک درجن افرادرا کبین آن که‌کلیهٔ آنها لباس محفوظ ومصئون ازگاز خفه‌کننده وکشنده اعصاب برتن داشتند به‌حرکت پرداختند. آنها بجای رسیدند که‌محتوای سفیدرنگ مایل به‌زردی را که‌دردوظرف دوصد لیتره‌قرارداشت درکاریزبا یکنوع ازپودرسفیدهمراه‌بود ریختند. آنها به‌عقب رفتندوچندتن ازعساکرمرمی های آتش‌افروزرا بداخل کاریزشلیک نمودندکه‌باعث انفجار شدیدگردید. عین عملیه‌دریک مخرج کاریز، دورتر ازان نیزتکرارشد. عساکرموءظف تا حوالی ساعت سه‌بعدازظهر بدون اینکه‌حرکت کنندبحال انتظاربا قی ماندند. زمانی که‌آنها مطمئن شدندودریافتندکه‌هیچکسی درکاریززنده نمانده‌است، با شوروهلهله‌وتحسین فراوان دهکده‌را ترک نمودند، بقول سیدمرتضی که‌پیش امام محل است ومتباقی چهل نفریکه‌آنها می خواستنددرهرجائیکه‌امکان داردخود را ازدشمن مکتوم سازندپیش آمدندوفوراکوشیدندبکاریز سری بزنند، امابخاطرتعفن وبدبوی‌زیادنتوانستندباین کاریزموءفق شونددرجریان سه‌روزدیگر، آنها کوشیدند که اجسادآن قربانیان فجیع والمناک را که‌بسیاری ازآنها بخاطرسوختگی غیرقابل شناخت بودند، بیرون کنند. در نتیجهٔ این کشتاربیرحمانه، تمام قریه‌به‌استثنای پنج خانواده‌ایکه‌بوی واحساس بستگی وارتباط آنها به‌جانب داری ازکمونیستها میرفت، روانه‌پاکستان شدند.

هم شوروی ها وهم رژیم ببرک این ادعا ها راازینکه درنتیجهء تهدیدوشکنجهء شبکهء اطلاعاتی(خاد) ویاکشتار عمدی این روستائیان بیدفاع توسط قوای مسلح رابه مثابهء یک شایعه‌پراگنی کینه‌جویانه‌منابع اطلاعاتی غرب وانمودکرده وآنرا ردمیکنند. درطی یک مصاحبه مطبوعاتی دردسمبرسال ۱۹۸۲ درپاریس، یکی ازمقامات رسمی وزارت امورخارجهء کابل اصرارورزیدکه‌چنین گزارشات واطلاعات بصورت کلی ساخت وبافت شبکه‌های اطلاعاتی غرب است، حتی زمانیکه‌آنها باروزنامه‌نگاران غربی، به‌شمول خودم، (منظوراز موءلف کتاب است) که اوشاهداینگونه عملیات جنایتکارانه‌وفتنه‌انگیزی های حکومت علیه‌مردم بیدفاع این کشوربوده‌است، مواجه شدند. طوریکه‌به‌اصطلاح(خاد) یکتن ازمقامات رسمی وزارت اطلاعات (که‌ا وبعدها به‌اعتصاب پرداخت یک روزنامه‌نویس فرانسوی رابسال ۱۹۸۱ ازطرف (خاد) مورد اذیت وشکنجه‌قراردادہ‌بود) سعی وتلاش نمودکه دو تن ازروزنامه‌نگاران فرانسوی راروی این موضوع متقاعد سازدازینکه‌آنها درکابل دراخیر۱۹۸۳ و۱۹۸۴ فلمبرداری میکردند، وازوجودچنین سازمان به‌مثابهء یک وهم وداستان جعلی وانمودکردوانکارکرد.

درمقابل شایعه‌پراگنی های ضدونقیض کمونیست ها که‌بسیاری ازگزارشات آن توسط اداره‌نشراتی (نووستی) درمسکوبه‌چاپ میرسدودارای عناوین چون(جنایات و

اعترافات ضدانقلابیون) ویا حقایقی درباره افغانستان، اسناد، حقایق، گزارشها ووقعات چشم دید ،صرف درجهت جلب توجه آراء عامه پیرامون آن فتنه انگیزی ها وشرارت های نمایان به اصطلاح خودآنها (چریکها) رهزن می باشد، اینها شامل فلمها ، کتابها فوتوگرافها ئیکه به اصطلاح خود آنها مفاهیم این فتنه انگیزی هارا،که ازکشتار وقتل مقامات مسئول حزبی گرفته ویا تخریب وانهدام مالکیت عامه (وسایط نقلیه وتعمیرات وغیره) را دربرمی گیرد .

نفوذ ورخنه گری

درجریان چندسال گذشته ، شوروی ها درامرنفوذ و رخنه گری دربین سازمانها وگروپ مقاومت بوسیلهٔ شبکهٔ استخباراتی واطلاعاتی(خاد) نه تنها درافغانستان بلکه دربین دسته های احزاب سیاسی وکمپهای مهاجرین درکشور های همجوار ایران وپاکستان به پیروزی های دست یافته اند . پزشکان یا دکتوران فرانسوی که بگونهٔ محرمانه به مناطق وساحه های گروپ مقاومت به سیروسیاحت میپردا ـ ختند ، به منازل وخانه ها ئیکه جای آرامش واستراحت آنان بوددوروزبعدتربه گونهٔ مرموزموردا صابت بمب قرارگرفته بود .

یک گزارشگرتلویزیون فرانسه ، بنام (ژاک ابوشار) بسال ۱۹۸۴ درجریان یک کمین مشترک شوروی وافغان در جنوب شرق افغانستان زخمی وگرفتارشد ، که بعدا اطلاعات درباره گرفتاری وی ازطرف ایجنت های (خاد) به رسانه های نشراتی سپرده شد .

به‌نظرمی خوردند). با تانک ها ئیکه مدخل ورودما را به دریا مانع شده‌بودند ، افرادنظامی کلاشینکوف های خودرا بسوی مردم نشانه‌می گرفتندصاحب منصبان متعاقب آن به‌مردم قبائلی ومحلی احکام واوامری صادرکردندکه‌به جانبداری وحمایه‌ازحکومت کمونیستی شعارهای سربراه اندازیم ودرمقابل کلیه‌ء آنها شعارهای مخالف نظام مسلط را بانعره‌های(الله‌اکبر) خدابزرگ است ! ندا سر دادند . افرادنظامی با خشونت وخشمگینی هرچه‌بیشترمردم را جهت صف بستن ناگزیرساختند . یک صاحب منصب نظامی جهت عکس برداری ازین دسته مردم درصف مقدم‌قرارگرفت ، عسکبرداری که‌بعدا جهت بهره‌برداری تبلیغاتی مبنی بر اینکه‌آنانیکه‌با دسته‌های ضدانقلابی وعناصرمخالف حکومت تبانی وهمکاری می نمودندب‌ه چه‌سرنوشتی دچار شدند ، ازان کارگرفته‌شد . .

نبی مادیزخان ، متعلم مکتب ، که‌دارای قامت کوتاه‌وچهارشانه‌که‌پدر ، کاکاوچهارتن ازخاله‌زاده‌هایش رادرین صحنه‌ء پرآشوب کشتاردسته‌جمعی ازدست داده بود ، آنچه‌درآخرین دقایق رخ داد ، به‌موضوع روشنی می‌افگند. نامبرده‌که‌کلاه‌یاپکول خاکستری رنگ چترالی برسر تراشیده‌وگردن کوتاهش قرارداشت اونسبت به‌همقطاران هژده ساله‌اش درصف مقابل دریک گردهم آئی بیشماروگسترده ای مهاجرین درسرحدشمال غربی پاکستان در اینجنسی قبایلی باجورتقریباده‌ماه‌بعدترازین صحنه‌ء پر آشوب کشتاردسته‌جمعی، جوانتربه‌نظرمیخورد . اوموضوع را چنین شرح میدهد (من به‌همراهی پدرم دریک میدان وسیع جهت

چنین پنداشته میشودکه (خاد) مسئولیت زیادی خصوصاً رقابت های درونی وانشعابات سیاسی که دربین گروپ های مقاومت وجبهات بزرگ وعمدهٔ چریکی تبارزمیکندبه عهده داشته باشد. طوریکه یک قوماندان مجاهدروی موضوع شکایت نمود (دربعضی مناطق، گماشتگان" خاد" با دسته های مجاهدین که درنتیجهٔ زدوخوردها ئیکه سودی ازان متصور نیست یکدیگررا ازصحنه نیست ونابودمی کنند، بطورکلی ازهم متلاشی ساخته اند. چرا شوروی ها روی موضوع کشتن افغانها ناراحت وپریشان باشندکه اگرمجاهدین چنین کاری را برای آنها انجام دهند؟

دراواخرسال ۱۹۸۰ هزاره های مستقردرایران در رابطه با کی،جی،بی وخاددرامرنفوذ مجددبه افغانستان ازطرف حزب کمونیست توده به سربازی استخدام شدند. عین مسئله ازطرف گماشتگان وایجنت های حزب تودهٔ ایرانی با این معنی که ازخمینی نمایندگی کنند، اتفاق افتاد، درجریان چندین ماه، آنها با بازی کردن نقش عنعنوی واحساسات مذهبی درامربرهم زدن ومختل ساختن (شورا) شورای اصلی وعمدهٔ گروپ مقاومت هزاره (که تقریبا با گروه افراطی ورادیکال طرفدارخمینی" نصر" پیوسته در کش وگیربود، موٴفق شدندبنابران ازفعالیتهای سازمان مقاومت جلوگیری نمودند. وقوماندان های چریکی محلی وروشنفکران درنتیجه پخش شایعات غلط تحت تعقیب و اذیت قرارگرفتند. حتی دکتوران داوطلب ورضا کار فرانسوی که ازنگاه صحی اساسی ترین مراقبت های صحی دربسیاری ازروستا ها وقرا وقصبات، مشغول کاروپیکار

بودند ، طبق لزوم دیدفریفتهٔ روحانیون گردیده‌وازینکه اروپائی ها (امپریالیست های بی خدا) فتنه‌انگیز ان ضدخمینی می باشند ، ناگزیربه‌ترک هزاره‌جات شدند .

مدافعین انقلاب

کنترول وو ارسی از شبه‌نظامیان حکومتی که بنام (مدافعین انقلاب) اش خوانند ، بواسطهٔ (خاد) نیزهم چنین گروپ مقاومت را دربعضی نقاط بطورجدی تضعیف نموده‌است . گرچه‌شبه‌نظامیان بگونهٔ الزامی ازهواخواهان کمونیست نیستند ، اما درنتیجهٔ معاش های زیاد و سلاح های مخصوصیکه‌باخوددارند ، فریفته‌شده‌اند . لباس آنها شبه‌مجاهدین است ، ودربسا موارد ، آنها در واقع مجاهدین اند (برگشت آنها به‌شبه‌نظامیان) بعضا " طبق دستوراحکام قوماندانان گروپ مقاومت درامر بدست آوردن تجهیزات بیشتر ، مهمات وپول بیشترکه‌یک امر غیرمعمول نیست ، صورت می گیرد . که‌پاره‌ٔ از ان علی العجاله ، به‌کوه‌ها رومی آورند ، درحالیکه‌سائرین با مجاهدین درجریان عملیات ضدحکومتی با آنها همکاری می نمایند .

بنابران ، یک عنصرتندروبزرگ نیزدربین شبه‌نظامیان وجوددارد ، که‌شوروی ها آنها را نسبت به‌افرادی دروی افغان ، که‌را ه‌برگشت را به‌جانب مقابل درپیش می گیرند ویانقض پیمان میکنند ، بیشتراًفرادمطمئن وبااعتماد محسوب میشوند ، خصوصا درصفوف مقدم کارزارآنها فعالیت میکنند .

معمولا بخا طرجوا ئزوا نعا ما ت ما لی،آ نها به عملیات مخصوص ا شترا ک میکنند ، کرملین ا زمجرا ی(خا د) آ نها ر ا متقا عدمی سا زدکه هرگزتخصیصیه آ نها را ه کا هش را در پیش نخوا هدگرفت . .

ا زشبه نظا میا ن که بیشترجنگجوومبا رزا ند ، بسیا ری ا زآ نها به گروه ها ی پیش قرا ول ویا به وا حدی ها ی(پیش آ هنگا ن) بستگی وپیونددا رند ، که عمدتا برا ی محا فظین سرحدی، یا برا ی دویدن وجستجوکردن روستا ها وقرأدرتلاش ا ئر را دمشکوک ضدحکومتی کا رمی کنند . .

از سا یرتا کتیک ها ی(خا د) که برا ی ضربه زدن ولکه دا رکردن مجا هدین درا نظا رمردم محل یا پخش و ا نتشا ر شا یعا ت غلط یا با فرستا دن گروپها ی شبه نظا میا ن متمرد وسرکش به مثا به ٔ چریکها به تغیرلبا س درنقش متحرکی شرکت جویند، می با شد . .

معا ش آ نها به سا ل ۱۹۸۴ بیش ا زسه هزا ر ا فغا نی در یکما ه که چهل دا لر ا مریکا ئی میشود ، درا فغا نستان مطا بق به سطح زندگی مردم ا ش ا ین مبلغ ا ندکی نمی توا ندباشد شبه نظا میا ن هدا یا ت ورهنمودها ی سیا سی وضدشورش را ا ز مشا ورین شوروی فرا می گیرند . شبه نظا میا ن جوان دا را ی آینده روشن ودرجهت آموزشهای تخصصي درا مرتکتیکهای رخنه گری ونفوذ ، تخریب کا ری وجا سوسی به ا تحا د شوروی فرستا ده میشوند . بعدا زمرا جعت وبا زگشت ا ز تحصیل به ا فغا نستا ن، ا ین ا فرا دا زطرف شبکه ا طلاعا تی واستخبا راتی (خا د) درا مرنفوذ وا یجا درخنه گری درتنظیمها ی مقا ومت محلی دردا خل ویا (گریز) بسوی پا کستا ن جهت ا دا مه

فعالیتهای تخریبی، رخنه‌گری وجاسوسی دربین مهاجرین کارآنها می باشد. دراثنای غیاب آنها ، شایدبرای سه ویاچهارماه جهت حفظ ومراقبت از فامیل پانزده هزار افغانی معادل دوصددالرامریکائی به آنها داده خواهد شد. .

زمانیکه مسائل امنیتی درکشورروبه تشنج گرائید ، رژیم کابل درتابستان سال ۱۹۸۱ به ایجادورویکارآوردن یک شورای دفاعی به سبک نوین درسطح ملی، سمتی وولا - یتی دست اندرکارشد. .

باتوجه به این موضوع که حکومت باتلفات روزافزون ترک وظایف وماموریت ، والحاق آن به مجاهدین ، بی اعتمادی های سیاسی ومورال ضعیف ، اردو ،قدرت نظامی وکلیه سایرسازمانهای امنیتی کشورمی بایستی تحت بازرسی ومراقبت جدی حزب قرارمی گرفت . ودرعین زمان فقدان نیروی کارانسانی که چهرهٔ اصلی اش را بیشترنمودارمی ساخت که رادیوکابل درضمن تقاضاهایش به اطفال وحتی دختران دوازده ساله نیزدرامرالحاق به این طرح های حکومت به تبلیغات وسخن پراگنی ها می پرداخت . درحالیکه دسته ها ویاگروه های شبه نظامیان وابسته بزنان درشهرکابل به منظورتلاشی ومراقبت وسایط نقلیه واشخاص انفرادی، فعال ساخته شدند، مردان مسلح که سن وسال بسیاری ازآنها کمترازهفده وشانزده سال بود ،که دراثنای شب وظایف امنیتی ویا به شکل گزمه درجاده ها اجرای وظیفه می نمودند. .

عملیات آنها به مثابهٔ جمعیت های که ازحوالی دور

وپیش باشند، وداری انگیزه‌سیاسی کمتر، ودرعین‌زمان مردم را به‌هراس ووحشت می اندا ختندووحشت آورهم بود، خوشی وسرورآنها ما شهٔ تفنگ وقسی القلبی آنها مشابه به آن دوران است که‌دربین اعضای جوان حامیان نازی‌فرانسوی(میلیس) درجریان جنگ عمومی دوم جهانی بود .

دولت درداخل دولت

برای گروپهای مقاومت معامله‌وبرخوردبا (خاد)یکی ازنیرنگ بازی های خپلی ناگواربا قی می ماندکه هیچ گونه‌شک وتردیدی درآن وجودندارد . با نیروی قابل‌توجه دردست داشته‌اش ، سازمان اطلاعاتی واستخباراتی(خاد) بگونه‌فزاینده‌یک (دولت درداخل دولت) می باشد .فلهذا رهبران چریکی درسعی وتلاش آن اندکه‌رقابت دربین آن ازمجرای توسل به‌نیرو، ترغیب ، تشویق یا درنتیجهٔ دخالت یک گروه‌بیطرف ویا سومی آشتی ومصالحه‌بین آنان صورت تحقق پذیرد . بگونهٔ این شبکه‌اطلاعاتی، درامر نفوذورخنه‌گری درین امرتا اندازهٔ به‌پیروزی های نیز دربین گروه‌های مقاومت دست یافته‌است ، ومجاهدین نیزهرگزفاقدهمکاران دربین رده‌های حکومت نبوده‌اند . اخطارها وضربات آهسته‌گاهی به‌ازبین بردن جاسوسان انجامیده‌است ، که‌بعداآنها درنتیجهٔ فیصله‌دادگاه های اسلامی محاکمه‌وغالباکارآنها به‌اعدام کشیده‌است ، در حالیکه‌گماشتگان کمونیستی ویا فعالین خادکه‌بگونهٔ صریح ودقیق اگردخالت آنها درامرمتلاشی ساختن وایجاد رخنه‌گری دربین گروه‌های مقاومت معلوم وآشکارگردد ،

به هر وسیلهٔ ممکن ترور و از بین برده میشوند .

علی الرغم سربستگی و محرمانه بودن شیوهٔ مدیریت (کی،جی،بی) بصورت طعن آمیز سازمان استخباراتی و اطلاعاتی (خاد) بگونه ای (کا،جی،بی) مورد پسند شوروی ها که آنرا تحت کنترول داشته باشد نیست . این (کی،جی،بی) است که بطور کلی دخالت فزاینده این سازمان را در امر مربی جرئت نمودن و ایجاد نزاع و درگیری های درونی بین احزاب خلق و پرچم نشان میدهد . گرچه وزارت داخلهٔ کشور که بیشتر از طرف خلقی ها زمام امور اداری آن به پیش میرود ، با کاربرد و اعمال قابل توجهی امنیت این وزارت خانه وسرویسهای اطلاعاتی و استخباراتی آن به پیش برده می شود ، این جناح پرچم است که در دستگاه (خاد) که بمثابهٔ هسته مرکزی افزار بازدارنده و خاموش کننده در حکومت نفوذ و دسترسی پیدا کرده است .

گماشتگان (خاد) بطور عمدی غالبا با در دسترس قرار دادن تجهیزات و اطلاعات برای مجاهدین روی این منظور که پوسته های مراقبت و بازجوئی عساکر و شبه نظامیان حامیان خلق را مورد یورش و حمله قرار دهند ، نیز دست اندرکار شده است . به عین ترتیب ، پاره ٔ از سوء قصدهای که علیه خلقی ها صورت می گیرد و یا چنین پنداشته میشود که ابتکار چنین امری بدست (خاد) میباشد ، در حالیکه خلقی ها به عنوان بازیگراین مسابقه به عمل متقابل علیه پرچمی ها به چنین امری مبادرت میورزند .

جبهه ملی پدر وطن

از آوان حمله ویورش واشغال کشور توسط شورویها ، رژیم ببرک تلاش مذبوحانه ونا امیدانه را درا مرموء جه وقانونی جلوه دادن مردم افغانستان وجهان درمقیاس وسیع ، به این امر مبادرت کرده است . درنتیجه تشویق ودلگرمی شوروی، ج ، د ، توده ای افغانستان (پ د پ) ج د ت ا چنین استنباط کرده است ، با درنظرداشت این موضوع در یک مدت طویل ، پیروزی انقلاب به پیروزی های نظامی بستگی نخواهد داشت ، بلکه به این موضوع بستگی خواهد داشت که تاکدام حد میتوانند مورد پذیرش کشور بطور عموم قرار گیرند . .

روی این اهداف بسال ۱۹۸۱ ببرک بطور رسمی به پی ریزی جبهه ملی پدروطن پرداخت ، که درامر تمثیل یک شورای بی طرف وغیرمنسلک به رهبران مذهبی، قبایلی ، نژادی وسیاسی کمک ویاری رسانند .

ششما قبل ازین ، درنخستین سالگرد مداخله شوروی درکشور ، حکومت کابل، دست اندرکارما هرانه واستادانه زد ، محاسن ومزایای جبهه را موردتاکید قرارداد . با اظهار وتبارز احترام خاص اش نسبت به آزادی ملی وهویت فرهنگی، حزب دیموکراتیک خلق افغانستان (پ د پ ا ی) دراندیشه آن بوده است که مردم افغانستان را ازیک بنیاز مبرم درامر ایجاد یک جبهه ء متحدبه سبک باستان وکهن درجهت بهروزی وشادکامی کشور ، متقاعد سازد . ببرک حتی ملت را درامر احترام وتجلیل ازانچه بنام محافظه ء اسلام به مثابه ء یک آئین مقدس به مردم قول داد ودرامر

تجدید اصلاحات زراعتی وبا صدور فرمان بخشایش وعفو عمومی خواست هایش را به مردم اظهار داشت . پاره ای از متفکرین (پ د پ ا) ج دخ ا جنین معتقدبودندکه با بسررسیدن وتحقق به این مرام ، گام دیگری بسوی انتخابات آزاد پارلمانی ویا شورا خواهدبود .

برای شوروی ها به مثابهٔ یک دلگرمی ومایهٔ امید فراوانی پنداشته میشدازینکه این مسئله سرانجام بمثابهٔ موءثرترین حربه درامربطی ساختن مقاومت ضدکمونیستی درخواهدآمد وپ د پ ا ـ ج،د،خ،ا ، یا حزب دیموکراتیک توده ای یا خلقی افغانستان را با چگونگی بسط وتوسعه به اصطلاح پایگاه دومی حروف کوچک کتاب مانندش مجهز می ساخت . وضمنا درامرتکامل وانکشاف این جبهه وزارت جدیدالتشکیل قبایل وملیت ها که شبکهٔ اطلاعاتی (خاد) هم در آن نقش ارزنده ومستقیم دارد ، با آن همکاری مینماید .

درضمن اشاره ویاددهانی موضوع جهت درخواست از اجتماع نژادی وقبایل کشور ، شورای بنیادی جبههٔ ملی پدروطن به مثابهٔ یک پیش آهنگ (لویه جرگه) معاصربود (شورای عنعنوی، قبیلوی، نژادی، مذهبی وسران کوچی ، معمولا" درامربدست آوردن یک توافق عمومی روی فیصله های تاریخی) بکارمی رفت .

بعدازحملات شوروی به افغانستان واشغال کشور توسط آنها ، گروه های مقاومت چندین بارلوی جرگه شان را احضارودایرکرده اند .

بعدازچندین لغزش ها واشتباهات دربدومراحل، به طورکافی نمایندگان وگماشتگان قبایلی، مذهبی و

منطقوی بشمول هزا رتن ا زا فرا دغیروا بسته ،درا مرموء جه جلوه‌دا دن تلاشها ومسا عی محبوبیت کتلوی ومردمی که‌ازبرای آن امو‌تدارک آن دیده‌شده‌بود ، با همدیگرآ میختند .وج ،د ،خ ، ا ، درا مرا حضا رشخصیتها ی نا مورملی، چون نویسندگا ن و هنرمندا ن را دیوبخا طرمجهزسا ختن بهترجبهه‌وکسب ا عتبار بیشترهمچنین تلاش وسعی نمود. طبق را دیوکا بل،نوا زند گا ن مشهورکلاسیک ، ا ستا دحسین سرآ هنگ درا مرا شترا ک به این مرا سم توا فق نظرنشا ن دا د. ا ما سرآ هنگ طبق گزا رشا ت وا صله‌کدا م معا مله‌ٔ با رژیم ا نجا م ندا دو بطور موء کدوکنا یه‌آ میز درجهت پخش یک آ هنگ توأ م با مد ح و ستا یش درار بطه‌با نقلاب شورویا درمرا سم ا نجمن دوستی ا فغا ن وا تحا دشوروی با شدسربا ززد .

این شورا ا زملت درا مرسعی وتلاش آ نها برا ی یک صلح دا یمی وا ستقرا رحا لت نظم وآ را مش کشور ، تقا ضا نمودبه‌هرا ندا زه‌ٔ که‌برا ی رژیم درنخستین مرحله عفو عمومی ا سمی(که‌درین جمله‌چندهزا رتن ا زا فرا دمحبوسین سیا سی که‌ا زمحبس پلچرخی آ زا دشدندبه‌حسا ب درنیا مده خصوصا درجنوری سا ل ۱۹۸۰) صدورا ین فرما ن ا زمبا رزین وگروهها ی مقاومت تقا ضا مینما یدکه‌نبایدتقلب‌کارودروغگو بودرهبرا ن خودفروخته‌آ ئین ومعتقدا ت ا سلام را زیر پا کرده‌ا ند. ا زین به‌بعددرا مرمنا فع بیگا نگا ن خدمت نکنید. ا زکوه‌ها پا ئین آ ئید ، بیل وا فزا رشخم زنی زمین را بدست گیریدکه‌دست ها ی شما بطورکلی با آ ن آ شنا نیست ، یا آ نرا بطورکلی فرا موش کرده‌ا ست . جرگه و یا شورا ی مردمی علاوه‌برا ن به‌کلیه‌ا زپنا هندگا ن ا علام‌میکند

که بخانه وکاشانه شان برگردندواین اعلامیه با اظهارات قبلی ببرک درتضادواقع میشودازینکه وی هرگزازموجودیت پناهندگان درایران وپاکستان اشاره نکرده بود .
همچنین وی با اعلام خطربه آن پناهندگانی که به خانه وکاشانه شان برنمی گردنددرامرتوزیع وتقسیم دوباره زمین که ازطرف حکومت سردست است ازملکیت زمین محروم خواهندگشت .

این شوراکه مشتمل ازدوازده موسسات پ دپ ا ـ ج ، د ،خ ،ا ـ که ازاقشارمختلف جامعه افغانی که شامل روحانیون ،زارعین ،جوانان وزنان وجبهه ملی پدروطن میباشد ،فلهذا نقش نه چندان موءثری داشته است . همچنین تلاشهای زیادی ازطرف وزارت امورقبایل درامراستحکام وثبات بخشیدن به طرحهای حکومت که سازماندهی مجددمیکانیسم اداری وحزبی بسال ۱۹۸۱ به هشت مناطق وزونهای مختلف بود ، که هرکدام آنها سه ویاچهارولایت رادربرمی گیردکه شامل یک سلسله ازدسته ها وگروپهای نژادی وقبیلوی می شود ،

وزرای کابینه ویااعضای بیروی سیاسی درامر مراقبت ووارسی ازهریک اززوون های مختلف بادرنظر داشت مسئولیتهای مختلف که شامل تطبیق اصلاحات اراضی تعلیم وآموزش توده ها وسردست گرفتن یک سلسله اقدامات وتجاوبیز درجهت مبارزه باعناصرگروه مقاومت ، بودگماشته شدند .

تفرقه انداز وحکومت کن

ازبدوتاسیس ، وزارت امورقبایل وملیت ها تحت قیادت سلیمان لایق وابسته به جناح پرچم ، که درعین

اشتراک درجلسه حضوربهم رسانیدیم. حاضرشدیم ، این موضوع را نامبرده به زبان نرم وگرفته پشتوا ظهار مینمود (مردم را واهمه فرا گرفته بودکه حتما مسئله ای اتفاق افتادنی است) برخی ازافرادذکورسعی وتلاش مینمودند که با زنان وکودکان درمسجدملحق شوند ، اما با زوربرچه ازان ها جدا ساخته شدند .)

ناگهان یک هلیکوپترنظامی ازان سوی دریا به پروازدرآمدودران میدانیکه ماگردآمده بودیم در حال ایستاده به بال وپرزدن آغازکرد ، برسروصورت ما خاک پاش میدادوهای سرما را به صورت ما میزد .

یک مشاورعالیرتبهٔ شوروی، با رنگ تیره اروپائی وچشمان آبی رنگ اسلاونژاد ، که برای اهل سکنه و محل ازروزهای قبل یک مردمانوس وشناخته شده بود ، با رادیو دردست داشته اش با سرعت بیشتربا هلیکوپترمشغول مذاکره وگفتگوبود .(. من درپرتگاه سراشیبی قرارگرفته بودم و آرزوداشتم که حرکت کنم) نبی چنین به سخنانش ادامه می دهد .(. من سعی وتلاش بخرج دادم که ازقوماندان (مشاور شوروی) جهت مرخصی خوداجازه طلب کنم ، اما وی ممانعت نمود ، نبی به هرترتیب ازین مرام منصرف گردیدوجهت رسیدن به مسجد عجله به خرج میداد . درین صحنهٔ پر آشوب ومغشوش هیچ کس مانع ازتصمیم گیری وی نشدوچندین بار بسوی عقب می نگریست . هلیکوپترناگهان ازما منحرف ش . احکام واوامرصادرشدکه به صراحت چنین وانمود می کردکه درمقابل تانکها دولاشده قرارگیرند . برخی ازآنها به عذرونیایش ونمازپرداختند . به تعقیب آنها عساکر

قیادت سلیمان لایق وابسته به جناح پرچم ، که در عین زمان معاون رئیس جبهه ملی پدروطن نیز میباشد، توجهش را درامر مهار ساختن وتحمیل سلطه بالای صدها قبایل پشتو زبان هائیکه به جنوب سلسله کوه هندوکش ، که یک سرزمین زرخیز ودرجریان تاریخ صحنه رقابت بین طوایف وخاندان های مختلف بوده است ، متمرکز ساخت . به گونهٔ که بریتانیا درامر مصالحه با قبایل دردوران سلطه اش گام برداشت وبا بیطرفی یا کاربرد واستفاده از رشوه ، جانبداری ازیک سو ، ونیرنگ تهدید ، حکومت ببرک نیز به رنگ در امر بدست آوردن همکاری وتعاون با قبایل ویالااقل بیطرفی آنها دست اندرکار شد .

کمونیست ها ، درامر دسترسی به این مرام ، بعضی اوقات بطور موقت ، درامر تشکیل ودسته بندی های مهم قبایلی پیروز شدند . غالباً آنها چندان به این پیروزی ها دست نیافتند ، امابا آنهم گرچه پیوند وارتباط با آنها به معنی بیطرفی اعلان شده ویا همکاری مناسب با آن است تا تقبل پیوند سیاسی با آن ، ودربسا موارد این متارکه ها به طورکلی ناپایدار وبحال متلون بوده است . قبایل پکتیا ، بگونهٔ مثال ، اززمان حکومتهای پیشین وگذشته ازمکلفیت نظام وظیفه معاف بودند . زمانیکه حکومت ببرک بسال ۱۹۸۲ درامر شباب بخشیدن به نیروی امنیتی اش ، سعی نمودکه به اینگونه امتیازات دوران پیشین خط بطلان کشیده وآنرا ملغی قرار دهد ، که درین امر سران قبایلی نیز با مقامات حکومتی ازمجرای توافق های حاصله مبنی برعدم توصل به جنگ ، که قبلاً درپایتخت کشور از

طریق سربراه انداختن تظاهرات به پیمانهٔ گسترده یا آن به مخالفت برمی خواستند، همکاری میکردند. ببرک بخاطر متشنج شدن بیشتر اوضاع و یا برهم خوردن تعادل به یکسو به چنین موافقه رسید که با زمرا مش یکجا به بعد تر منصرف شود.

گروه مقاومت نیز گامهای در امر مانع شدن طرحهای حکومت جهت رسیدن به هرنوع مصالحه و سازش نسبت به مردم قبایل به اقداماتی متوسل شدند. دریک مورد، تقریبا" یک ونیم سال بعد از اشغال کشور از طرف شوروی، مقامات مسئول در امر برقراری یک متارکه با مردم خوست و قبایل تنی در ولایت پکتیا سعی نمودند. درمقابل برای این مردم درصورت عدم حمایه و معاونت آنان با گروه مقاومت، مقامات مسئول کمونیستی به آنان چنان وعده های دادند که این مناطق از خدمات نظامی معاف و مجاهدین بازداشت شده آنها از زندان های کشور رهائی یابند. چند روز بعد از مواصلت یک هیئت وزرا در مرکز ولایت در خوست، با آنهم مجاهدین به یک سلسله حملات علیه پوسته های نظامی درمنطقه پرداختند که به مثابه اعلان خطر برای مقامات حکومتی و هریک از افرادی که درصدد همکاری با آن باشند، بود. وضع از بد بدتر شد، حتی تشنج اوضاع بدان پیمانه رسید که هیئت وزراء ناگزیر شد که به کابل برگردد.

شواهد زیادی روی موضوع فعالیت و کارروائی های این وزارت مبنی برا ینکه فعالیت آن نه تنها محدود و منحصر به سرزمین افغانستان است وجود دارد، که فعالیت های عمده آن به سه بخش تقسیم میشود، که دو بخش اولی آن با دسته ها و گروپهای قبایلی پشتون و بلوچ در افغانستان

وپاکستان سروکار دارد، که هردوی آنها مستقیما توسط داکتر نجیب الله سرپرستی ونظارت میشودکه باعث تشویش ونگرانی عمیق حکومت پاکستان است. دستگاه اطلاعاتی واستحباراتی(خاد) محل وسازوبرگهای را درسرزمین این کشورهمجوار درامرتوزیع سلاح وتجهیزات وباعطای پول نقدبه نارضایان قبایل مهمند، افریدی، شینواری ووزیری درسرحدشمال غربی تدارک می بینند. صرف شعبه اداری سومی آن، که با دسته های نژادی وقبایل تاجیک، ازبک، ترکمن، هزاره که دربخش شمال ومرکزکشورسکونت دارند، مستقیما توسط شخص وزیرادار ه میشود.

این امریقینی به نظرمیخوردکه شوروی ها از مجرای وساطت وپادرمیانی(خاد) درامرتخریب ومتلاشی ساختن گروه مقاومت به اینگونه تلاشها اصراروسماجت بخرج میدهند. درماندگی های جنگ دربین نفوس عامه چه در داخل کشوروکمپهای پناهندگان یک عامل بزرگی است که درسالیان واپسین میکانیسم این رویدادها به نفع کرملین خواهدچرخید. تا زمانیکه گروه مقاومت وحامیان خارجی آن هاگامهای بیشترموءثروسازنده درامرچاره سازی با این گونه رویدادها برندارند، وضع به همان منوال باقی خواهد ماند. پاکستان نیزدرانتظارفشارهای بزرگ از جانب شوروی وحکومت دست نشانده آن درکابل میتواند باشد.

کمترازیکماه بعدازبدست آوردن سلطه دراوایل سال ۱۹۸۵، زمامدارجدیدشوروی، میخائیل گورباچیف چنین اشاره نمودکه زمامداری مسکوحتی موقف سخت تری را در قبال افغانستان درپیش خواهدگرفت وبه کشورهای مجاور که

بیشتر از مجاهدین حمایه و پشتیبانی می نمایند خطار داد که اگر آنها از حمایه و معاونت به مجاهدین منصرف نشوند حیات بیشتر از این ها روبه وخامت خواهد گرائید .

مبارزهٔ افغانها - با جنگ و ستیز مردمی

من محزون و غمگین ام ، قلبم در یک قفس که پرنده ها آنرا ترک کرده اند زندانی است . این قفس خالی است غمگینی .... غارت و ویرانی همه جا را فرا گرفته است . من نمی دانم که چه سان این صحنه برای همیش خاتمه خواهد یافت حینیکه شما به جاده ها سری بزنید به چهره های برمیخورید که در پشت لایه های غم و اندوه مکتوم و پوشیده است .... چه کاری را باید انجام دهیم ؟ دلم مرگ میخواهد ، من همه چیز را از دست داده ام ، همه چیز ، من نمیدانم که برای چه زنده ام .... هرروز خبرهای ناخوش آیندی را با خود دارد .. من بیشتر از این کلماتی که بروی صفحهٔ کاغذ که شما را قانع و راضی سازد آورده نمی توانم ، من با اشکهای چشم این نامه را به شما می نویسم (نامهٔ یکتن از متعلمه یا دختر مکتبی به دوستانش در فرانسه بعداز اینکه کلیه اعضای خانوادهٔ اش را از طریق توقیف و بازداشت و یا مرگ از دست میدهد و از لیسه و یا مکتب عالی کابل بخاطر اشتراک در تظاهرات ضد شوروی در فبروری سال ۱۹۸۰ نیز اخراج شده ، می باشد) .

آنها بطور مخفیانه از راه دروازه خانه و پشت سر دیوار های باغ سربدر آوردند . زنان و دختران جوان با رسم احترام افغانی (مانده نباشی) مانده خو نیستی ، زمزمه

کنا ن چا رمغزوبا دا م خشک ومقدا ری کلچه‌را به‌سوی یکد ـ یگرنثا رمیکردند. ا شعهٔ لطیف وبا ریک آ فتا ب شا مگا هی به‌مثا بهٔ یک ترا وش موا دچسپوک وشیرین ا زلابلای برگها ی درختا ن توت وچا رمغزتلا لو ومنعکس میشد، درحا لیکه‌بوی آ تش چوبها ی خا ک آ لودبه‌شکل جذا ب وفریبنده‌که‌توسط سا کنین کلبه‌ها ی سنگی وگلی ا فروخته‌شده‌بودبه‌مشا م می رسید. به‌ا متدا دکوچه‌ها ی ضیق وگردآ لود، پسربچه‌ها ئیکه نی ها وتیرها را ا زروستا ی پرسروصدا جهت شلاق زدن وا دا ره ا زکشتزا رها ومزا رع بسوی خا نه‌با خودگرفته‌بودندگا وها را ا دا ره‌میکردند.

مجا هدین رهرودرآ ن زما ن بعدا زپیشین را برا ی عبورا زدریا ی کم عمق که‌درنتیجهٔ با رش وبا را ن درسلسله کوه‌هندوکش رنگ قهوه‌ا ی وخرما ئی بخودگرفته‌بودوبه‌آ ب آ ن نیزا فزا یش به‌عمل آ مده‌بود، گذرا ندند، چندین میل دورترازآن یک پل قرا ردا شت، ا ما ا ین پل ا زطرف نیرو ی شوروی وا فغا ن کنترول میشد. صرف ا ندکی بجا نب غربی آ ن پا یگا ه‌هوا ئی بگرا م قرا ردا رد، که‌بطورمدا وم صدا ی هلیکوپترها وجیت ها ئیکه‌به‌پروا زدرمی آ یندوبه‌زمین می نشینند، حکم فرما ا ست.

گا هگا هی می ا ی ۲۴ هوا پیما ها ی میگ ۲۴ که حا مل توپ می با شند، درآسما ن ا زسرمردم به‌پروا زدرمی آ یند. ولکه‌ها ی دودغلیظ را به‌ا طرا ف وجوا نب خودپخش میکنند، آ نقدرنزدیک برا ی تسلی خا طر، به‌مشکل می توا نستیم که یا ری وکمک رسا نیم. ا ما ستون ها ی گردوخا ک که‌درا ثنا ی حرکت وسا یط زرهدا رکه‌ا زدها ت وروستا ها ی دورکه به

امتداد میدان به‌حرکت درمی آمدند ، صدای آنان به گوش می رسید .

دستهٔ مردم که‌تعدادآنها به‌صدتن میرسیدبا چهل رأس اسپ های بارکشی که‌محموله‌های بیشتری راحمل می کردند ، چریکها ازیک ناحیهٔ که‌وسعت دریا درآن تا اندازه بیشتربودوموج آن تا اندازه‌قابل اطمینان وعاری‌ازخطر پنداشته‌میشدجهت عبورازان انتخاب نموده‌بودند . این امرهنوزمشکل جلوه‌مینمودکه‌چها رپایان رابا کتک زدن به‌دریا غوطه‌ورساخت درحالیکه‌آب تا سینهٔ مردم میرسید ، می توانستندازین دریا راصرف به‌شکل گروپها ودسته های کوچک که‌یکدیگرخودراازناحیه‌کمربگونهٔ یک زنجیرانسانی گرفته‌وازان عبورکنند . مردمانیکه‌درروستاهای مجاور دریا می زیستندتوسط دلالان رهنما وکاروانهای مقاوم به امتداددریا می توانستندازان استفاده‌کنند . گاهی سواره‌بالای اسپ ، زمانی باآب درستیزونبردبودند ،سعی وتقلاآنها باگرفتن جلواسپان ودم آن ازطریق مانور و حرکات عجیب وغریب به‌آن طرف دریا برآمدندودرین کار سعی مینمودندکه‌سلاح وتجهیزات آنها خشک باشد .کسی نیز درانتظارانتقال محلی‌برای‌خاده‌های چوب ازطریق‌دریا میبود چه‌درختان را بعدازقطع با شاخه‌های‌آن با یکدیگرمی بستند ، آلت عبوربه‌شکل جاله‌دروقفه‌های منظم که‌توسط افرادی که‌جامه‌های ژنده‌ونیم تنه‌برتن داشتند ، زمانیکه‌دربین تپه‌های ریگی با استفاده‌ازفرصت مردم را به‌آنسوی دریا انتقال میدادند .

تپهٔ ریگی خیلی گرم را بعدازعبورازدریا به عقب

گذاشتیم ، ما در بین روستا ها ئیکه بگونهٔ مسا ویا نه بزند-
گی شبا نی ا شتغا ل دا شتند که به جا نب مقا بل تپه موقعیت
دا شت وا ردشدیم . درینجا دروسط درختا ن مثمرمزا رع گندم
آ بیا ری شده که هوا ی مجا وررا سردساخته بود ، حرکا ت وا شا -
را ت زنا ن درسخن گفتن چنا ن یک ا حسا س سکوت وصفا را در
ا ذها ن ا یجا دکردکه درا ن لحظه جنگ وحتی کسا لت فوق العا-
ده وجودخودرا نیزفرا موش کردیم . ما ا زین وضع ا نسا نـــی
زنا ن درمقا بل آ نچه ا زخورا ک درا ختیا رما قرا ردا دند بـــا
رسم ا حترا م وتعظیم ا زآ ن سپا سگذا ری نمودیم . معمولا"
ا ها لی روستا ها چا ی ونا ن را تدا رک می دیدندا ما بخا طـر
خوف وخطریکه نا شی ا زوا کنش ها ی کمونیستی دربرا برمردم
محتمل به نظر میخورد ، ا زما تقا ضا نمودندکه مسیرخویش را
درپیش گیریم . که درمسیر ، ما تقریبا به منا زل کا مــــلا"
تخریب شده ونیمه تخریب شده برخوردیم ، درحا لیکه مزا رع و
کشتزا رها که درمسیرتا نک ها ی پرسروصدا قرا ردا شتند بـــه
شکل گودا ل وحفره ها ی چین خورده درآ مده بودند . ا ینجا و
آ نجا وسا یط نقلیه زرهی وا ژگون شده وزنگ زده ونیمه سوخته
درگودا لها وحفره ها درپهلوی سرک به مشا هده میرسید .

چریکها ، که سلاح وتجهیزا ت برسرشا نه ها ی آ ن هــــا
قرا ردا شت ، چنین می نمودکه بی جهت وفا قدمرا م بسو ی
مها رشدن خودمسیرشا نرا ا دا مه میدهند . درضمن را هپیمائی
یگا نه صدا ها ئیکه بگوش میرسیدعبا رت بودا زیک سلسلــــه
معلوما ت سطحی خوردوریزوزمزمه ها وخوا ندن ها ی حما ســی
ورزمی برا ی بسیا ری ا زین را ه پیما یا ن، فا میل و وا -
بستگا ن آ نها به آ ن سوی کوها ی برجسته قرا رگرفته ا ند .در

عمل هریک از افراد قلا"یک تن از وابستگان خودرا درجریان نبرد از دست داده اند وشک وتردیدی وجود ندارد و نمی توانند جای شگفتی وتعجب باشد از اینکه درچنین یک حالت واوضاع مغشوش وی بتواند صمیمی ترین ووفادارترین کسان فامیلی خودرا مصئون وخالی از گزند ملاقات کنند .
فلهذا ، زحمت وتکلیف ، درزیربمباردمان مرمی ها وشرپنل ها وازترس بی جهت کوچه وباغ ودرختان ، زیبائی و لطافت این دورنما ، تلالو این آفتاب درحال غروب ، صدای قوربقه ها درکانال ها وشبکه های آبیاری، شرشره ها وچهچه زدن وسرائیدن پرنده های مینا برسردرختان بید ، درواقع به مثابهٔ یک مرهم ضددردورنج اثرمی گذاشت .
ناگهان، یک اسپ سوار ، یکه وتنها عمامه دار با خرخره کشیدن اسپ از اسپش پائین شده وخاک نفیس وابر مانند سفیدرا بالای دسته های رهروان پاش داد بایک پای ، بر اسپ که با زین چرمی خوب آراسته شده بود ، برسرهمه ما زمانیکه از ما عبور میکرد با حیرت نگاه میکرد . سرشار وبی اعتنا توأم با روحیه افغانی، از صرف بخاطرلذت و کیف کردن از سرعت رفتار اسپ برآن سوار شده بود . او فوق العاده از آن کیف می بردگوئی که کسی زندگی را به وی بخشیده باشد .

بدون حمایه وپشتیبانی مردم ، ازمجاهدین کاری ساخته نیست . شما چرا تشخیص وتمیز بین جنگجویان ومردم مسن وسالخورده ، زنان واطفال قایل می شوید؟ این موضوع را یکتن از ملک قریه با تبسم پرلطف ومرحمت آمیزش زمانی بعد از حملهٔ کشورتوسط شوروی ها ، اظهار

داشت .(. اگرشما دارای صبرواستقامت وگنجینهٔ آزادی را درخودنهفته دارید ، شما یک مجاهدمی باشیدکلیهٔ ما مجاهدهستیم .).

مقاومت افغانها دربرابرسلطهٔ کمونیستی واشغال کشورتوسط شوروی مهمترازهمه ومبارزهٔ مردم ، باتاثیر وسودمندی مقاومت که به یک پیمانهٔ بزرگ درنتیجه قابلیت وتوانائی جبهات چریکی که بامردم واهالی محلی درصلح وصفا باهمدیگرکنارآید ، اندازه گیری می شود . گذشته ازآن ، مهارت وتخصص درجنگهای چریکی معاصر درامرمبارزه بامکروحیله روسی کافی به نظرنمی خورد .

برای اینکه شوروی ها نقش یک نیروی رزمی بی تصمیم ، جماعت ویادستهٔ ازاسپ سواران وحشی تحت قیادت چنگیزخان که به کشتاردسته جمعی ، چوروچپاول و بی سیرت کردن وتجاوزبه ناموس تااندازهٔ که قدرت دارند چیزی رابرجا یش نگذارد ، نمی باشند ، ونه شوروی ها به مثابهٔ نیروهای اعزامی بریتانیا دوران قرن نزده درامرتنبیه وسرزنش طراحان خودرأی ولجوج قبایل افغان فرستاده شده اند ، بلکه درامرطرح این برنامه ها ، خیلی دقیق وباریک بین ودرامرمحاسبه خیلی سنگدل وبی عاطفه وازنگاه اندیشه وعقیده منحصربه فردویکه وتنها می باشند ، اینها به مثابهٔ یک نیروقوتی اندکه دردرازمدت باعمل غیرارادی که ازطرف ملحدین وکلاشینکوف ها حمایه و پشتیبانی میشوند ، نتوان پیروزمندانه باآن به مبارزه برخواست .

دررابطه بااین موضوع ازینکه شوروی ها یک پالیسی

سخت گیرانه‌وفرسایشی دربرابرافغانها خصوصا نفوس غیر محارب وبیدفاع آن درپیش گرفته‌اند ، سوال کمتری وجود دارد ، بدون درنظرداشت ضایعات وتلفات خودآنها ،آنها به‌یک مقیاس ناچیزدرامرمبارزه‌مسلحانه‌که‌نه‌در جریان ده‌ها سال بلکه‌سالها بطول خواهدانجامید‌آمادگی گرفته‌اندواعتراف هم کرده‌اند ، که‌درنهایت امرآنطوریکه آنها آرزومنداند ، که‌به‌رژیم جمهوریت دموکراتیک خلق افغانستان امکان پی ریزی یک افغانستان نوین را خواهدداد ، سرانجام پیروزی آن را علیه‌باشندگان و مسکونین دل شکسته‌ودرمانده‌تبارزخواهندداد .اززمستان سال ۱۹۸۱-۱۹۸۲ به‌این سوآنها توجه‌شانرا جهت برهم زدن مورال افرادغیرنظامی کشور ، درنتیجهٔ مغشوش ساختن و برهم زدن اوضاع اقتصادی واجتماعی به‌شکل سبعانه و وحشیانه‌درمناطق مختلف تحت کنترول چریکها ، معطوف ساخته‌اند . برای اکثرافغانها درداخل کشورادامه‌زندگی بگونه‌ساده‌غیرمحتمل وغیرقابل تحمل درآمده‌است .

تصورات بی مفهوم ومیان تهی

تغیرات ودگرگونیهای سیل آسائیکه‌با چنان شیوهٔ خطرناک ومخوف درارابطه‌بادرگیری ها دربسا مواردبگونهٔ کاملا" جدیدآن ،دگرگونی های برگشت ناپذیری را دریت جامعهٔ آسیای مرکزی که‌خیلی بیشترازدیگران پابند معتقدات مذهبی خودمیباشندتاثیرعمیق افگنده است . حتی اگرمصالحه‌وسازشی نیزدریک شب به‌میان آید ، این یقینی به‌نظرمیخوردکه‌افغانستان سابق دوباره نخواهد

افغانی قرار داشتند با تفنگ ها ئیکه بحال آماده باش، بالا زده شده بود، چندتن از مشاورین روسی به شمول صاحب منصب عالیرتبهٔ آن خود را در کمین جا داده بودند. بعدا " فیرها بصدا در آمد.(. من با شتاب و عجلهٔ بیشتر می دویدم اما به عقب هم می نگریستم، نبی این موضوع را تشریح می دهد (من هرچیز را دیدم. عساکر اسلحهٔ شان را به کار می بردند و مردم برزمین نقش می شدند، می افتادند، من نمی توانستم پدرم را ببینم. حینیکه زنان کشتار مردان را دیدند به ناله و فریاد پرداختند و با زوان خود را پرت می کنند آنها کلام پاک را در دست گرفته به جلو می رفتند و از عساکرو نظامیان در مورد عاطفه و دلسوزی آنها نسبت باین صحنهٔ پرآشوب ورقت بار توجه آنها را به این سوجلب مینمودند. .

زنان سعی و تلاش می ورزیدند که از بین صفوف بگذرند اما هربار با فیروشلیک هوائی محافظین از آنان جلوگیری به عمل می آمد طبق گفتهٔ یکی از زنان، از زمره زنان بی شمار که در پاکستان با وی مصاحبه به عمل آمد، چنین موضوع را اظهار نمود مشاور بزرگ روس که با خاموشی و خونسردی مراقب جریان اوضاع بود، به سوی آنها متوجه شد و گفت : شما متیقن باشید که محصولات کچالوی سال آیندهٔ شما بهتر خواهد بود، و گفتارهای در رابطه با این موضوع . .

زمانیکه شلیک مرمی ها آغاز یافت، بی بی راخارا، یک بانوی مسن و بی حجاب، چروک وخشکیده که شوهر وچهار برادر، و یک پسر و دو برادرزاده و یا همشیره زاده هایش را درکشتارگاه از دست داده بود چنین اظهار داشت (ما مشاهده

بود . فزونی وتجا وزخلقی ها بەتعقیب تطبیق بیرحمانـه شیوەهای قلع وقمع روانی ضدشورشیان واستفادەوکاربرد ازوسایل عصری نظامی توسط شوروی ها بگونهٔ آشکاراکشور راازنگاهٔ بنیادی جریحەدارساختەاست ، وآنرا بەکابوس وحشتناک بمباردمان های هوائی، حملات زمینی زرهپوشها انتقام های وحشیانەوغیرانسانی، کاربردگازهای خفـه کنندهٔ اعصاب وکوفتن نحوس درواز‌ەها ازطرف (خاد)مبدل ساختەاند . مزارع، روستاها وبازارها کاملا" ازبین رفته وتخریب شدەاند ، محصولات زراعتی درنتیجهٔ بمباردمان طعمهٔ حریق شدەاند، واحشام ومواشی قتل عام شدەاند ، ساکنین محلی بقتل رسیدەاندویا ناگزیربەترک بودوباش ومحل شان گردیدەاند .

غالباازتمام آن چیزیکەباقیماندە ، خالی ومتروک وخاک آلود ، وکانالهای آبیاری متروک قرارداده شده ، درسراشیبی کوەها ، علایم ونشان پژمردگی ساحه های اراضی زراعتی درواديها کەدرجریان قرون متمادی بارور وبرومندبود ، آثارمخروبهٔ روستاهای خیالی کەزمانی با بوتەها وتاکستانهای مثمرپوشانیدەشدەبود ، در نتیجهٔ وزش بادصحراچین وچروک شدەاند .

حقیقت مسلم رااینکەبیش ازپنج ملیون افراد ، بین یک ربع سوم حصهٔ نفوس کشور ، خانەوکاشانهٔ شان را ترک دادەاندوناگزیربەخارج ازکشورشان پناهندگـی اختیارکردەاند ، کەدراواخرسال ۱۹۸۴ یکی ازصحنه های دلخراش وحشت این تراژیدی درنوع خوداست .

بدین سان تراکم بزرگ افراددرداخل کشور ، خانـه

بدوشان وبی سرپناهان کەخانەوکاشانۀ شان درنتیجـــه بمباردمان ازبین رفته ، بەمثابۀ ویتنامی های مـــی باشندکەدوملیون افرادآن وحتی بیشترازان درجریان درگیری ونبردهندوچین بخاطروحشت وترازیدی ناشی از جنگ وخونریزی ورهائی ازان بەشهرستانها فروریختند ، خصوصا نواحی سیگون وسایرشهرک ها .

مبارزەدرامربقاوموجودیت خودشان، افغانها را ناگزیرساختەاست کەبەشرایط واوضاع نوین خودرا وفــق دهند . چەبسا ازعنعنەعموم مردم کەبەمثابۀ یک دستاورد مشترک ملی محسوب میشدچون مراسم عروسی کەبەگونــــۀ ماهرانەواستادانەبرگذارمیشددربسامناطق کاملا"متروک قرارگرفتەاند . برعکس، همچنین یک اندیشۀ کەدرمقیاس گستردەاش دربین مردم پیرامون ادامۀ زندگی (عادی) شایع شده ، فرق نمی کندکەهرگونۀ کەباشدحتی بەپیمانه مسابقات بزکشی(یک شکل توپ بازی سوارەکەسریک بزویا گوسالەازبقیەحصص تنەآن جداشدەکەبەمثابۀ توپ ازان استفادەبەعمل می آید بەشکل کلی آن کەهلیکوپترهای شوروی ازان نظارت میکنند .

پارۀ ازافغانها بەگونۀ بی اعتنا وبعنوان مخالفت درعقب مناطق بحال انتظاربسرمیبرندچون ولایات شرقـی درجائیکەمهاجرت بەاحتمال غالب بهترین حل ممکــــن پنداشتەمیشد .

تیم های محافظ وسرپرست افرادمردم باگروپهای کوچک زنان واطفال هنوزهم دربین روستاهائی درمناطق کوهستانی کەبشدت آسیب دیدەاند ، درامرمرمت کانالهـا

وکاریزها بمنظور آبیاری مزارع ومراتع نیزبه‌چشم می
خورندوبه‌تربیه‌گاووبزوگوسفندیکه‌ازبمباردمان نجات
یافته‌اند، مشغول اند. درمجاورت مرزپاکستان بسا از
ساکنین آن خانه‌وکاشانهٔ شان را ترک کرده‌اند، امادستهٔ
افرادجوانان بطورمنظم برای زراعت وبرداشت محصولات
به‌این سوبرمیگردند. ازجمله‌آن افغان هائیکه‌به ترک
کاشانه‌شان بطورکلی ناگزیرساخته‌شده‌اند، عده‌قلیل
وانگشت شمارآن ها پیش‌ازپیش تماس های زیادی بادنیای
خارج داشته‌اند. زنان بحیث یک عنعنه‌وقانون به‌ندرت
پناهگاههای اجتماع کوهستانی شانرا ترک داده‌اند.فعلا
درکمپهای مهاجرین آنها بایدبدانندکه‌چسان باشرایط
دشوارونا موزون وبعضی اوقات به‌اوضاع فلاکت بار دست
وپنجه‌نرم کنند. کلبه‌های تنگ وتاریک باا ندکی ازگوشه
خلوت وتنهائی، که‌ازمؤسسات خیریه‌هم کدام شروعلایمی
دربین نیست وشرایط صحی رقتبار، امایک سلسله‌مزایای
هم چون دسترسی درامرمراقبت به‌صحت‌وآموزش تعلیم
خیلی سهل می نماید.

درچنین شرایط نابسامان، تندوطوفان انقلاب،
بقاودوام مقاومت بستگی به‌چگونگی اوضاع جبهات خواهد
داشت چه‌چگونه‌وچسان آنها درامرتأمین رهایش وآسایش و
خدمات عمومی لازمی دردسترس آنها قرارمیدهند. برای
بقای آنها که‌البته‌مستلزم یک سازمان ادارهٔ باکفایت
است، تهیهٔ خواروبار وآذوقه‌بطورمنظم، مراقبت های
صحی، مکاتب، سرپناه، وخسارات که‌ازناحیه جنگ
متقبل شده‌اند (حتی دردوران جنگ وستیزمردم باید به

زندگی شا ن ا دا مه‌دهند ، این موضوع را یکتن ا زقوماندان گروه مقا ومت ا زکا بل ا ظها ردا شت ، ا گرمجا هدین در ا مر ا ظها رعقا یدوا ندیشهٔ شا ن آ ما دگی نگیرندوچیزی را به جا نب مقا بل ا را ئه‌ندهند ، جا ی هیچگونه‌شک و تردید ی نخوا هدبودکه‌کمونیست ها هرآ ن چیزی را که‌موردپسند آ ن ها با شنددرا مرپرکا ری ا ین خلای موجودبرخوا هندآ مدا گر آ نها چنین دریا بند ، ما را متلاشی خوا هندسا خت . زما نیکه آ نها ا ین کا ررا ا نجا م دا دند ، آ نها میتوا نندآ نچه‌رامورد خوا ست آ نها ا ست درعمل پیا ده‌کنند .

با تحمیل بیرحما نهٔ ا نقلاب ا جتما عی، سیا سی ازبالا، رژیم حا کم ومستقردرکشورکه‌ا زجا نب کمونیستها حما یه و پشتیبا نی میشودبدون درنظردا شت ما هیت موضوع یک ا نقلاب مردمی نیرومندضدما رکسیستی را ا زپا ئین برا نگیخته‌ا ند . بنا برا ن، دربسا ا زمنا طق زعا مت چریکی درا مربهره‌بردا ری ا زین فرصت مسا عدنا کا م ما نده‌ا ست . چه‌ا ین سا زما نها آ نقدرسرگرم جنگ ونبردا ندویا ، فا قد ا بتکا رعمل می با شند ، که‌علاقه‌ودلچسپی آ نا ن درامرتهیه وتدا رک نیا زها ی مردم ملکی ونفوس بیدفا ع کشورا صلا " مطرح نیست . چندی ا زا نها دررا بطه‌با موضوع تما س می گیرندوا عترا ف میکنند . ا ما ا ین یک پرا بلم جدی ا ست ، گفتهٔ یکتن ا زمحصلین سا بق دیپا رتمنت ا دبیا ت وا بسته بدا نشگا ه‌کا بل که‌فعلا "بحیث قوما ندا ن پا ئین رتبه در ولایت پروا ن کا رمیکند ، مجا هدین می دا نندکه‌چگونه برزمند ، هنوزدرا مرتشکل وپی ریزی سا زوبرگها ی سیا سی وا جتما عی خودا ندیشهٔ نا چیزی درسرمی پرورا نند ، طوری

که قوماندان های چریکی متعددوبی شماردرسراسر جهان بدرک این موضوع برآمده اندازینکه اقدام وتشبث به جنگ ونبردگاهی آسان جلوه میکندتا برخوردبا برخی از عمل گستاخانه که به مثابه مسائل پیش پاافتاده محافظه زنان، اطفال ومردان مسن، که باید زنده نگهداشته شوند.

سازماندهی مقاومت مردمی

هریک ازسربراهان وزعمای احزاب بنیادگرای سه گانه مستقردرپشاوروفعالیت وکاروبارشانرابحال تبعید درنخستین سالهای واژگونی محمدظاهرشاه، شاه اسبق کشورتوسط محمدداودبسال ۱۹۷۳ آغازکردند. بادر پیش گرفتن خشونت واعمال فشارعلیه شاه سابق که بایدکشور را ترک گوید، داودهمچنین به تعدادبی شماری ازناراضیان ومبارزین محافظه کاروسنتی مسلمانان رازندانی، اعدام ویا تبعید نمود. ودرحدودپنجاه تن ازبنیادگرایان اسلامی بسوی پاکستان گریختند، که صدراعظم وقت این کشورذالفقارعلی بوتوازکلیهء آنها به منظوربهره برداری سیاسی ازآنها ومتحدساختن آنها درداخل یک چهارچوب (پالیسی پیش روی) نوین دربرابررژیم کابل ازآن استفاده نمود.

بادوباره برسراقتدارآمدن داود، چنین تجویز سر دست گرفته شدکه دربرابر برتجدیدموضوع پشتونستان ازطرف زعامت افغانستان به مثابهء یک سدراه ازین رهبران استفاده به عمل آید. بین سالهای ۱۹۷۲-۱۹۷۷ حکومت پاکستان تقریبا درحدودپنج هزارتن ازناراضیان و

مبارزین افغان را که درکمپ های محرمانه نظامی تحت آموزش وپرورش قرارداد، که رقم قابل توجه آنان را مبارزین جوان مسلمان وحامیان آنها تشکیل میداد. که پی ریزی وبنیان گذاری آن بسال ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵ توسط دانشمندمذهبی ودینی درپوهنتون کابل طرح ریزی شد، که این دسته از دانشمندان وعلما درجریان تحصیل شان به خارج از کشورتحت تاثیرانديشه بین المللی اخوان المسلمین قرارگرفتند، که این جنبش درزمره محصلین دانشگاه اسلامی تعداد بسیاری از آنها را گرویدهٔ خودساخت. با درپیش گرفتن شیوه های افراطی ضدچپی، نه تنها آنها با پرچمی ها وخلقی ها بگونه ثابت برخوردوتصادم نمودند، بلکه داودوحکومت آنرا نیزهمکارکمونیستها ،متهم ساختند.

درجولای سال ۱۹۷۵، ناراضیان ومبارزین افغان دو استیشن وپاسگاه پولیس را دروادی پنجشیرموردحمله قرار دادندوبخشی ازین وادی را برای سه روزدرتصرف خود داشتند. اما قبل ازینکه این شایعات وهنگامه ها دربین مردم پخش شود، با مداخله نیروهای امنیتی حکومت در جریان امور، چریکها ناگزیربه فرارشدند. داودبا عجلهٔ هرچه بیشترحکومت پاکستان رادرامرسازوبرگ دهی به این ناآرامی ها وآشوب متهم ساخت، که این موضوع بگونهٔ صریح ازطرف اسلام آباد موردتکذیب قرارگرفت. گرچه چندسال بعدترمقامات ارشدنظامی وغیرنظامی کشور در دوران زمامداری بوتوبگونهٔ محرمانه تسلیح وتجهیز، تمویل وزمان بندی اینگونه برخوردها را با تقبل مسئو ـ لیت اعتراف نمودند.

این طغیان وشورش بی ثمروبی نتیجه رهبران بنیاد گرای موجوده را درنخستین بوتهٔ آزمایش قیام مسلحانه قرارداد. دراخیر، گلبدین حکمتیار زعیم حزب اسلامی ادعا نمودکه اونخستین کسی بوده که درمقابل ملحدین کمونیست مبارزه اش را سربراه انداخته بود.

مخالفت درحال تبعید

دردوران تره کی وامین، دسته های مبارزین وناراضیان درپاکستان روبه اوج وفزونی گذاشتند. در جنوری سال ۱۹۸۰ درحدودبیست احزاب قابل شناخت بگونه مشخص درپشاوروکویته پی ریزی شد. درامرجلوگیری ازوخامت اوضاع، حکومت اسلام آباد صرف شش حزب بزرگ وعمدهٔ آنها را شناخت، وبقیهٔ این احزاب را که بطورآزادانه نمی توانستندویاتوانائی بدست آوردن مدرک مالی راازخارج نداشتند، ناگزیرشدندکه بیکی ازتنظیمهای شناخته شدهٔ دولت میزبان بپیوندند، ودفاترخودرا مسدودسازندویابه شکل نیمه پوشیده ومخفیانه به فعالیت بپردازند.

سه ماه قبل ازتهاجم شوروی بکشور، پشاوربه مثابهٔ یک فضای آگنده ازکمینگاه جاسوسان درآمده بود، نفوذ و رخنه گری بیش ازحدجاسوسان درمنطقه روبه اوج وفزونی گذاشته بود. دپلوماتها، ژورنالیستها وگماشتگان اطلاعاتی واستخباراتی وسیاحین مرموزوخطرناک بطورمستمر وبلاوقفه ازبین این شهرخاک آلودپنهان، که سی وپنج کیلومترازگذرگاه خیبرفاصله دارد، درامرمراقبت و کنترول افغانها، قاچاق بران ادویه کشورمیزبان و یا

هرنوع دسیسه‌وتوطئه‌ایکه‌کسی دراmردرک وکشف آن بود ، این سووآن سوسری میزد . با بازارهای مملووآگنده از دود ، پشاورهنوزپاره‌ٔ ازمشخصات وراییحهٔ بوی سرحدی هنددوران کیپلنگ رادرخودنگهداشته‌است (محفوظ داشته است) درهوتل دینز ، هوتل ازکارافتاده ، اماساختمان زیباوگوارای دوران استعماری پولیس مخفی کشورمیزبان تلاشهاومساعی جسورانه‌ومتهورانهٔ درامرتشخیص وسراغ کلیه‌اجانب وخارجی ها به‌خرچ میداد . زمانیکه‌من درهوتل به‌شمول نامه‌نگاران خارجی اقامت داشتم ، من شش تن ازافرادامنیتی راکه‌تعدادآنها ازشش نفرکمتر نبود تشخیص دادم ، که‌آنها دریک (شعبهٔ انجنیری سرحدشمال غربی) تعین شده‌اندووسایط نقلیهٔ لندروور ، آنها خارج ازدروازه‌های ساختمان توقف کرده‌بود . دوتن ازناظرین اضافی ، که‌درموترسیکل درمجاورت مدخل اصلی صحن ساختمان لمبیده‌بودند .

درآن آوان پناهندگان سیاسی افغان دفاتر حزبی داشتندکه‌درپس کوچه‌های بازاروبازارها درکنارجاده‌هاموقعیت داشت . جهت ملاقات باآنها ، یک کسی مکالمهٔ تلفونی جداگانهٔ باآنها بایدسردست می گرفت بعداآهسته جهت مصاحبه‌باآنان می شتافت ، بعدازاینکه‌اطاق راترک می گفت کسی الزاما درفکرپولیس نمی بودمعمولابرای کسانیکه بسراغ دفاترمجاهدین برمی آمد ، دفاترآنها راباازدحام وگیروبارزیادکه‌توسط عمامه‌برتن که‌بالباس ساده‌معمولا چندقدم دورترازدفتربطورغیرمنظم اجتماع کرده‌بودند برمی خورد . محافظین مسلح افغان درکناردروازه‌ورودی

مردمانی را که جست وخیز وآشا روعلایم خوشی ازچهرهٔ آنان نمودار بود ، هویت آنان را موردمراقبت وبازجوئی قرار می دادند .

بعضی اوقات رهبران افغان شخصا خودشان مستقیما" به هوتل می آمدندوبعدا پولیس به بهانهٔ این وآن به دروازه ظاهرمیشدوبه داخل می نگریست . این یک مسابقه بی حاصل ناچیزوبی ارزشی بود .

بخاطرکاهش ازتشنجات بیشتروپیشگیری از وخامت بیشترا زاوضاع با رژیم کابل، که درنتیجهٔ فعالیت های چریکی به امتدادمرزوضع را بیش ازپیش به وخامت کشانیده بودومقامات کشورمیزبان روی این اندیشه که آنها به مبارزین ونارا ضیان افغانی چنین صلاحیت عمل عام وتام را دردسترس آنها قرارنداده اند ، محتاطانه عمل می کرد . همچنین خوف آن نیزمیرفت که بعدها موردقضاوت قرارگرفت ، که رژیم کابل با ایجادرخنه گری دربین قبایل ملی پښتون ویامخالفین سیاسی بی حاصل آنها با برانگیختن روحیهٔ ضدحکومتی واکنشی دربرابرآن نشان خواهدداد .

مداخله شوروی درکشوربه اینهمه وقایع وپیش آمد ها خاتمه بخشید ، زمانیکه بعدها ژورنالیست ناگهان به سوی دهکده ها فرودآمدند ، که اکثریت آنها مقامات کشورمیزبان بودند ، موج ناگهانی علاقه ودلچسپی جهان، بسرعت از طرف مقامات وسازمان های خیریه به گونهٔ رسا بصورت دایمی تعقیب شد . دپلوماتها ومعززین خارجی کمپ های مهاجرین را موردبازجوئی ومشاهده قرارمیدادند ، وهوتل انترکانتی ننتل خیبررااز ورشکست شدن نجات بخشیدند .

دربین چندروز ، بسیاری ازگروپ های سیاسی افغان نماینده گان شان را برگزیدندکه بطورآزادانه درتالارهوتل بر روی میزیکه جهت این منظورازان کارگرفته میشودباید کنفرانسهای مطبوعاتی پرداختند ، ویایادداشت های آن را ذریعهٔ پوسته ارسال میداشتند . جهت رسیدن به دفاتر شان چندان به عملیات محرمانه ونهانی نیازی احساس نمی شد ، با دریورتاکسی ویارکشا می توانست بگونهٔ ساده این موضوع حل گردد . فلهذا کارکنان ودست اندرکاران احزاب وتنظیمها که دردهات وروستاهای سرحدی ویامراکزبازجوئی وثبت نام مستقرشده بودند ، آنها را به مجرد رسیدن به مناطق مرزی موردنشانی قرارمیدادند . درضمن بازجوئی وثبت نام حکومتی، مبارزین وناراضیان محیل در امر ایجادیک انتباه غلط دست اندرکارشدند ، که حکومت میزبان درصورت پیوستن والحاق آنها به آن سازمانها ازخوار وبار ومحل رهایش وآسایش آنها را برخوردار خواهدساخت . کلیه اعضای فامیل، خاندان وحتی قبایل وطایفه های آن ها نام نویسی شد ، چه بسا ازمهاجرین وپناهندگان به نسبت فقدان سوادودانش ، نمی دانستند ، که درواقع به کدام یک ازاحزاب وپارتی ها آنها محلق شده اند .

تازه واردین متهورغالبا برای اینکه وی سرپرست یک فامیل است به نشان انگشت ویامهرجعلی متوسل می شدند . همچنین مواردبسیاری ازین افرادجدیدالورود را که حتی به دوویاسه تنظیم نام نویسی وثبت نام کرده اند ، نشان میدهد ، درحالیکه پارهٔ ازنام نویسی ها بخشی از تلاشها ومساعی پناهندگان ومهاجرین درجهت بدست آوردن

می کردیم که‌مردم به‌زمین می افتند ـ به‌ما معلوم بودکه چه‌حادثه‌ء اتفاق می افتد . ما خواهان دانستن ورسیدن به‌آن بودیم .... که‌آنها را لمس کنیم ....

اما نظامیان ما را ازین امربازمیداشتند ، درین گیرودار وتلاش ومغشوش ومضطرب نبی جوان، ممکن به‌نسبت قامت کوتاهش ، بدون اینکه‌کسی متوجه‌آن گردددرا ه‌مسجدرا در پیش‌گرفت . عده‌ای ازمردم با عجله‌لباس زنانه به وی دادند . وعده‌ای نیزدرتغییرلباس با چادرهای سیاه‌چنین کاررا کردند . لحظاتی چندبعدازشلیک مرمی ها یک بولدوزری درصحنه‌نمایان شدوبه‌شخم کندن زمین نرم جهت مدفون ساختن اجسادکشته‌شده‌پرداخت . برخی ازآنهاهنوز زنده‌بودندوحرکت میکردند . چندی ازبانوان متوجه این موضوع شدندکه‌عکاس نظامی عکس های بیشتری ازین صحنه برمیدارند . نیروهای امنیتی جهت پاک سازی این منطقه روستائی به سراغ بقیه‌افرادباقیمانده‌دست اندر کار شدند . برخی ازآنها داخل مسجدشدندوتقاب ها را از افراد مظنون ومشکوک پس کردندسه‌یا چهارتن ازمردم را کشان کشان توأم با ناله‌وفریادبطورساده‌وبی تکلف در زمرهٔ کشته‌شدگان دسته‌جمعی افزودند . صرف عده‌ای قلیلی ازآن ها جان سالم بدربردند . زمانیکه‌شلیک مرمی ها را شنیدم من درمنزلم بودم ، گفتاریکتن دیگرازمهاجرذکوراست . (آنچه‌راکه‌زجه‌وناله‌وفریادزنان بودمن میتوانستم تشخیص دهم ، بشنوم ومیدانستم چه‌حادثه‌ای درپیشرو است ، بعدا من به‌گریزآغازکردم ، به‌نزدیکی دریاا ود ر میان درختان، خودراپنهان ساخت . لطیف یکتن ازافراد

امداد بیشتر ویا سلاح وتجهیزات ، که احزاب وتنظیم ها
چنین ناموزونی ها و اختلافات را در امر کسب شهرت ونام و
نشان ، سرمایه مختص وممتازی را درضمن جمع آوری پول
بخارج ویا کمک های پولی بطورداوطلب وتوزیع آنها در
بین پناهندگان صورت می گیرد ، سودبیشتری می برند .
با آنهم ، بطورعموم ، کمکها ومعاونت ها برای احزاب
وتنظیم ها محدودبه یکجا میباشدتا عوامل بیرونی ، دربسا
موارد ، نخستین اطاعت ووفاداری یک مجاهدبه قوماندان
اش که معمولا ازوابستگان آن است ، میباشد . این می
تواندیک شخصیت مذهبی ویا قبیلوی عنعنوی ویا سنتی
باشد ، یک شخصیت منطقوی ویا قوماندان پارتیزان که او
بخاطر فعالیتها وفداکاریهایش درعمل به حیث شخصیت
قابل احترامی درآمده است تا روابط خونی با وی .
پاره ٔ ازجبهات مقاومت ، عمدتا پشتونها ،که متشکل
ازپناهنده ویا مهاجرینی که جدیدا استخدام شده ودرمناطقی
که به جنگ وستیزمشغول اند ، کدام پایه واساسی ندارد ،
به قوماندانی ویا سردسته ٔ آن مناطق قرارمی گیرند ، وبا
تجهیزات ومهمات ، بواسطه ٔ قوماندان های چریکی که
مسئولیت مستقیم به سازمانها وتنظیم های پشاور دارد ،
مسلح ساخته میشود . برخلاف تحصیلکرده های مدنی وچیزفهم ،
عده ٔ انگشت شماروناچیزی ازمبارزین وجنگجویان ودهقا-
نان دلایل سیاسی را به پیش می کشند (که صرف مسلمان بودن
ما بهترین وکاملترین محک) درامر پیوستن والحاق ما به
یکی ازسازمانها وتنظیمهای مشخص میباشد .دربن او اخراین مو
ضوع بخاطر یکسلسله جبهات پارتیزانی بیشترمغلق وپیچیده

که پافشاری وتاکیدبیشتری روی تلقین ایدئولوژیکی و عقیدوی درامرمبارزه با تبلیغات وپروپاگندحکومت ، تغییرشکل داده است . به بسا ازمجاهدین منسوب ووابستگی آنها به احزاب وتنظیمهای سیاسی، به خصلت پیوند آنها بین تنظیم وقوماندان محلی ومنطقه بستگی دارد ،ازینکه تنظیم وحزب درحال تبعیددرمقابل پشتیبانی و حمایت سیاسی آنها چیزی را به آنها عرضه میکنندعامل تعیین کننده پنداشته میشود . احزاب درامرانعقادیک توافق بین قوماندانان های داخل جبهات ، گرایش نشان داده اند ، وعده های بیشتردرامرکمک های مالی، سلاح،مهمات ،ادویه وحتی کمک های درامررهائی مجاهدین همرزم آنان از زندان های حکومتی فراهم میسازند . گروپهای مجاهدین غالبا نمایندگان شانرا درپشاوربمنظوربررسی جهت موضوع که کدام یک ازتنظیمها تجویزوپیشنهادمعقول وپسندیده درقبال جهاد برازمیدارند ، می فرستندتا یک حدی، این پیوندها وبستگی ها درامرزیست یک سلسله تسهیلات مزیدبر تمام جبهات بوجودآورده است . درکشورمیزبان،پناهندگان درخواستها وشکایاتی ازطریق مقامات مسئول حزبی و یا تنظیم درامرفراهم آوری یک سلسلهٔ تسهیلات جهت ادامهٔ جهاد در داخل کشور ، می نمایند .احزاب وابسته به این گروه های مبارزتسهیلاتی رادرامربسیج آنها فراهم میسازند . مجاهدین به مناطق جهاد دا ینسووآنسوبه گشت وسیروسفرشان می پردازندمیتوانندشب وروزمسافرت کنند ، بخورندوشبها رادرچای خانه های حزبی که به مثابهٔ یک مقرفرماندهی سیاسی محلی ازان کارگرفته می شود ،

موردا ستفا ده قرا ردهند ، ویا می توا نندا زمنا طق ومحلهای نا شناس با نشا ن دا دن دستا ویزرسمی وکا رتهای هویت تنظیمها وا حزا ب وا بستها زا ن منا طق بگذرند .

استخدام اعضای جدیدوسازمان

بمثا به سا زما نهای درحا ل تبعید ، ا حزا ب وتنظیم های مستقردرپشا وربنا برموقف وموضعگیری بهترشا ن در ا مرجمع آوری وا حضا رکردن ا فرا دومردم عا دی که فا قد تصمیم‌گیری وشعورسیا سی ا نددرجهت حما یت ا زخوددربین ده ها هزا را زمها جرین وپنا هندگا نی که‌درهرما ه‌درجریا ن دو سال اول اشغا ل کشوربه‌پا کستا ن سرا زیرمی شدند ،افتادند چه‌ا کثریت قا طع ا ین مها جرین وپنا هندگا ن کدا م پیوند وا رتبا ط قبلی با گروه‌ها ی سیا سی ندا شتند . .

سیاست وتبلیغات

شا یدمهمترا زهمه ، ا حزا ب وتنظیمها ی مستقردرسرحد شما ل غربی به‌مثا به یک روزنه‌ودریچه‌با دنیا ی‌خارج جهت بدست‌آوردن سرما یه‌درا مرا دا مه‌مبا رزه‌مقا ومت ملی خدمتی ا نجا م میدهند . مسئولیت ومکلفیت عمومی آ ن ها ، درا مربدست‌آوردن ذخا یر ، خوا روبا رومهما ت وتوزیع آن ، ا حزا ب وتنظیمها با مها رت وتردستی کنترول ومرا قبت‌آ ن را به‌مثا به ا عما ل نفوذسیا سی علیه‌هموطنا ن خوددردا خل تنظیمها بکا رمیبرند .

حما یت وجا نبدا ری ا زشخص موردنظربنا برپیوند ها وسا خت وبا فت ها ی قبلی وتقسیم غیرعا دلانه‌ا ین ذخا ئر

سرانجام نارضایتی وعدم اقناع خاطرمردم را فراهم ساخته است ، ویا ره‌ءازجبهات منطقه‌را به‌این امر وادار کرده است که‌نمایندگان خودرا بمنظورحفظ منافع ومراقبت ازوسایل موردنظردرپشاوربرگزینند ، ویا حتی با فرستادن گماشتگان آنها بخارج جهت دریافت کمک های بیشتر و حمایت وجانبداری مستقیم ازانها دست اندرکارشوند .
بطورعموم ، این بنیادگرایان هستندکه‌چهره‌های حق بجانب ومساعدچه‌درداخل وچه‌خارج کشورافغانستان بخود گرفته‌اند ، اما تشخیص وارزیابی نیروی اصلی واهمیت هریک ازسازمانها وتنظیم ها که‌اصالت نیرودرکدام تنظیم نهفته‌است آنقدرسهل وآسان نبوده‌است . قبل ازاشغال وتجاوزکشورتوسط شوروی ها ودرجریان اولین چندماکه کشورتحت اشغال نیروی مهاجم قرارگرفت ، در زمینه‌ء موضوع شک وتردیدنا چیزوجودداشت که‌حزب وتنظیم‌حکمتیار نیرومندترین وحتی با دسپلین ترین همه‌ءاین گروه‌ها می باشدقسما استعدادومهارت وقابلیت وتوانائی سازمانی وی قابل سپاسگذاری می باشد .
به‌مثابه‌ء یک حزب وتنظیم ، حزب کادرهای مبارزرا با درنظرداشت سوابق اجتماعی که بگونه‌ء شگفت آورازنگاه نظم ودسپلین مشابه‌به‌سازمان خلقی ها می باشد ، که سن بیشترآنها بین سنین بیست وپنج وسی وپنج می باشند ، تحصیل یافته‌های موءسسات آموزشی عالی اما دراصل هر کدام آنها ازمناطق روستائی می باشندتا شهری.همچنین وجه‌مشخص ومتمایزآن ها عین همان عدم تسامح واندیشه‌ء ثابت وعدم لطافت ونامهربانی آنها ازآرمان واندیشه‌ء

که درا.مرپیشبردا هدا ف ونصب ا لعین حزب که‌ا ز مشخصـــا ت خلقی ها دردورا ن سا ل ۱۹۷۸ و۱۹۷۹ بود ، می با شد .بگونه ا فرا طی ا زتا کتیک ها ی خیلی خشن کا رمی گیرند ، و ا ین ا زنگا ه‌ا نظبا ط ودسپلین درون حزب ا ست که‌حزب بر تر ی ها ی چشمگیری به‌نسبت وا جدبودن چنین خصلت نسبت بـــه دیگرسا زما نها وتنظیمها دا شته‌ا ست . .

حکمتیا ردرزمرهٔ نخستین کسا نی بوده‌که در جهـت ا همیت ا عمال ا ین ا فزا رتبلیغاتی چرب ونرم پی برده گرچه درا مرکا ربردوا عما ل ا زچنین ا فزا رتبلیغا تی، زما نیکه ما ا ین پدیده‌ها را با جنبش ها ی آ زا دیخوا هی که‌ا ز بوتـهٔ آ زما یش وا متحا ن خیلی دشوا رسربدرآ ورده‌ا ند ، ا گردر هر گوشه‌وکنا رجها ن موردمقا یسه‌قرا ردهیم‌به‌پیروزی ها ی د ر ا مرفزونی شهرت حزب وپا رتی ها ی شا ن‌دست یا فته‌ا ند .

قبل ا زهریک ا زا حزا ب ، را دیوستیشن مخفی حـز ب بسا ل ۱۹۷۹ بدا خل ا فغا نستا ن آ غا زبه‌فعا لیت نمود .د ر جریا ن نخستین سا لها ی سلطهٔ کمونیست درکشور ، بسیا ری ا زمبصرین ونا ظرین، به‌شمول نویسندهٔ ا ین کتا ب ا زینکه حزب ا زمهمترین جنبش ها ی چریکی می با شد ، ا نتبــا ه گرفتند . ا ین ا مردرا وا یل ا نقلاب بخا طرمتدها وشیوه‌ها ی ا ستخدا م وکا را ئی سا زما نی درسطح عا لی آ ن یکی ا زمسائل کا ملا" ممکن محسوب می شد . مقا ما ت مسئول حزبی بطو ر مستقیم ا زینکه‌درحدودسیصدهزا رتن ا زمجا هدین بطـو ر فعا لانه‌درزیرپرچم سبزحزب به‌جها دمشغول ا ند ، ا ظها رمی نمودند . تعدا دوا قعی پا رتیزا ن ها ی وقت تما م محتملا" کمترا زیک دهم ا ین ا رقا م درختم سا ل ۱۹۸۰بود . سا یـر

احزاب نیز به سرعت به سازماندهی افراد معیتی خود بر آمدند، بعداً از اشغال کشور هریک از تنظیمها و احزاب روی موضوع سازماندهی افراد سفرهای بداخل افغانستان در جهت اثبات نیرومندی وتوانائی رزمی خود می نمودند. آنها هیچ چیز خوش شان نمی آمد جز نشان دادن و به نمایش گذاشتن تانکهای تخریب شده و سوخته دشمن که افراد و قبایل مختلف وابسته به این احزاب با تکان دادن سلاح وتجهیزات و با شعارهای خدا بزرگ است (الله اکبر) این صحنه را تمثیل میدادند. دفاتر ومقر فرماندهی هریک از تنظیم ها و احزاب مستقر در پشاور جز به نمایش گذاشتن این صحنه های خونین که توأم با فوتوگرافها وعکاسی های روی دیوار دفاتر احزاب مختلف برروی دیوار نصب شده بود که کشتار وقتل حامیان ودار ودسته مسئولین خودفروخته را نشان میداد ویا اینکه آثار مخروبه یک پاسگاه پولیس حکومت خلقی ها را که عکاسی شده بود، تمثیل می نمود.

دررقابت های مستمر ودوامدار شان، آنها متیقن ساخته اند که پرچم های افراشته شده آنان ویا تمثال رهبران آنها درهریک از عکاسی ها که درامر جلوگیری از رقابت ها از پیش کشیدن حادثه به مثابه آن است که خود آن ها مرتکب این عمل کشتار وقتل شده باشند.

برخی ازگروپها با چهره ها وسیمای دلیرانه چنین وانمود کردند که مجاهدین وابسته به آنها به هزارها تن از افراد روسی را درهرماه بقتل میرسانند، وتلفات خود شان را با بالا نداختن شانه صرف (شهدای) انگشت شمار وانمود میکنند. این صرف بخاطر آن بودزمانیکه نامه

نگاران خارجی پیرامون اینگونه رویدادها ومسایل بـه گونهٔ فزاینده‌ای از آنان پرسش به عمل می آوردند، از گزارش دادن اطلاعات به آنها تا زمان اثبات وموثوق بودن موضوع امتناع می ورزیدند، که روٴسای حزب مدرک درانتشار گزارش های بیشتر موثوق دست اندرکار شدند.

کابل - شب‌نامه‌ها ومظاهرات

نخستین ارقام وعلایم مخالفت علنی دربرابر تهاجم شوروی درکابل وسایر نقاط وروستاها بـه شکل (شب نامه) که بگونهٔ درشت وخشن که بـه شکل شب نامه‌های مطبوع، که دراواخر سال ۱۹۶۰ جهت اعتراض دربرابر بی عدالتی های اجتماعی بـه شکل امتحانی سربدرآورد، حالابا سر و صدای مخالف اعلامیه‌های شوروی ویا اعلامیه‌های سیاسی، درجاده های شهر در مساجد، ودرصحن سفارتخانه‌ها با استفاده از تاریکی شب توزیع وتقسیم گردید. ودرعین زمان، تایپ ریکاردرها برسرهربام خانه ومنازل جا بجا شدکه با سردادن دادوفریاد مملوازصدا، صدا ردار (الله اکبر) خدا بزرگ است وشعارهای ضدمارکسیستی را درشبهای سردزمستان سر براه انداختند. این شب نامه‌ها شوروی ها را بخاطر نادیده گرفتن نخستین پرنسیپ های انسانی وسلوک برده وارانه (برده منشانه) متهم ساخت، ودرضمن سوگند خوردندکه مسلمانها (هرگز مبارزهٔ شانرا توأم با حملات چریکی تا آخرین رمق حیات ترک نخواهندداد) یک اعلامیه درارابطه با ببرک کارمل، ببرک بـه مثابهٔ (یک کارغل) یک داستان یا درامه‌ای است که بـه معنی (دزدکار) می باشدیا

به این مفهوم که درکارزار روبارش دزداست . صدای موءذن که معمولا" درجریان یک روز پنج بار مردم را جهت ادای نماز با جماعت که یگانه ستون وپایهٔ دین است فرا میخوانند ،به مثابهٔ یک مظاهره ومخالفت علیه رژیم تحت الحمایه شوروی پنداشته میشد . اما کارمل با درک وآگاهی از اشتباهات ولغزشهایش که برضد اسلاف مسلمانش ، گام برداشته، با دردونالهٔ درنخستین بیانیه اش خطاب به ملت (که در اتحاد شوروی نیز ثبت شده بود) با این کلمات (بنام خدای بزرگ وتوانا وبخشاینده ومهربان) به سخنانش ادامه داد .

چند هفته بعد از مداخله شوروی، اوراق تبلیغاتی توسط سازمانهای مخفی مختلف درپایتخت کشور آغاز به فعالیت وتوزیع ونشر آن پرداخت ومغازه داران ومالکین فروشگاه ها را ترغیب نمودکه (هماهنگی شانرا درامر محکومیت اشغال کشور پشت پنجره های منازل شان پرده پوشی نمایند . در ۲۱ فبروری ۱۹۸۰، کاروبار تجارت ورونق بازار درپایتخت کشور درنتیجه آغاز آشوب ومظاهرات تا اخیر هفته بحال رکود مواجه بود . بهزاران تن از مظاهره چیان از بین جاده های پایتخت کشور با شعارهای چون(ای روسها بدانید که افغانستان چکوسلواکیا نیست ، مرگ بر ببرک ، عروسک ودست نشاندهٔ روسها وروسها کشور ما را ترک گوئید وخارج شوید ودرجریان شب اعتراضیون ونارضیان برسربام ومنازل وخانه های شان بالاشده نعره های (الله اکبر) را سرمیدادند .

رژیم عجولانه جهت برقراری نظم وامنیت حالت اضطراری وغیرعادی را با فرستادن نیروهای امنیتی اش به منظور خاموش ساختن

به‌منظورخاموش ساختن مظاهره‌چیان که‌درپاره‌ٔ ازبخشهای شهرمسلط بود ، اعلان نمود . میگ های شوروی وهلیکوپتر های توپدارآن ها با غرش وصدای پرشوردربالای سر مردم مانورانجام میداد ، درحالیکه‌تانکها دربین جاده ها و سرکها وجاده‌های متقاطع وبه‌اطراف ساختمان های حکومتی حسب لزوم دیدموضع می گرفتند .

مقامات مسئول حکومتی درنتیجه‌ٔ این تظاهرات که درشهرهای ولایات نیزسرازیرشدموردتهدیدقرارگرفتند ، بنابران طبقات حاکم طبق لزوم دیدکلیه‌راه‌های ارتباطی ومواصلات باسایرحصص کشوررابروی عابرین ومسافرین بستند .

در ۲۴ فبروری باسربراه‌ساختن وشیوع مظاهرات در هریک ازحصص شهرستانها ، که‌به‌تعدادبی شماری ازافراد که‌به‌چندین صدهزارتن میرسیدازگردونواح به‌جاده‌ها سرازیرشدندوبرای پنج روزاین ناآرامی وحالت مغشوش و مظاهرات جریان داشت ، که‌پایتخت مملکت بطورکلی فلج شده‌بودوبرای دفعهٔ نخستین بعدازتجاوز ، پراودا نشریهٔ رسمی زمامداران شوروی ناآرامی های فزاینده‌راگزارش داد ، ودرضمن ضدانقلابیون رابخاطرایجادتشنج وناآرامی که‌ازبیرون حمایه‌وپشتیبانی میشوند ، اتهاماتی وارد نمود . وبعدازفروکش کردن این مظاهرات وناآرامی ها جهت سرکوبی ازناآرامی به‌گونهٔ کتلوی مردم رابزندان ها می انداختندتانکها وزرهپوشهای نفربرعلیه‌اجتماعات ومنازل که‌اشتباه‌داشتن وسایل ناریه‌وسلاح میرفت مورد شلیک قرارمیدادند . برای نخستین بارآنها فیرهوائی می

کردند ، بنا به‌گفتهٔ محراب الدین، یک شاگرد سابق لیسه استقلال که‌نا مبرده‌با گروپ مقا ومت بحیث یک پرستار مردانه‌درپنجشیربکا رآغا زنموده‌بود ، زمانیکه‌ا جتماعات ازعمل شان بازنمی‌ایستند ، عساکربروی زمین به شکل بیرحمانه‌مردم را میزدند ، که‌درنتیجهٔ آن چندین تن از افرادکشته‌شدندوبه‌درجن ها زخمی دادند .

شوروی ها ، که‌طبق دستوروا ومرخارج ا زصفوف نزاع وآشوب قرا رداشتندوکنترول عملیات گروه‌مردم را به مبارزین سرسخت ج، د ، خ،ا ونیروهای امنیتی میگذاشتند ، خودرا تحقیرشده‌وحتی جان آنها نیزمصئون نبود

اطفال نعره‌ها سرمیدادندوطعنه‌وسرزنش میکردندکه سنگ پرتاب کنید ، دربرخی ازواقعات مظا هره‌چیان به وسایط نقلیهٔ که‌روسها راانتقال میداددست می انداختند وبرخی ازآنها را بالت وکوب ازبین می بردند ، شوروی ها با گشودن آتش به‌آن پاسخ میدادند . درگیری های متفرق کوچه وبازا رومظاهرات که‌به‌گونهٔ وقت‌گذراندن و ساعت تیری برای مردم درآمده‌بودتا اخیرماه‌دا مه‌پیدا کرد ، که‌به‌تعقیب آن چندین آشوبهای پرخشونت دیگردرجریان ماه‌مارچ بوقوع پیوست . درهرموقع ، مقامات مسئول با وسایل دردست داشته‌سنگین عمل امنیتی به‌آنها پاسخ می دادند .

عصیان وانقلاب اطفال

بطورغیرمعمول وفوق العاده‌بزرگ برای چنین یک جامعه‌ای که‌مردان مسلط برجریان اوضاع اند ، به صد ها

پولیس ، یگانه کسی که جان سالم بدربرده بود ، بخاطر اینکه او بحیث یک مامور رسمی دولت ، چنین تصور میرفت ، که از حامیان وفرمانبردار ان دولت خلقی است ــ وسه روز بعد نامبرده به امتداد مرززاهی پاکستان شد . میگوید : در جریان این لحظات ودقایق کشتار دسته جمعی ، عده ای از زنان مسن واطفال با چشمان مملو از اشک طورشدیدوبایید از افراد ، مردان گیچ خورده وبی حس سربدرآوردند . گروهی ازمردم نیک بخت که درین لحظات مغشوش ، خارج ازدهکده بودندتوانستندجان سالم بدربرند . آنها ازدریای کنر توسط مشکوله وجاله های کوچک ازدریا عبوروبعداز طی سلسله کوهای متعددروانه پاکستان شدند . یک جگرن وابسته به نظامیان پاکستان مراقب وناظربرخی ازافرادی که به این کشورواردشده اند ، بود . این یک صحنه کاملا" رقت بار وتراژیدی بود ، اوچنین اظهارداشت (من مراقب کلیه این بدبختی های زنان ضعیف الحال واطفال بیچاره بودم که تدریجاکم ، کم دریک فاصله زمانی ، طی روزها دربا جورمواصلت میکردند . کلیه آنها ضجه ونالـه سر میدادند . به مشکل دربین آنان می توانستیم کدام مردی راسراغ کنیم .

بطورکلی ، بگونه تخمینی درحدودیازده صدوهفتاد تن (۱۱۷۰) افرادذکوربی دفاع وغیرمسلح بشمول اطفال بین سنین ده به شکل بیرحمانه در (کیرالی) بقتل رسیدند ، که بیشتراز مجموع کشتاربی رحمانه (لیدز) چکوسلواکیا (میلای) زمانیکه قشون امریکائی درحدودصدتن ازافراد غیرنظامی ویتنامی ها را با خون سردی بقتل رسانیدند ،

از سلسلهٔ نشرات «وفا»
۱۱

افغانستان - درگیری شوروی

مؤلف: اِدورد جیراردت
مترجم: ج، ح ابراهیمی

افغانستان

در گیری شوروی

فهرست

موضوع	صفحه
۱- ماسک یا نقاب کمونست ها - فشار و کنترول	۱
۲- نخستین شکنجه و فشار	۱۲
۳- اصلاحات ارضی منحرف و گمراه کن	۱۵
٤- نخستین طغیان و انقلاب در مقابل حکومت	۱۹
۵- گسترش و اوج گیری این ناآرامی ها و طغیان	۲۲
٦- واقعهٔ هرات	۲٤
۷- سازماندهی یک دولت پولیسی	۲٦
۸- بسوی یک درگیری تمام عیار	۳۰
۹- تصفیه و پاکسازی بی امنیتی	۳۳
۱۰- اختناق و وحشت پولیس، تخلفات از حقوق انسان و...	۳۷
۱۱- دستگاه اطلاعاتی و استخباراتی «خاد»	٤٦
۱۲ شکنجه و بی اعتنایی ها	٤۸

شماره	موضوع	صفحه
۱۳-	شرارت وفتنه انگیزی ها	٥٤
۱۴-	نفوذ ورخنه گیری	٥۹
۱۵-	مدافعین انقلاب	٦۱
۱٦-	دولت در داخل دولت	٦٤
۱۷-	جبهه ملی پدر وطن	٦٦
۱۸-	تفرقه انداز وحکومتکن	٦۹
۱۹-	مبارزهٔ افغانها ـ با جنگ وستیزمردمی	۷۳
۲۰-	تصورات بی مفهوم ومیان تهی	۷۹
۲۱-	سازماندهی مقاومت مردمی	۸٤
۲۲-	مخالفت درحال تبعید	۸٦
۲۳-	استخدام اعضای جدید وسازمان	۹۲
۲٤-	سیاست وتبلیغات	//
۲۵-	کابل ـ شبنامه ها ومظاهرات	۹٦
۲٦-	عصیان وانقلاب اطفال	۹۹
۲۷-	آزادی یا مرگ	۱۰۳
۲۸-	مخالفت های مسلحانه شهری	۱۰٦

صفحه	موضوع	نمبر
۱۰۹	شلوغ و ازدحام در کابل	۲۹ -
۱۱۳	انقلاب ، مقاومت و وفاداری مردمان محلی	۳۰ -
۱۱٦	ماهی در آب	۳۱ -
۱۱۹	زکواة و یا محافظهٔ پول	۳۲ -
۱۲۳	ماشین تحریر، تکیپ ریکاردها وکامره ها	۳۳ -
۱۲۸	اخبار از طریق امواج هوا	۳٤ -
۱۳۳	دستگاه های فرستندهٔ مخفی : رادیو آزاد کابل	۳۵ -
۱۳۸	رقابت های سیاسی و وحدت	۳٦ -
۱٤۱	لویه جرگه ، اتحاد ، انشعاب	۳۷ -
۱٤٤	عامل ظاهرشاه	۳۸ -
۱٤۵	وحدت در داخل	۳۹ -
۱٤۸	هزاره جات ، یک مسلهٔ منحصر به فرد	٤۰ -
۱٤۹	شوریٰ	٤۱ -
۱۵۳	رو یکار آوردن شبه نظامیان یا نیروی ملیشه به شیوهٔ سویس	٤۲ -
۱۵٦	میرها ـ مائوست ها و خمینست ها	٤۳ -